



جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش

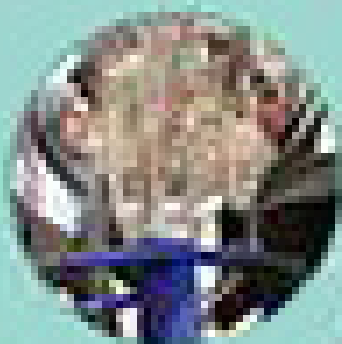


سازمان آموزش و پرورش استثنایی

مناسب سازی کتاب عربی نهم

گروه فنی و حرفه ای - کار دانش

ویژه دانش آموزان با آسیب شنوایی



از خون دل خورشید برآید دوست نامه
بسی زلفت دغرا من علم و فرهنگ



معاونت برنامه ریزی آموزشی و توانبخشی
کارشناسی برنامه ریزی درسی و
آموزشی گروه آسیب دیده شنوایی
سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱



معاونت برنامه‌ریزی آموزشی و توانبخشی
کارشناسی برنامه‌ریزی درسی و آموزشی گروه آسیب‌دیده شنوایی

با همکاری اداره آموزش و پرورش استثنایی استان قم

تدوین: حسن فداکار

علی فاطمی دوست

امیرحسین مقیمی یزدی

طراح گرافیک و صفحه‌آرایی:

موسسه فرهنگی و هنری طراحان ایماژ



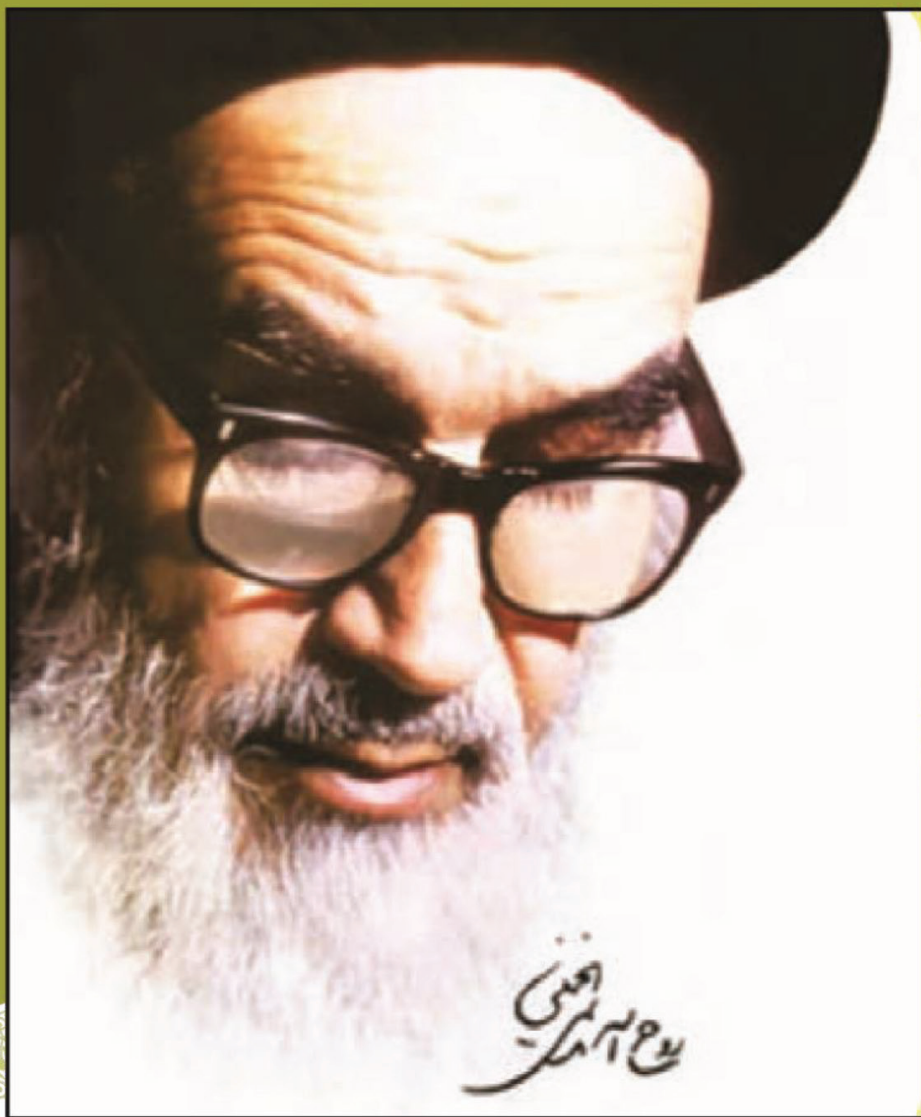
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُم

عربی، زبان قرآن

پایه نهم

دوره اول متوسطه





لغت عربی از ماست. لغت عربی لغت اسلام است.

صحیفه امام خمینی (قدس سره). جلد ۱۱. صفحه ۲۲۷

الفهرس

11	مُراجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ	الدَّرْسُ الأوَّلُ
21	الْعُبُورُ الْأَمِنُ	الدَّرْسُ الثَّانِي
37	جِسْرُ الصَّدَاقَةِ	الدَّرْسُ الثَّالِثُ
49	الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ	الدَّرْسُ الرَّابِعُ
61	الرَّجَاءُ	الدَّرْسُ الْخَامِسُ
75	تَغْيِيرُ الْحَيَاةِ	الدَّرْسُ السَّادِسُ
87	ثَمَرَةُ الْجِدِّ	الدَّرْسُ السَّابِعُ
99	حِوَارٌ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ	الدَّرْسُ الثَّامِنُ
111	نُصُوصٌ حَوْلَ الصَّحَّةِ	الدَّرْسُ التَّاسِعُ
125	رِسَالَةُ الشَّهِيدِ سُلَيْمَانِي	الدَّرْسُ الْعَاشِرُ

مقدمه

سخنی با دبیران ارجمند

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

خدای را سپاس که به ما توفیق داد تا با مناسب سازی کتاب عربی پایه‌ی نهم برای دانش‌آموزان با آسیب شنوایی در خدمت این عزیزان باشیم.

همکاران گرامی؛ در راستای سیاست‌های اجرایی سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور در زمینه مناسب‌سازی محتواهای آموزشی با توجه به توانایی و ویژگی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، محتوای مناسب‌سازی پیش رو به منظور تسهیل در فرآیند یاددهی-یادگیری ویژه دانش‌آموزان با آسیب شنوایی تهیه و تدوین شده است و جایگزینی برای کتاب مرجع نیست. این محتوا اولین مناسب‌سازی عربی است، که بر اساس نیازها و توانایی‌های دانش‌آموزان با آسیب شنوایی مناسب‌سازی شده است، لذا خواهشمند است همکاران محترم قبل از تدریس درس به درس، ابتدا کل کتاب را بررسی نمایند. بر اساس این مناسب‌سازی انتظار می‌رود دانش‌آموز با آسیب شنوایی بتواند مطالب کتاب عربی پایه‌ی نهم را درست بخواند و معنای آنها را بهتر بفهمد.

لازم به ذکر است که همکاران عزیز برای تدریس درس عربی پایه نهم به دانش‌آموزان با آسیب شنوایی، از این کتاب به عنوان «کتاب راهنمای معلم» استفاده کنند.

تغییرات ایجاد شده در کتاب عبارتند از:

۱. تصویرسازی واژه‌های خاص (المعجم) و برخی از مفاهیم انتزاعی.
۲. جهت تسهیل قسمت متن عبارات ترجمه شده و بعضی از عبارات نیز با صورت نقطه‌چین درآمده تا دانش‌آموز با کمک خزانه لغات، به ترجمه آن بپردازد.
۳. ترجمه قسمت الاربعییات در این کتاب صورت گرفته تا دانش‌آموز آسیب‌دیده با کمک ترجمه، فقط مکالمه کند.
۴. در درس اول کتاب نیز، جهت کمک در پاسخ، جملات پرسشی ترجمه شده است.

أَيُّهَا الطَّالِبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكُنَّ، أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُنَّ.



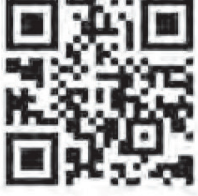
أَيُّهَا الطَّلَّابُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ.



آلسلام علیکم؛

أهلاً و سهلاً بِكُمْ في الصف التاسع؛
كَيْفَ حالُكُمْ؟





الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



أَهْلًا وَ سَهْلًا بِالْخَرِيفِ، فَصَلِ بِدَايَةِ الْعَامِ الدَّرَاسِيِّ الْجَدِيدِ.

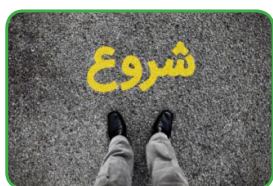


مُراجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ

المُعْجِم: واژه‌نامه ۲۷ کلمه جدید

یادگیری معنای کلمات باید در خلال ترجمه متون و عبارات محقق گردد.

إِبْتَدَأَ شُرُوعَ شِدْ مِضَارِع: بِيْتَدِئُ

أَمِنَ: اِيْمَن
الْعُبُورُ الْأَمِنُ: عبور و مرور ايمان

بَتَيْنَ: پسران



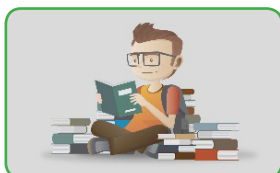
أَتَمَنَى: آرزو می‌کنم



تَلَامِيذُ: دانش آموزان «مفرد: تَلْمِيذٌ»



تَخَرَّجَ: دانش آموخته شد

دِرَاسَةٌ: تحصیل، درس خواندن
«دِرَاسِيٌّ: تحصیلی»

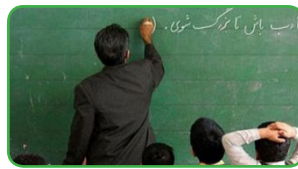
خَذُّ: بگیر، ماضی: بردار أَخَذَ/ بِيْرِمِضَارِع: يَأْخُذُ



دَهَاب: رفتن



دَرْس: درس داد، مضارع: یُدْرِسُ



زَادَ: زیاد کرد، زیاد شد، مضارع: یَزِيدُ



رَصِيف: پیاده‌رو



سَاعَدَكَ اللهُ: خدا قوت



زَارَ: زیارت کرد مضارع: یَزُورُ



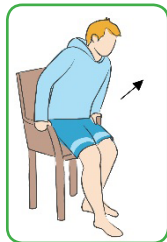
صِعَاب: سختی‌ها «مفرد: صَعْب»



سَأَلَ: درخواست کرد، پرسید مضارع: یَسْأَلُ



قِیَام: برخاستن



عام: سال‌عامِ درسی: سال تحصیلی



مَمَاتَة: مرگ = مَوْت ≠ حَيَاة



مُسْتَشْفَى: بیمارستان



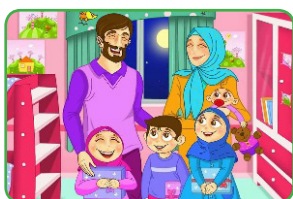
مِنْطَقَةُ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ: پارک آموزش ترافیک



مَمَرُ الْمَشَاةِ: گذرگاه پیاده؛ مَشَاةٌ یعنی پیادگان
و جمع ماشي است



نَبَقَى: می مانیم ماضی: بَقِيَ / مضارع: يَبْقَى



مَوْقِف: ایستگاه



(يَحْدَرُ: هشدار می دهد) ماضی: حَدَرَ



ها: هَان



يَمْشَوْنَ: راه می روند ماضی: مَشَى / مضارع: يَمْشِي



تَخَرَّجَ: دانش آموخته شد مضارع: يَتَخَرَّجُ
تُرِيدُونَ الدَّهَابَ: می خواهید بروید
سَاعِدْ: کمک کرد / يَسَاعِدْ: کمک می کند

أهلاً و سهلاً

يَبْتَدِي الْعَامُ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدَ. يَذْهَبُ الطَّلَابُ وَ الطَّالِبَاتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بِفَرَحٍ؛ هُمْ يَحْمِلُونَ حَقَائِبَهُمْ وَ يَمْشُونَ عَلَى الرِّصِيفِ وَ يَعْبُرُونَ مَمَرَّ الْمَشَاةِ لِلْعُبُورِ الْأَمِنِ؛ الشَّوَارِعُ مَمْلُوءَةٌ بِالْبَنِينَ وَ الْبَنَاتِ. يَبْتَدِي فَصْلُ الدَّرَاسَةِ وَ الْقِرَاءَةِ وَ الْكِتَابَةِ وَ فَصْلُ الصَّدَاقَةِ بَيْنَ التَّلَامِيذِ.

أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ قِيَامِي

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ كَلَامِي

أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ دُرُوسِي

أَسْأَلُ رَبِّي حَلَّ صِعَابِي

أَقْرَأُ بِاسْمِ اللَّهِ كِتَابِي

فِيهِ دُعَاءٌ، فِيهِ صَلَاةٌ

مَكْتَبُنَا نُورٌ وَ حَيَاٌ

فِيهِ كُنُوزٌ، فِيهِ جَمَالٌ

فِيهِ عُلُومٌ، فِيهِ كَمَالٌ

وَ يَدْرُسُ فِيهِ الْحُكَمَاءُ

تَخْرُجُ مِنْهُ الْعُلَمَاءُ

مَرَحْمَةٌ، كَنْزٌ، كَدَوَائِي

هَذَا كُتُبِي أَنْوَارُ سَمَائِي

فَأَسْمُ إِلَهِي، زَادَ سُورِي

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ أُمُورِي

ترجمه کلمه به کلمه درس

يَتَدَرِّسُ	الْعَامُ	الدَّرَاسَةُ	الْجَدِيدُ	يَذْهَبُ	الطُّلَابُ	وَ
.....	سال		جدید	می‌رود	دانش‌آموزان {پسر}	و

الطَّالِبَاتُ	إِلَى	الْمَدْرَسَةِ	يَفْرَحُ	هُمْ	يَحْمِلُونَ	حَقَائِبَهُمْ
دانش‌آموزان {دختر}	به	مدرسه	با خوشحالی	آن‌ها		کیف‌هایشان را

وَ يَمْشُونَ	عَلَى الرِّصْفِ	وَ يَعْبُرُونَ	مَمَرِ الْمَشَاةِ	لِلْعُبُورِ	الْأَمَنِ	
.....	در پیاده‌رو	و عبور می‌کنند	{از} گذرگاه پیاده	برای عبور و مرور	ایمن	

الشُّوَارِعُ	مَمْلُوءَةٌ بِ	التَّبَنِينَ	وَ الْبَنَاتِ.			
خیابان‌ها	پر از	پسران	و دختران است.			

يَتَدَرِّسُ	فَصْلُ	الدَّرَاسَةِ	وَ الْقِرَاءَةِ	وَ الْكِتَابَةِ	وَ فَصْلُ	الصَّدَاقَةِ
.....	فصل	تحصیل	خواندن	نوشتن	و فصل	دوستی

يُنَـ	الْتَّلَامِيذِ.					
میان	دانش‌آموزان.					

أَبْدَأُ	بِاسْمِ	اللَّهِ	كَلَامِي	أَذْكُرُ	رَبِّي	عِنْدَ قِيَامِي
.....	با نام	خدا	سخنم را		پروردگارم را	هنگام برخاستنم

أَبْدَأُ	بِاسْمِ	اللَّهِ	دُرُوسِي	أَذْكُرُ	رَبِّي	عِنْدَ جُلُوسِي
شروع می‌کنم	با نام	خدا		یاد می‌کنم	پروردگارم را	هنگام

أَقْرَأُ	بِاسْمِ	اللَّهِ	كِتَابِي	أَسْأَلُ	رَبِّي	حَلَّ صِعَابِي
می‌خوانم	با نام	خدا	کتابم را		پروردگارم	حل

مَكْتَبُنَا	نُورٌ	وَ حَيَاةٌ	فِيهِ	دُعَاءٌ	فِيهِ	صَلَاةٌ
.....	روشنایی	و زندگی است	در آن	دعا است	در آن	نماز است

فیه	عُلُومٌ	فیه	کَمَالٌ	فیه	کُنُوزٌ	فیه جَمَالٌ
.....	دانش‌هاست	در آن	کمال (رشد) است	در آن	گنج‌هایی است	در آن زیبایی است

يَتَخَرَّجُ	مِنْهُ	الْعُلَمَاءُ	وَ يُدَرِّسُ	فِيهِ	الْحُكَمَاءُ	
.....	از آن	دانشمندان	و درس می‌دهند	در آن		

ها	کُتُبِي	أَنْوَارٌ	سَمَائِي	مَرْحَمَةٌ	كُنُزٌ	گَدَوَائِي
.....	کتاب‌هایم	روشنایی‌های		مهربانی است	گنج است	

أَبْدَأُ	بِاسْمِ	اللَّهِ	أُمُورِي			
آغاز می‌کنم	با نام	خدا				

فَاسْمٌ	إِلَهِي	زَادَ	سُرُورِي			
پس نام	پروردگارم		شادی ام را			

التمارين

الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ:

با توجه به تصاویر پاسخ دهید:



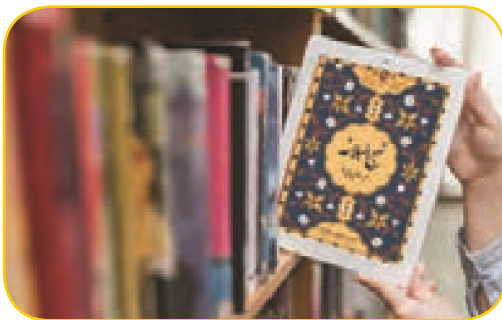
هل هذا زميلك؟
آیا این همکلاسی است؟

.....



ماذا على الشجرة؟
چه روی درخت است؟

.....



لمن هذا الكتاب؟
این کتاب مال چه کسی است؟

.....



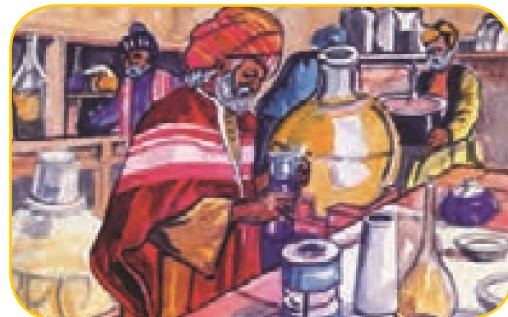
أين المستشفى بغداد؟
بیمارستان بغداد کجاست؟

.....



كم حافلة في الموقف؟
چند اتوبوس در ایستگاه است؟

.....



في أي علم هذا العالم المعروف؟
در کدام علم، این دانشمند معروف است؟

.....



متی تلعبن کره المنضده؟

چه وقت تنیس روی میز بازی میکنید؟

.....



هل هنا منطقه التعليم المروور؟

آیا اینجا پارک آموزش ترافیک است؟

.....



بم یسافر الحجاج إلى مکه المکرمة؟

با چه وسیله‌های حاجیان به مکه مسافرت میکنند؟

.....



یا تلمیذات، کیف حالکن؟

ای دانش‌آموزان، حالتان چگونه است؟

.....

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي:

در جای خالی کلمه مناسب بنویسید.

- ۱- واحد - اِثْنَانِ - - اَرْبَعَة - - سِتَّة -
- - ثَمَانِيَة - - عَشْرَة - - اِثْنَاعَشَرَ
- ۲- اَوَّل - - الثَّالِث - - الْخَامِس -
- السَّابِع - - التَّاسِع - اَلْإِعَاشِر - - الثَّانِي عَشَرَ
- ۳- يَوْمُ السَّبْت - اَلْأَحَد - - اَلثَّلَاثَاء - -
الْجُمُعَة -
- ۴- الرَّبِيع - - الْخَرِيف -
- ۵- الْفَطُور فِي الصَّبَاح - اَلْعَدَاءُ فِي الظُّهْرِ - فِي اللَّيْلِ

الْتَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. مَنْ أَنْتِ؟
۲. كَيْفَ حَالُكِ؟
۳. مَنْ أَيْنَ أَنْتِ؟
۴. فِي أَيِّ صَفِّ أَنْتِ؟
۵. مَتَى يَبْدَأُ الْعَامُ الدَّرَاسِيُّ فِي إِيرَانَ؟

الْتَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

برای فعل‌های زیر، ضمیر مناسب انتخاب؛ سپس هر جمله را ترجمه کنید.

۱. (هُم نَحْنُ) نَجَحْنَا.



۲. (هُم أَنْتُمَا) يَنْصُرُونَ.



۳. (أَنْتَ أَنْتُمَا) لَا تَكْذِبُ.



۴. (هُنَّ أَنْتُمْ) وَصَلْتُمْ.



۵. (أَنْتُمَا هُنَّ) يَقْدِرْنَ.



۶. (هِيَ أَنْتِ) مَا قَرَّبَتْ.



الْتَّمَرِينُ الْخَامِسُ:

کدام کلمه از نظر معنایی با بقیه کلمات «ناهماهنگ» است؟

مَوْظَفَّة	طَبَّيَّة	طَبَّاحَة	حَقِيبَة
مُحَافِظَة	قَرِيَّة	مَدِينَة	عَامِل
بِنْت	أَخْت	لَوْن	جَدَّة
قَدَم	قَوْل	يَد	عَيْن
بَقَرَة	جَنَّة	فَرَس	سِنْجَاب
أَسْرَة	قَمَر	گَوَگَب	شَمْس
أُسْبُوع	دَهَب	شَهْر	سَنَة
تُقَّاح	رَمَّان	تَمَر	سَحَاب

الْتَّمَرِينَ السَّادِسُ:

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است».

- ۱- كُرَّةُ الْقَدَمِ مَكَانٌ يَأْكُلُ فِيهِ النَّاسُ الْفُطُورَ وَالْغَدَاءَ وَالْعِشَاءَ.
- ۲- الْمُحَافَظَةُ طَائِرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ. يَحَذِّرُ الْحَيَوَانَاتِ مِنَ الْخَطَرِ.
- ۳- الْمَطْعَمُ هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ الْبَيْتَ بِدَعْوَةٍ أَوْ بِغَيْرِ دَعْوَةٍ.
- ۴- الْمَسَاءُ رِيَاضَةٌ يَلْعَبُ فِيهَا أَحَدَعَشَرَ لَاعِبًا.
- ۵- الْغَابَةُ أَرْضٌ وَاسِعَةٌ فِيهَا أَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ.
- ۶- الْغُرَابُ وَقْتُ نَهَايَةِ النَّهَارِ وَبِدَايَةِ اللَّيْلِ.
- ۷- الضَّيْفُ

الْتَّمَرِينَ السَّابِعُ:

در جای خالی، یکی از کلمه‌های زیر را بنویسید. «دو کلمه اضافه است».

عَلَيْكَ - ذَهَبَ - الْجُلُوسُ - الْحَجَرِ - الْجَاهِلِ - الْمَانُ - الصُّعَابُ

1. أَدَبُ النَّمْرِ، خَيْرٌ مِنْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
2. الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ، كَالنَّفْسِ فِي أَمَامَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
3. نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ؛ الصَّحَّةُ وَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
4. الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ أَمَامَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
5. عَدَاوَةُ النِّعَاقِلِ، خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ أَمَامَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الْتَّمَرِينُ الثَّامِنُ:

متضادّ کلمه‌های داخل جدول را در کلمات زیر پیدا کنید و بنویسید.

کَثِيرٌ - لَيْلٌ - نِهَایةٌ - قَرِيبٌ - جَمِیلٌ - صَدَاقَةٌ - یَمِینٌ - غَالِیةٌ - شِراءٌ - فَرَحٌ - کَذَبٌ - حَارٌّ

رَخِیصَةٌ	بَعِیدٌ	یَسَارٌ
بِئْسَ	بَدَایه	بَارِدٌ
حُزَنٌ	قَبِیحٌ	صَدَقٌ
قَلِیلٌ	عَدَاوَةٌ	نَهَارٌ

الْتَّمَرِينُ التَّاسِعُ:

این کلمات را در جای مناسبی از جدول بنویسید.

أَوْرَاقٌ - فَكْلًا حَانَ - شَجَرَةٌ - رِیاضِیُّونَ - سَیِّدَاتٌ - مُدَرِّسَتَانِ

مفرد مؤنث

مثنای مذکر

مثنای مؤنث

جمع مذکر سالم

جمع مؤنث سالم

جمع مکسر

الأربعينيات

الشرطي و الزائر

- | | |
|-------------------------------------|---|
| - أهلاً و سهلاً بكم! | - شُكراً. ساعدك الله! |
| - كم يوماً تبقون في العراق؟ | - نبقى أسبوعين. |
| - إلى أي مدن تريدون الذهاب ؟ | - إلى النجف و كربلاء و الكاظمية و سامراء. |
| - كم يوماً تبقون في النجف؟ | - نبقى يومين. |
| - و كم يوماً في باقي المدن؟ | - في الكاظمية و سامراء يومين، و الباقي في كربلاء. |
| - أتمنى لكم زيارةً مقبولة! | - حفظك الله! |
| - خذ جوازك، في أمان الله! | - شُكراً جزيلاً. في أمان الله و حفظه! |

من زارنا في **ماتنا** فكأنما زارنا في حياتنا.

الإمام الصادق عليه السلام



گفتگوی مربوط به راهپیمایی اربعین

پلیس و زائر

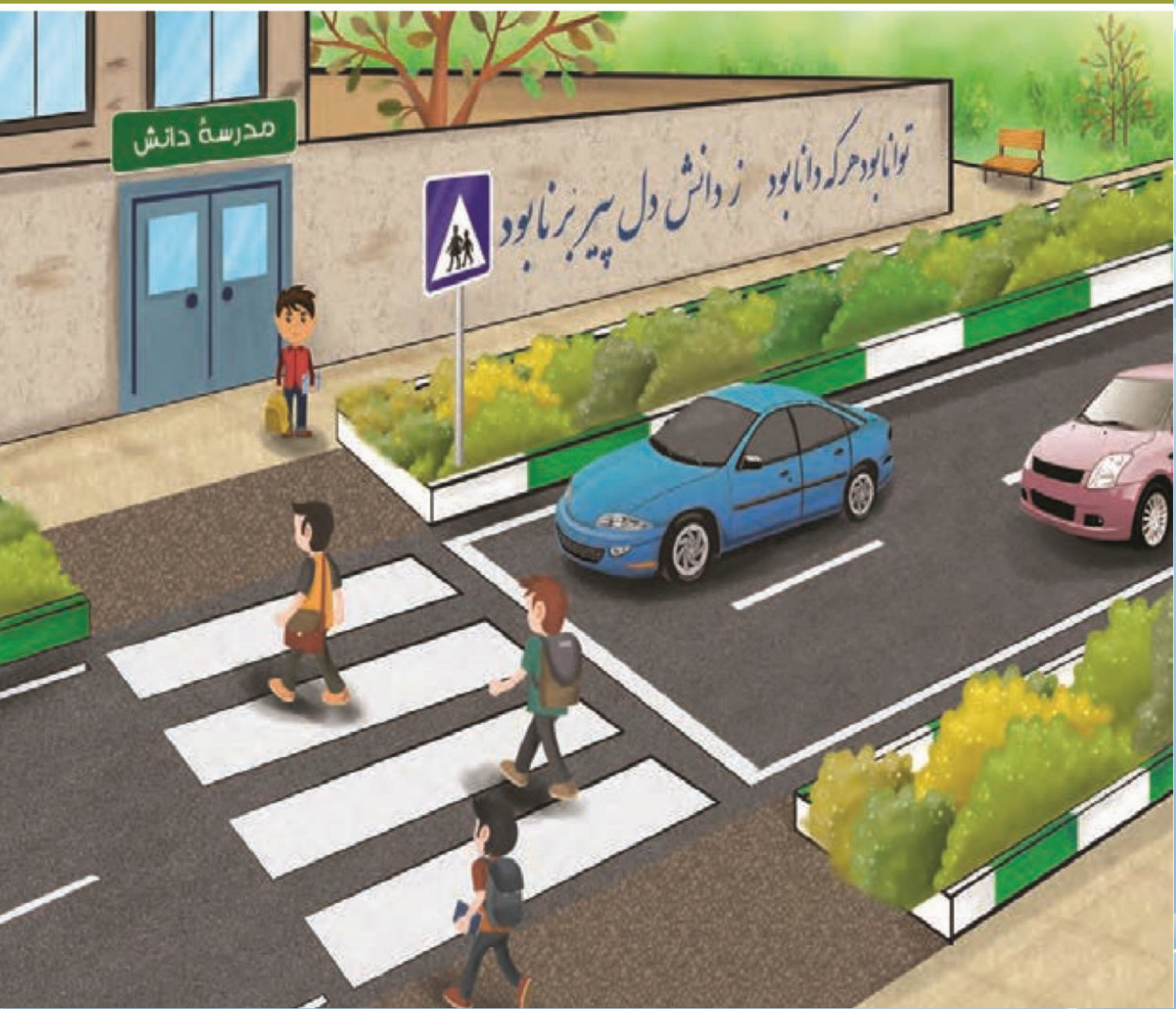
خوش آمدید!	سپاسگزارم، خدا قوت!
چند روز در عراق میمانید؟	دو هفته میمانیم
به کدام شهرها می خواهید بروید	به نجف، کربلا، کاظمین و سامرا
چند روز در نجف میمانید؟	دو روز میمانیم
و در بقیه شهرها چند روز(میمانید)؟	در کاظمین و سامرا دو روز(میمانیم) و
باقی مانده(روزها) را در کربلا	
برایتان آرزوی قبولی زیارت می کنم!	خدا تو را حفظ کند!
گذرنامه ات را بگیر، خداحافظ	بسیار متشکرم، در پناه خدا و حفاظت او
هر کس ما را پس از مردنمان زیارت کند، گویا ما را در زمان زنده بودنمان زیارت کرده است.	
امام صادق (ع)	



الدَّرْس الثَّانِي



العُبور الآمَن



الدَّرْسُ الثَّانِي

المُعْجَم: (۲۹ كلمة جديد)

پوشاند، پنهان کرد



سَتَر:

ایمان آورد (مضارع: يُؤْمِنُ)



أَمَن:

شارژر موبایل



شَاحِنُ الْجَوَالِ:

محبوب ترین



أَحَبُّ:

علامت‌های راهنمایی و رانندگی

بدبختی



شَقَاوَة:

إدارة المُرور: إدارة راهنمایی و رانندگی
مُرور: گذر کردنإِشَارَاتُ
الْمُرُورِ:

اندرزگوترین



أَنْصَح:

روزنامه «جمع: صُحَف»
صَحِيفَةُ جِدَارِيَّة: روزنامه دیواری



صَحِيفَة:

آیا امکان دارد برگردی؟



أَيُمْكِنُ
أَنْ تَرْجِعَ:

برخورد کرد (مضارع: يَصْدِمُ)



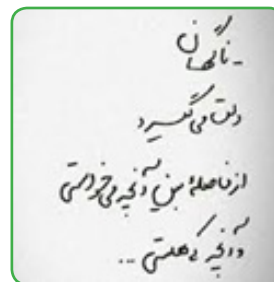
صَدَمَ:

گریه کردن، گریه



بُكَاء:

ناگهان



فَجْأَةً:

بعدی
الْيَوْمُ التَّالِي: روز بعد



تالي:

زشتی



قُبْح:

به من می‌دهی
أَنْ تُعْطِيَنِي: که به من بدهی



تُعْطِيَنِي:

قطعاً



لَقَدْ:

بفرما



تَفَضَّلْ:

برای چه (لِ + ما) يَصْدِمُ



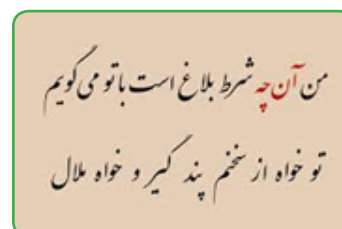
يَم:

صحبت کرد (مضارع: يَتَكَلَّمُ)



تَكَلَّمَ:

آنچه



ما:

جهت (مسیر)



جِهَة:

مغازه «جمع: مَخَالَات»



مَحَل:

باهوش



ذَكِي

متأسفانه



مَعَ الْأَسْفِ:

شارژ (اعتبار مالی)



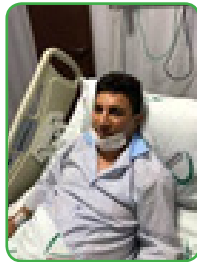
رَصِيد:

صدا زد (مضارع: ينادي)



نادي:

بستری شد، خوابید
(مضارع: يَرْقُدُ)



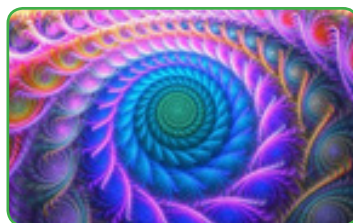
رَقَدَ

آرام



هادئ:

می بندند
(ماضی: سَدَّ / مضارع: يَسُدُّ)



يَسُدُّونَ:

العبور الآمن

رَجَعَ سَجَادٌ مِنَ الْمَدْرَسَةِ حَزِينًا؛ عِنْدَمَا جَلَسَ عَلَى الْمَائِدَةِ مَعَ أُسْرَتِهِ، بَدَأَ بِالنُّبْكَاءِ
فَجَأً وَ ذَهَبَ إِلَى غُرْفَتِهِ؛ ذَهَبَ أَبُوهُ إِلَيْهِ وَ تَكَلَّمَ مَعَهُ وَ سَأَلَهُ:

«لِمَاذَا مَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ؟!»

أَجَابَ: «هَلْ تَعْرِفُ صَدِيقِي حُسَيْنًا؟»

قَالَ: «نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ؛ هُوَ وَلَدٌ ذَكِيٌّ وَهَادِيٌّ. مَاذَا حَدَّثَ لَكَ؟»

أَجَابَ سَجَادٌ: «هُوَ رَقَدَ فِي الْمُسْتَشْفَى؛ صَدَمَتْهُ سَيَّارَةٌ؛ وَقَعَتِ الْحَادِثَةُ أَمَامِي؛ عِنْدَمَا
شَاهَدْتُهُ عَلَى الرِّصِيفِ الْمُقَابِلِ؛ نَادَيْتُهُ؛ فَقَصَدَ الْعُبُورَ بِدُونِ النَّظَرِ إِلَى السَّيَّارَاتِ وَ مِنْ
غَيْرِ مَمَرٍ الْمَشَاةِ؛ فَقَرَّبَتْ مِنْهُ سَيَّارَةٌ وَ صَدَمَتْهُ. كَانَتْ سُرْعَةُ السَّيَّارَةِ كَثِيرًا».

قَالَ أَبُوهُ: «كَيْفَ حَالُهُ الْآنَ؟» قَالَ

سَجَادٌ: «هُوَ مَجْرُوحٌ».

فِي الْيَوْمِ التَّالِيِ طَلَبَ الْمُدْرُسُ مِنْ تَلَامِيذِهِ كِتَابَةَ قَوَانِينِ الْمُرُورِ وَ رَسْمَ إشاراتِ
الْمُرُورِ فِي صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ وَ رِعَايَةَ الْأَعْمَالِ الصَّحِيحَةِ فِي الشَّوَارِعِ وَالطَّرِيقِ.

ثُمَّ أَخَذَ الْمُدِيرُ تَلَامِيذَ الْمَدْرَسَةِ إِلَى مَنطَقَةِ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ.

وَ بَعْدَ يَوْمَيْنِ جَاءَ شُرْطِيُّ إِلَى الْمَدْرَسَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْمُرُورِ لشرحِ إشاراتِ الْمُرُورِ وَ طَلَبَ مِنْهُمْ
الْعُبُورَ مِنْ مَمَرٍ الْمَشَاةِ.

كَتَبَ التَّلَامِيذُ صَحِيفَةً جِدَارِيَّةً وَ رَسَمُوا فِيهَا عِلَامَاتِ الْمُرُورِ وَ شَرَحُوا مَعَانِيَهَا.

ترجمه کلمه به کلمه درس

رَجَعَ	سَجَادٌ	مِنْ	الْمَدْرَسَةِ	حَزِينَا	عِنْدَمَا	جَلَسَ
.....	سجاد	از	مدرسه		هنگامی که	نشست

عَلَى	الْمَائِدَةِ	مَعَ أُسْرَتِهِ	بَدَأَ بِ	الْبُكَاءِ	فَجْأُهُ	وَدَهَبَ
بر روی			شروع کرد به	گریه		و رفت

إِلَى	عُرْفَتِهِ	دَهَبَ	أَبُوهُ	إِلَيْهِ	وَتَكَلَّمَ	مَعَهُ
به		رفت	پدرش	نزد او	و صحبت کرد	با او

وَسَأَلَهُ	لِمَاذَا	مَا أَكَلْتُ	الطَّعَامَ	أَجَابَ	هَلْ	تَعْرِفُ
و پرسید از او:	”برای چه		غذا را؟“	جواب داد:	”آیا	

صَدِيقِي	حُسَيْنَا	قَالَ	نَعَمْ	أَعْرِفُهُ	هُوَ وَلَدٌ	ذَكَئِي
دوستم	حسین را؟“	گفت:	”بله؛		او پسری	

و هَادِي	مَاذَا	حَدَّثَ	لَهُ	أَجَابَ	سَجَادٌ	
و آرام است.	چه		برایش؟“	جواب داد	سجاد:	

هُوَ	رَقَدَ	فِي	الْمُسْتَشْفَى	صَدَمَتْهُ	سَيَارَةٌ	
”او		در		برخورد کرد با او		

وَقَعَتِ	الْحَادِثَةُ	أُمَامِي	عِنْدَمَا	شَاهَدْتُهُ	عَلَى	الرَّصِيفِ
اتفاق افتاد		جلویم؛	وقتی که		بر روی	

الْمُقَابِلِ	نَادَيْتُهُ	فَقَصَدَ الْعُبُورَ	يَدُونِ	النَّظَرِ	إِلَى السَّيَّارَاتِ	وَمِنْ غَيْرِ
رو به رو؛			برون	نگاه کردن	به ماشین ها	

مَمَرُ الْمَشَاةِ	فَقَرَّبْتُ	مِنْهُ سَيَارَةٌ	وَصَدَمَتْهُ	كَانَتْ	سُرْعَةُ السَّيَّارَةِ	كَثِيرَةً
.....	پس نزدیک شد		و برخورد کرد به او.	بود		زیاد.

قَالَ	أَبُوهُ	”كَيْفَ“	حَالُهُ	الْآنَ؟“		
گفت	پدرش:		حالش			

قَالَ	سَجَادُ:	”هُوَ“	مَجْرُوحٌ؛			
گفت	سجاد:	”او“				

فِي	الْيَوْمِ	التَّالِي	طَلَبَ	الْمُدْرَسُ	مِنْ	تَلَامِيذِهِ
در	روز		خواست		از	دانش آموزانش

كِتَابَةٌ	قَوَانِينِ	الْمُرُورِ	وَرَسَمَ	إِشَارَاتِ الْمُرُورِ	فِي	صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ
بنویسند		راهنمایی و رانندگی را	و بکشند		در	

وَرَعَايَةً	الْأَعْمَالِ	الصَّحِيحَةِ	فِي الشُّوَارِعِ	وَالطُّرُقِ.		
و رعایت کنند		درست را		و راه ها.		

ثُمَّ	أَخَذَ الْمُدِيرُ	تَلَامِيذَ	الْمُدْرَسَةِ	إِلَى مَنَاطِقَةٍ	تَعْلِيمِ	الْمُرُورِ
سپس		دانش آموزان	مدرسه را	به پارک		

وَبَعْدَ	يَوْمَيْنِ	جَاءَ شُرَطِيُّ	إِلَى الْمُدْرَسَةِ	مِنْ إِدَارَةٍ	الْمُرُورِ	لِيُشْرَحَ
و بعد از	دو روز		به مدرسه	از اداره	راهنمایی و رانندگی	تا توضیح دهد

إِشَارَاتِ الْمُرُورِ	و طَلَبَ	مِنْهُمْ	الْعُبُورَ مِنْ	مَمَرِ الْمَشَاةِ	كَتَبَ	التَّلَامِيذُ
علامت‌های راهنمایی و رانندگی	و خواست	از آن ها	عبور کنند از		نوشتند	دانش آموزان

صَحِيفَةُ جِدَارِيَّةٍ	و رَسَمُوا	فِيهَا	عَلَامَاتِ	الْمُرُورِ	و شَرَحُوا	مَعَانِيَهَا.
.....	و کشیدند	در آن	علامت های	راهنمایی و رانندگی	و توضیح دادند	



درست نادرست

درستی یا نادرستی جمله های زیر را بر اساس متن درس بنویسید.



۱. كَانَ مَوْضُوعُ الصَّحِيفَةِ الْجِدَارِيَّةِ قَوَانِينِ الْمُرُورِ .



۲. الْمُدِيرُ أَخَذَ التَّلَامِيذَ إِلَى مِنتَقَةِ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ .



۳. رَقَدَ حَسِينٌ فِي مُسْتَوَصَفٍ قَرِيبٍ مِنْ بَيْتِهِ .



۴. رَجَعَ سَجَادٌ إِلَى مَنْزِلِهِ مَسْرُورًا .



۵. أَبُو سَجَادٍ مَا عَرَفَ حُسَيْنًا.

وزن و حروف اصلی



۱. بسیاری از کلمه‌ها در عربی سه حرف اصلی دارند؛ مثال:

حروف اصلی	کلمات هم خانواده
ح ك م	حَاكِم، مَحْكُوم، حَكِيم، حَكْمَت، حُكُومَة، مُحَاكَمَة
ع ل م	عَالِم، مَعْلُوم، عَلِيم، تَعْلِيم، أَعْلَم، عُلُوم، اَعْلَام

در کلماتی مانند «حاکم، محکوم، حکیم و...» سه حرف «ح ک م» به ترتیب تکرار شده‌اند.
به این سه حرف «حروف اصلی» یا «ریشه» کلمه می‌گویند.

شناختن حروف اصلی به املاي ما کمک می‌کند. با نگاه به هم‌خانواده‌های یک کلمه می‌توان به حروف اصلی آن پی بُرد؛ اگر با دقت به این کلمه‌ها «مُجَالِسَة / مَجَالِس / مَجْلِس / إِمْلَاس / جُلُوس / جَلِيسَة / جَلِيس» نگاه کنیم؛ درمی‌یابیم که به ترتیب سه حرف «ج ل س» در آنها مشترک است.

سه حرف اصلی این کلمات چیست؟

..... رافع، مرفوع، رفیع:

..... ناظر، منظور، نظیر:

..... قادر، مقدور، قدیر:

حروفی که همراه حروف اصلی می‌آیند؛ «حروف زائد» نامیده می‌شوند.
این حروف معنای جدیدی به کلمه می‌دهند.
حروف اصلی کلمه‌ها به ترتیب با سه حرف «ف ع ل» سنجیده می‌شوند.

م	ج	ا	ل	س	ة	↩ مجالسة
م	ف	ا	ع	ل	ة	↩ مفاعلة

۲. بیشتر کلمات در زبان عربی وزن دارند؛ مثال:

وزن	کلمات
فاعل	ناصر عارف ظالم فاتح قاتل ضارب رافع
مفعول	منصور ميعروف مظلوم مفتوح مقتول مضروب مرفوع

کدام کلمه بر وزن فاعل و کدام بر وزن مفعول است؟

مقطوع، حامد، عابد، مذکور

با معنای دو وزن « فاعلِ » و « مفعولِ » آشنا شوید .
 معمولاً وزن « فاعلِ » به معنای « انجام دهنده یا دارنده حالت » و وزن « مفعولِ » به معنای « انجام شده » است؛ مثال:

حامد: ستاینده

محمود: ستوده شده

ترجمه کنید.

یا صانع کل مصنوع، یا خالق کل مخلوق^۱

التمارین

الْتَمَرِینُ الاول:

حروف اصلی و ترجمه کلمات زیر را بنویسید .

عابد، مَعْبُود:

فاتح، مَفْتُوح:

کاتب، مَكْتُوب:

ضارب، مَضُوب:

خادم، مَخْدوم:

شاهد، مَشْهُود:

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي:

وزن کلمات جدول را بنویسید.^۱

ریشه	ماضی	مضارع	مصدر
خ ر ج	أُخْرِجَ	يُخْرِجُ	إِخْرَاجٌ
س ل م	سَلِمَ	يَسْلَمُ	تَسْلِيمٌ
ع م ل	تَعَامَلَ	يَتَعَامَلُ	تَعَامُلٌ
ع ل م	تَعَلَّمَ	يَتَعَلَّمُ	تَعَلُّمٌ
خ د م	اسْتُخْدِمَ	يُسْتَخْدَمُ	اسْتِخْدَامٌ
س ف ر	سَافَرَ	يَسَافِرُ	مَسَافَرَةٌ
ك س ر	انْكَسَرَ	يَنْكَسِرُ	انْكَسَارٌ
ش غ ل	اشْتَغَلَ	يَشْتَغِلُ	اشْتِغَالٌ

۱- قابل توجه دبیر گرامی: هدف، آموزش فعل های ماضی و مضارع و نیز مصدر ثلاثی مزید نیست.

الْتَّمَرِینُ الثَّالِثُ:

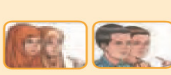
هر کلمه را به عبارت مرتبط با آن وصل کنید .

- | | | | |
|-----------------------|---|---|--|
| قَوَانِینُ الْمُرُورِ | ● | ● | قَوَاعِدُ الْمُرُورِ فِي الشَّوَارِعِ وَ الطَّرِيقِ. |
| الْمُسْتَشْفَى | ● | ● | أَوْرَاقٌ فِيهَا أَخْبَارٌ وَ مَعْلُومَاتٌ أُخْرَى. |
| الرَّصِيفُ | ● | ● | جَانِبٌ مِنَ الشَّارِعِ لِمُرُورِ النَّاسِ. |
| الصَّحِيفَةُ | ● | ● | مَكَانٌ مُجَهَّزٌ لِفَحْصِ الْمَرْضَى. |
| الْبَيْكَاءُ | ● | ● | جَرَيَانُ الدَّمْعِ مِنَ الْحُزَنِ. |

الْتَّمَرِینُ الرَّابِعُ:

جاهای خالی را با کلمات داده شده پُر کنید.

هُوَ - هُمَا - هُمْ - هِيَ - هُنَّ - أَنْتَ - أَنْتُمَا - أَنْتُمْ - أَنْتِ - أَنْتُنَّ - أَنَا - نَحْنُ

.....		من
.....		تو
.....		او
.....		ما
.....		شما
.....		ایشان
.....		
.....		

الْتَّمَرِینُ الْخَامِسُ:

در جاهای خالی از کلمات داده شده استفاده کنید. «یک کلمه اضافه است».

التَّالِي - جِدَارِيَّةٌ - شَاخِنْ - تِلْمِيذٌ - الدُّمُوعُ - حَدَثٌ

۱. یا زَمِيلِي، ما بِكَ؟ لِمَ أَنْتَ حَزِينٌ؟ ماذا؟
۲. التَّلَامِيذُ مَشْغُولُونَ بِتَهْيِئَةِ صَحِيفَةٍ
۳. أَخِي فِي الصَّفِّ السَّادِسِ الْإِبْتِدَائِيِّ.
۴. جَارِيَةٌ عَلَى وَجْهِ الطُّفْلَةِ.
۵. هَلْ عِنْدَكَ الْهَاتِفِ الْجَوَّالِ؟

الْتَّمَرِینُ السَّادِسُ:

کدام کلمه از نظر معنا با سایر کلمه‌ها «ناهماهنگ» است؟



- | | | | |
|----------|--------------|-----------|-----------|
| ● هادی | ● سَيَّارَةٌ | ● سفينة | ● طائرة |
| ● شارع | ● ساحة | ● خَاتَمٌ | ● رَصِيفٌ |
| ● أَكَلٌ | ● رَأَى | ● شَاهَدَ | ● نَظَرَ |
| ● ماء | ● شَرَابٌ | ● شاي | ● جار |
| ● يَدٌ | ● لِسَانٌ | ● سِنَّ | ● نادى |

الْتَّمَرِينَ السَّايِعُ:

آیه و احادیث زیر را ترجمه کنید. سپس کلماتی بر این وزن‌ها در آنها بیابید.

فَاعِلٌ: يَفْعَلُ: فَعَالَةٌ:

فَعْلٌ: فَعَالٌ:

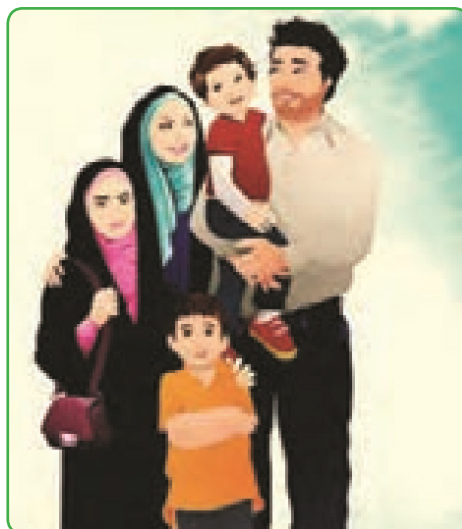
۱. ﴿إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ الْفَاطِرُ: 83

۲. حُسْنُ النَّادِبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ. الأمام علي

۳. إِنَّ أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْصَحُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ

۴. شَرَفُ الْمَرْءِ بِالْعِلْمِ وَالنَّادِبِ لَا بِالْأَصْلِ وَالنَّسَبِ. الإمام علي

۵. مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَمِنْ شَقَاوَةِ ابْنِ آدَمَ سُوءُ الْخُلُقِ. رَسُولُ اللَّهِ



الْتَّمَرِينُ الثَّامِنُ:

متن زیر را بخوانید؛ سپس پاسخ پرسش‌های آن را بیابید .

أَنَا طَالِبٌ فِي الصَّفِّ التَّاسِعِ. اسْمِي إِسْحَاقُ. لِي أُخْتَانِ: مَهْدِيمٌ وَ لَالِينُ، هُمَا صَغِيرَتَانِ؛
فَلَا تَذْهَبَانِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَ عِنْدِي أَخَوَانِ: هَاشِمٌ وَ جَوَادٌ. هَاشِمٌ أَكْبَرُ أَوْلَادِ
الْأُسْرَةِ؛ إِنَّهُ تَخَرَّجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَ الْآنَ هُوَ حَلْوَانِيٌّ. جَوَادٌ فِي الصَّفِّ السَّابِعِ. نَحْنُ مِنْ
مَدِينَةِ «سَرَاوَان» فِي مُحَافَظَةِ «سِيستَان و بلوشتان».

لِمَاذَا لَا تَذْهَبُ مَهْدِيمُ وَ لَالِينُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟

مَا اسْمُ أَكْبَرِ الْبَنِينَ فِي هَذِهِ الْأُسْرَةِ؟

مِنْ تَخَرَّجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ؟

مَنْ أَيْنَ هَذِهِ الْأُسْرَةُ؟

فِي أَيِّ صَفِّ إِسْحَاقُ؟

كَمْ أُخْتًا لِيَسْحَاقُ؟



نورُ السَّماءِ

بخوانید و ترجمه کنید.

﴿ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ﴾ البَقَرَة: ۲۶

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴾ الصَّف: ۲

﴿ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ﴾ الْحَزَاب: ۱۲

﴿ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ﴾ البَقَرَة: ۱۸۶ :

﴿ يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ ﴾ الْمَجَادَلَة: ۱۱



یک روزنامه دیواری درباره معانی علائم راهنمایی و زندگی به عربی، فارسی و انگلیسی تهیه کنید.



الأربعينيات

- أ يمكن أن ترجع قليلاً؟
- عفواً! أ تعطيني مكاناً حتى أجلس هنا؟
- هل يسدون باب الحرم هذه الليلة؟
- عفواً أين موقف سيارات الحرم؟
- هل توجد سيارات للعبّة للذهاب إلى سامراء؟
- أ يمكن أن تساعدني؟
- أين الحرم؟
- أي جهة بلا ازدحام؟
- من أين أشتري شاحن الجوال؟
- أ يمكن أن تعطيني شاحن الجوال؟
- لا بأس.
- نعم؛ تفضّل.
- نعم.
- خلف هذا البناء.
- لا، مع الأسف.
- لا بأس. أنا في خدمتك.
- على اليمين.
- هذه الجهة، على اليسار.
- من ذلك المحلّ.
- تفضّل.

قَبْرِ بِ «سَرَّ مَنْ رَأَى» أَمَانٌ لِأَهْلِ الْجَانِبَيْنِ.

الإمام الحسن العسكري عليه السلام (يحارز الأتوار: جلد ۹۹، صفحه ۵۹)



۱- سَرَّ مَنْ رَأَى: نام آغازین سامراء به معنای «هرکس دید شاد شد؟»

۲- أَهْلُ الْجَانِبَيْنِ: شیعه و سنی

گفتگوی مربوط به راهپیمایی اربعین

- آیا امکان دارد کمی برگردی؟ اشکالی ندارد
- بخشید؛ آیا جایی به من می دهی تا اینجا بنشینم؟ بله؛ بفرما
- آیا امشب در حرم را می بندند؟ بله
- بخشید پارکینگ حرم کجاست؟ پشت این ساختمان است.
- آیا برای رفتن به سامرا، ماشین های حرم هست؟ نه، متأسفانه
- آیا امکان دارد به من کمک کنی؟ اشکالی ندارد. من در خدمت هستم
- حرم کجاست؟ سمت راست
- کدام جهت شلوغ نیست؟ این جهت، سمت چپ
- از کجا شارژر موبایل را خریدی؟ از آن مغازه
- آیا امکان دارد شارژر موبایل را به من بدهی؟ بفرما



الدَّرْسُ الثَّالِثُ



قِصَّةُ الْأَخَوَيْنِ



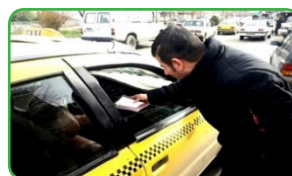
الدَّرْسُ الثَّالِثُ

المُعْجَم: (۲۴ کلمه جدید)

إِخْوَان: یاران، برادران «مفرد: أَخ»



أَجْرَةٌ: کرایه، مُزد



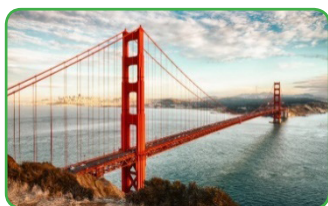
أَعْجَزُ: ناتوان‌ترین



اعْتَذَرَ: معذرت خواست (مضارع: يَعْتَذِرُ)



جَسْرٌ: پُل «جمع: جُسُور»



تَوَجَّدُ: وجود دارد



خَمْسَةٌ و عَشْرُونَ أَلْفًا: بیست و پنج هزار



حَسِبَ: پنداشت (مضارع: يَحْسِبُ)



رَجِيم: رانده شده



رَجَاءً: لطفاً «رَجَاء: امید»



عَجَزَ: ناتوان شد (مضارع: يَعْجِزُ)



شَغَلَ: «روشن کن ماضی: شَغَلَ / مضارع: يُشَغِّلُ»



غَضِبَ: خشمگین شد، مضارع: يَغْضَبُ



عَدُوّ: دشمن «جمع: أَعْدَاء»



قَاطِعُ الرَّحْمِ: بُرْنده پیوند خویشان



غَضَبَان: خشمگین



قَسَمٌ: تقسیم کرد (مضارع: يُقَسِّم)



قَبَّلَ: بوسید (مضارع: يُقَبِّلُ)



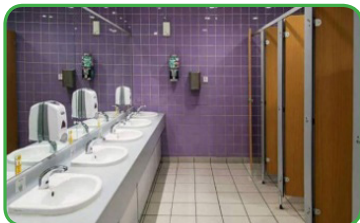
لَا نَرَكْبُ: سوار نمی‌شویم «ماضی: رَكِبَ»



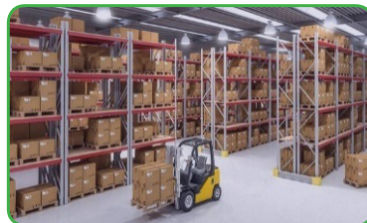
كَشَفَ: آشکار کرد (مضارع: يَكْشِفُ)



مَرافِقُ صَحِيَّةٌ: سرویس بهداشتی



مَخْزَنٌ: انبار «جمع: مَخَازِنُ»



مُكَيِّف: کولر

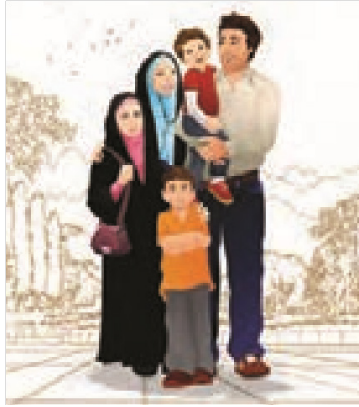


مُعْطَلٌ: خراب



جِسْرُ الصَّدَاقَةِ

كَانَ حَمِيدٌ وَ سَعِيدٌ أَخَوَيْنِ. هُمَا كَانَا فِي مَزْرَعَةٍ قَمَحٍ. فِي أَحَدِ الْيَّامِ وَقَعَتْ عَدَاوَةٌ
بَيْنَهُمَا وَ غَضِبَ النَّخْ الْأَكْبَرُ «حَمِيدٌ» عَلَى النَّخِ الْأَصْغَرِ «سَعِيدٍ» وَ قَالَ لَهُ:



«اخْرِجْ مِنْ مَزْرَعَتِي».

وَ قَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لِرَؤُفَةِ سَعِيدٍ:

«اخْرِجِي مِنْ بَيْتِنَا».

«أَخْرُجْ مِنْ مَزْرَعَتِي».

وَقَالَتْ زَوْجَهُ حَمِيدٌ لِّزَوْجَةِ سَعِيدٍ:

«أَخْرِجْنِي مِنْ بَيْتِنَا».

فِي صَبَاحِ أَحَدِ الْأَيَّامِ طَرَقَ رَجُلٌ بَابَ بَيْتِ حَمِيدٍ؛ عِنْدَمَا فَتَحَ حَمِيدٌ بَابَ الْبَيْتِ؛ شَاهَدَ نَجَّارًا؛ فَسَأَلَهُ:

«مَاذَا تَطْلُبُ مِنِّي؟»

أَجَابَ النَّجَّارُ: «أَبْحَثُ عَنْ عَمَلٍ؛ هَلْ عِنْدَكَ عَمَلٌ؟»

فَقَالَ حَمِيدٌ: «بِالتَّأَكُّدِ؛ عِنْدِي مُشْكِلَةٌ وَحَلُّهَا بِيَدِكَ.» قَالَ النَّجَّارُ: «مَا هِيَ مُشْكِلَتُكَ؟»

أَجَابَ حَمِيدٌ: «ذَلِكَ بَيْتٌ جَارِي؛ هُوَ أَخِي وَ **عَدُوِّي**؛ أَنْظِرْ إِلَى ذَلِكَ النَّهْرِ؛ هُوَ **قَسَمٌ** الْمَزْرَعَةِ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ؛ إِنَّهُ حَفَرَ النَّهْرَ؛ لِأَنَّهُ **غَضَبَانُ** عَلَيَّ.

عِنْدِي أَخْشَابٌ كَثِيرَةٌ فِي **الْمَخْزَنِ**؛ **رَجَاءً**، اصْنَعْ جِدَارًا خَشَبِيًّا بَيْنَنَا.

ثُمَّ قَالَ لِلنَّجَّارِ:

«أَنَا أَذْهَبُ إِلَى السُّوقِ وَ أَرْجِعُ مَسَاءً.»

عِنْدَمَا رَجَعَ حَمِيدٌ إِلَى مَزْرَعَتِهِ مَسَاءً، تَعَجَّبَ كَثِيرًا؛ النَّجَّارُ مَا صَنَعَ جِدَارًا؛ بَلْ صَنَعَ **جِسْرًا** عَلَى النَّهْرِ؛ فَغَضِبَ حَمِيدٌ وَ قَالَ لِلنَّجَّارِ:

«مَاذَا فَعَلْتَ؟! لَمْ صَنَعْتَ جِسْرًا؟!»

فِي هَذَا الْوَقْتِ وَصَلَ سَعِيدٌ وَ شَاهَدَ جِسْرًا؛ فَحَسِبَ أَنَّ حَمِيدًا أَمَرَ بِصُنْعِ الْجِسْرِ؛ فَعَبَّرَ الْجِسْرَ وَ بَدَأَ بِالْبُكَاءِ وَ **قَبَّلَ** أَخَاهُ وَ **اعْتَذَرَ**.

ذهب حمید إلى النجار و شكره وقال:

« أنت ضيفي لثلاثة أيام»

اعتذر انجار و قال:

«جسور كثيرة باقية؛ على الذهاب لصنعها.»



اثنان لا ينظر الله إليهما: قاطع الرحم و جار السوء.

من كلام رسول الله ﷺ

ترجمه کلمه به کلمه درس

كَانَ	حَمِيدٌ	وَسَعِيدٌ	أَخَوَيْنِ.	هُمَا كَانَا	فِي مَرْعَةٍ	قَمَحٍ.
بودند	حمید	و سعید		آن دو بودند	در مزرعه	گندم.

فِي	أَحَدٍ	الْأَيَّامِ	وَقَعْتُ	عَدَاوَةً	بَيْنَهُمَا	
در	یکی از	روزها	افتاد		بین شان	

وَغَضِبَ	الْأَخُ	الْأَكْبَرُ	“حَمِيدٌ”	عَلَى	الْأَخِ	الْأَصْغَرِ
.....	برادر	بزرگتر	“حمید”	بر	برادر	کوچک تر

“سَعِيدٌ”	و قَالَ	لَهُ:	“أُخْرِجْ	مِنْ	مَرْعَتِي.”	
“سعید”	و گفت	به او:	“خارج شو	از	مزرعه ام.”	

و قَالَتْ	زَوْجُهُ	حَمِيدٌ	لِزَوْجَةِ	سَعِيدٍ:	“أُخْرِجِي	مِنْ بَيْتِنَا.”
و گفت	همسر	حمید		سعید:	“خارج شو	از خانه مان.”

فِي	صَبَاحٍ	أَحَدٍ	الْأَيَّامِ	طَرَقَ	رَجُلٌ	بَابَ
در		یکی از	روزها	زد (کوبید)	مردی	درب

بَيْتِ	حَمِيدٍ؛	عِنْدَمَا	فَتَحَ	حَمِيدٌ	بَابَ	الْبَيْتِ؛
خانه	حمید را؛		باز کرد	حمید	درب	خانه را؛

شَاهِدَ	نَجَّارًا؛	فَسَأَلَهُ:	“مَاذَا	تَطْلُبُ	مِنْ؟”	
.....	نجاری را؛	پس پرسید از او:	“چه		از من؟”	

أَجَابَ	النَّجَّارُ:	“أُبَحِّثُ عَنْ	عَمَلٍ؛	هَلْ	عِنْدَكَ	“عَمَلٌ؟”
جواب داد	نجار:	” به دنبال ... می گردم	کاری؛	آیا	{سراغ} داری	کاری؟”

فَقَالَ	حَمِيدٌ:	“بِالتَّأَكُّيدِ؛	عِنْدِي	مُشْكِلَةٌ	وَحُلُّهَا	“بِيَدِكَ.”
پس گفت	حمید:	”البته؛ (حتما)		مشکلی	و حل آن	به دست توست.”

قَالَ	التَّجَارُ:	”ما هِيَ“	مُشْكِلَتُكَ؟“	أَجَابَ	حَمِيدٌ:	
گفت	نَجَّار:	”چیست“	”؟“.....	جواب داد	حمید:	

ذَلِكَ	بَيْتُ	جَارِي:	هُوَ	أَخِي	وَ	عَدُوِّي:
آن	خانه ی	همسایه من است؛	او		و	دشمن من است؛

أَنْظُرْ	إِلَى	ذَلِكَ	النَّهْرُ:	هُوَ	قَسَمَ	الْمَرْعَةَ
.....	به	آن	رودخانه؛	او		مزرعه را

إِلَى	نِصْفَيْنِ	بِذَلِكَ	النَّهْرُ:	إِنَّهُ	حَفَرَ	النَّهْرَ
به		با آن	رودخانه؛	زیرا او		رودخانه را

لِأَنَّهُ	غَضَبَانُ	عَلَى.				
چون او		بر من.				

عِنْدِي	أَحْشَابُ	كَثِيرَةٌ	فِي	الْمَخَزَنِ:	رَجَاءَ،	إِصْنَعُ
دارم		زیادی	در			

جِدَارًا	خَشَبِيًّا	بَيْنَنَا.				
دیواری	چوبی	میان ما.				

تُمْ	قَالَ	لِلنَّجَّارِ:	”أَنَا	أَذْهَبُ	إِلَى	السُّوقِ
.....	گفت	به نَجَّار:	”من		به	

وَأَرْجِعُ	مَسَاءً.	عِنْدَمَا	رَجَعَ	حَمِيدٌ	إِلَى	مَرْعَتِهِ
.....	غروب.	وقتی که	برگشت	حمید	به	مزرعه اش

مَسَاءً	تَعَجَّبَ	كَثِيرًا:	النَّجَّارُ	مَا صَنَعَ	جِدَارًا:	
غروب		بسیار؛	نَجَّار	ن ساخت	دیواری؛	

بَلْ	صَنَعَ	جِسْرًا	عَلَى	النَّهْرِ:	فَقَعَصَبَ	حَمِيدٌ
بلکه	ساخت	پلی	بر روی	رودخانه؛		حمید

وَقَالَ	لِلنَّجَّارِ:	”مَاذَا فَعَلْتَ؟“	لِمَ	صَنَعْتَ	جِسْرًا؟“	
و گفت	به نجار:	”چه کار کردی؟“		ساختی	؟“	

فِي	هَذَا	الْوَقْتِ	وَصَلَ	سَعِيدٌ	وَ شَاهَدَ	جِسْرًا
در	این	زمان	رسید	سعید		
فَحَسِبَ	أَنَّ	حَمِيدًا	أَمَرَ	بِصُنْعِ	الجِسْرِ:	
.....	که	حمید	دستور داد	به ساختن	پل؛	

فَعَبَّرَ	الجِسْرَ	وَبَدَأَ بِ	الْبُكَاءِ	وَقَبَّلَ	أَخَاهُ	وَاغْتَدَرَ.
.....	پل		گریه		برادرش را	

ذَهَبَ	حَمِيدٌ	إِلَى	النَّجَّارِ	وَشَكَرَهُ	وَقَالَ:	
رفت	حمید		نجار		و گفت:	

”أَنْتَ“	ضِيفِي	لِثَلَاثَةِ	أَيَّامٍ.			
”تو“	مهمان من هستی	برای سه	روز.			

إِغْتَدَرَ	النَّجَّارُ	وَقَالَ:	”جُسُورُ“	كَثِيرَةٌ	بَاقِيَةٌ:	
.....	نجار	و گفت:	”پل‌های“	بسیاری		

عَلَى	الدَّهَابِ	لِصُنْعِهَا.				
من باید						

مِنْ	كَلَامٍ	رَسُولٍ	اللَّهِ:			
از	سخن	پیامبر	خدا:			

إِثْنَانِ	لَا يَنْظُرُ	اللَّهُ إِلَيْهِمَا:	قَاطِعُ	الرَّجِمِ	وَ جَارُ	السُّوءِ. الْإِيمَانِ عَلَى (ع)
دو گروه	نگاه نمی کند	خداوند به آن‌ها:			و همسایه	

درست نادرست

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس متن درس بنویسید. ✓ ✗

۱. قَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لِّزَوْجَةِ سَعِيدٍ: اخْرِجِي مِنْ بَيْتِنَا. ● ●
۲. صَنَعَ النَّجَّارُ جِدَارًا خَشَبِيًّا بَيْنَ الْأَخَوَيْنِ. ● ●
۳. بَقِيَ النَّجَّارُ فِي بَيْتِ حَمِيدٍ لثَلَاثَةِ أَيَّامٍ. ● ●
۴. سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَزْرَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ. ● ●
۵. مَا نَدِمَ سَعِيدٌ وَمَا قَبَّلَ أَخَاهُ. ● ●
۶. حَمِيدٌ أَكْبَرُ مِنْ سَعِيدٍ. ● ●

فِعْلُ الْأَمْرِ (۱)

فِعْلُ الْأَمْرِ (۱) ← (يَا وَلَدُ، افْعَلْ)، (يَا بِنْتُ، افْعَلِي)



لِمَ أَنْتَ وَحِيدٌ؟ الْعَبُّ مَعَ زُمَلَائِكَ.

.....

لِمَ أَنْتَ وَحِيدٌ؟ الْعَبُّ مَعَ زُمَلَائِكَ.

.....

با فعل امر آشنا شوید.

به فرق میان فعل های مضارع و امر توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

شخص	فعل مضارع	فعل امر
	تَفْعَل (مفرد مذکر مخاطب)	افعل (مفرد مذکر مخاطب)
	تَفْعَلِينَ (مفرد مؤنث مخاطب)	افعلی (مفرد مؤنث مخاطب)

فرق فعل مضارع و فعل امر را کشف کنید.

فعل مضارع	فعل امر	فعل مضارع	فعل امر
تَسْمَعُ : می شنوی	اسمع : بشنو	تَعْلَمِينَ : می دانی	اعلمي : بدان
تَجْلِسُ : می نشینی	اجلس : بنشین	تَجْلِبِينَ : می آوری	اجلبي : بیاور
تَكْتُبُ : می نویسی	اكتب : بنویس	تَصَدِّقِينَ : راست می گویی	أصدقی : راست بگو

ترجمه کنید.

.....	إِزْرَعِي قَمْحًا.		إِبْحَثْ عَنِ الْمِفْتَاحِ.
.....	ارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ ۝		ارْفَعْ عِلْمَ إِيْرَانِ .
.....	شُكْرِي أُمَّكَ.		أَطْلُبْ خَيْرَ الْأُمُورِ.

التمارين

التمرين الاول:

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس حقیقت مشخص کنید. ✓ ✕

درست نادرست

۱. الْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ وَ الْمُوظَّفُ يَعْمَلُ فِي الدَّارَةِ. ● ●
۲. مَرَقَدُ الْإِمَامِ الثَّالِثِ فِي مَدِينَةِ مَشْهَدٍ فِي مُحَافَظَةِ خُرَاسَانَ. ● ●
۳. الْمَخْزَنُ مَكَانٌ نَجَعُلُ وَ نَحْفَظُ فِيهِ أَشْيَاءَ مُخْتَلَفَةً. ● ●
۴. بَعْدَمَا صَدَمَتْ سَيَّارَةٌ عَابِرًا، يَأْتِي شُرْطِيُّ الْمُرُورِ. ● ●
۵. الْجِسْرُ مَكَانٌ يَرَقُدُ فِيهِ الْمَرْضَى لِلْعِلَاجِ. ● ●

التمرين الثاني:

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر، ترجمه کنید.



رَجَاءُ، الْعَبِي مَعَنَا كُرَّةُ الْمِنْضَدَةِ.

.....



رَجَاءُ، الْإِغْب مَعَنَا كُرَّةُ الْقَدَمِ.

.....

التَّمَرِينُ الثَّلَاثُ:

آیات شریفه زیر را ترجمه؛ سپس فعل‌های امر را معلوم کنید.

۱. ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾^۱ الْمُؤْمِنُونَ: ۱۰۹

۲. ﴿... رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ﴾ الْأَعْرَاف: ۹۸

۳. ﴿وَ اكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ ...﴾ الْأَعْرَاف: ۱۵۶

۴. ﴿... انْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ۱۴۷

۵. ﴿قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ﴾ الْحَجَر: ۴۳

۶. ﴿وَ ادْخُلِي جَنَّتِي﴾ الْفَجَر: ۳۰

التَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

هر کلمه را در جای مناسب از جدول بنویسید.

صعاب - صالحات - راحمون - زوجه - جسرين - تلميذتان

مفرد مؤنث	مثنای مؤنث	مثنای مذکر	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
ایران .			رَبَّكَ ا		

— همزه اغْفِرُ و اَرْحَمُ در ﴿فَاغْفِرْ لَنَا وَ اَرْحَمْنَا﴾ خوانده نمی‌شود. معمولاً در قرآن روی این همزه نشانه ص می‌گذارند. ﴿فَاغْفِرْ لَنَا وَ اَرْحَمْنَا﴾ (نشانه ص یعنی فت‌را در فَاغْفِرْ به غ‌وصل کن).

الْتَّمَرِينُ الْخَامِسُ:

ترجمه کنید؛ سپس فرق جمله خطاب به مذکر را با جمله خطاب به مؤنث توضیح دهید.

۱. يا أَخِي، اسْمَعْ كَلَامَ مُدَرِّسِنَا.
۲. يا أُخْتِي، اسْمَعِي كَلَامَ مُدَرِّسَتِنَا.
۳. يا أَيُّهَا التِّلْمِيذُ، أَشْكُرُ رَبَّكَ.
۴. يا أَيُّهَا التِّلْمِيذَةُ، أَشْكُرِي رَبَّكَ.

الْتَّمَرِينُ السَّادِسُ:

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

..... مَن فِي الْأَرْضِ، يَرْحَمُكَ مَن فِي السَّمَاءِ ۱.	اِرْحَمْ	اَسْجُدْ
الْمُهَنْدِسُونَ صَنَعُوا لِعُبُورِ السِّيَّارَاتِ.	جَسَرًا	مَخْرَزًا
سَعِيدٌ الْمَزْرَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ.	قَسَمَ	حَسِبَ
عَجَزَ الْمَرِيضُ؛ فَ..... فِي الْمُسْتَشْفَى.	رَقَدَ	حَفَرَ
ظَلَمْتُ صَدِيقَكَ؛ فَهُوَ عَلَيْكَ.	أَحَبَّ	غَضَبَانُ
جَارُنَا يَعْمَلُ فِي الْكَرَاسِيِّ.	مَلَعِبٍ	مَصْنَعٍ

الْتَّمَرِينُ السَّابِعُ:

کلمه های مترادف و متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید.

حَیَاة - جَمَال - تِلْمِیذ - عِنْدَمَا - حَزین - قُبْح - مَحْزُون - لَمَّا - شَقَاوَة - طَالِب -
سَعَادَة - مَمَاة

..... ≠ ≠ ≠

..... = = =

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید؛ سپس فعل‌های ماضی، مضارع و امر را تشخیص دهید.

۱. اِغْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ^۱ مَعَ الصَّبْرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۲. لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳. أُعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْخَوَانِ. الْأَمَامُ عَلِيٌّ ؑ

۴. إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ^۲ النِّعْمَةَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. الْأَمَامُ عَلِيٌّ ؑ

۵. الْعِلْمُ وَالْمَالُ يَسْتَرَانِ كُلُّ عَيْبٍ وَالْجَهْلُ وَالْفَقْرُ يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

یک متن کوتاه عربی (قرآن، حدیث، داستان و لطیفه ...) پیدا کنید که فعل امر داشته باشد.

فعالیّت



۱- النَّصْر: پیروزی.

۲- حرف «ل» در «اجْعَلْ» در جمله «... اجْعَلِ النِّعْمَةَ عَنْهُ» برای راحتی تلفظ، علامت کسره گرفته است؛ زیرا تلفظ دو حرف ساکن در کنار هم در زبان عربی دشوار است (اجْعَلِ النِّعْمَةَ).

الأربعینات

عند السائق في مسيرة الأربعين الحسيني

- | | |
|--|---|
| - الأجره مقطوعه. كم نقرأ أنتم؟ | - كم أجره نقرأ واحد؟ |
| - أجره كل نقرأ خمسة وعشرون ألف دينار. | - ثلاثة نقرأ. |
| ... | |
| - على عيني. | - الجو حار. رجاء، عليك بالحركة يا سائق. |
| - المكيف معطل. | - رجاء، شغل المكيف. |
| - أفتح نوافذ الحافلة. | - عفوا! فلا نركب هذه الحافلة. |
| - لا بأس. | - لا، نحن ننزل. معذرة. |
| ... | |
| - على عيني. | - رجاء، عليك بالوقوف في مكان لأداء الصلاة |
| - في أحد المواقب بعد نصف ساعة. | و للاستراحة. |
| - نعم، بالتأكيد. | - يا سائق، أين الوقوف و متى؟ |
| ... | - هل توجد مرافق صحية؟ |
| - نعم، أعرف. هذا قسم من دعاء زيارة الأربعين. | - أ تعرف دعاء زيارة للأربعين؟ |

السلام على ولي الله و حبيبه،
السلام على خليل الله و نجيبه ...



گفتگوی مربوط به راهپیمایی اربعین

نزد راننده در راهپیمایی اربعین حسینی

کرایه یک نفر چقدر هست؟ کرایه ثابت است. شما چند نفرید؟
سه نفر کرایه هر نفر بیست و پنج هزار دینار است.
هوا گرم است. لطفاً آقای راننده لازم است حرکت کنی به روی چشمم
لطفاً، کولر را روشن کن کولر خراب است
ببخشید؛ پس سوار این اتوبوس نمی‌شویم پنجره‌های اتوبوس را باز می‌کنم.
نه، ما پیاده می‌شویم. معذرت می‌خواهیم. اشکالی ندارد.

.....

لطفاً، لازم است در جایی برای نماز خواندن و استراحت کردن توقف کنید به روی چشمم.
ای آقای راننده، کجا توقف می‌کنید و چه موقع؟ در یکی از ایستگاه‌های خدمات‌رسانی
بعد از نیم ساعت.
آیا سرویس بهداشتی وجود دارد؟ بله، البته

.....

آیا دعای زیارت اربعین را می‌دانی؟ بله، می‌دانم. این قسمتی از دعای زیارت اربعین است.

سلام بر ولی خدا و حبیبش

سلام بر دوست خدا و برگزیده‌اش



الدَّرْسُ الرَّابِعُ



سَفِينَةُ الطُّلَّابِ



الدَّرْسُ الرَّابِعُ

الْمُعْجَم: (۹۲ کلمه جدید)

أَحْتَرَقَ: آتش گرفت (مضارع: يَحْتَرِقُ) 	أَبْحَاث: پژوهش‌ها «مفرد: بَحْث» 
شَبَاب: جوانان «مفرد: شَاب»، دورهٔ جوانی 	زَاخَمْتُكَ: شما را به زحمت انداختم 
أَذَاءَ: به جا آوردن، انجام دادن 	صَرَخَ: فریاد زد (مضارع: يَصْرُخُ) 
صَلَّى: نماز خواند (مضارع: يَصَلِّي) 	إِذْ: آن گاه 

عَصَفَ: وزید (مضارع: يَعِصِفُ)



أَصَابَ: برخورد کرد (مضارع: يَضِيبُ)



فَرَجَ: گشایش، رهایی از سختی



أَفْرَقَ: تیم‌ها، گروه‌ها «مفرد: فَرِيق»



فَقَدَ: از دست داد (مضارع: يَفْقِدُ)



انْكَسَرَ: شکسته شد (مضارع: يَنْكَسِرُ)



مُحَاوَلَة: تلاش کردن



بَغْتَةً: ناگهان



مَضَى: گذشت (مضارع: يَمْضِي)



تَعْدِلُ: برابر است



مَطَرٌ: باران «جمع: أمطار»



تَقْتَرِبُ مِنَّا: به ما نزدیک می‌شود (ماضی: اقْتَرَبَ)



مُواصَلَةٌ: ادامه دادن



جَامِعَةٌ: دانشگاه

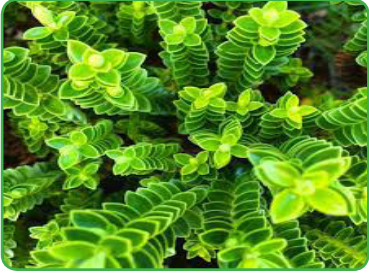


مِياه: آب‌ها «مفرد: ماء»



حَرْب: جنگ «حَرْبِيَّةٌ: جنگی»



نَبَاتَات: گیاهان «مفرد: نَبَات» 	حَيَاكَ اللَّهُ: زنده باشی 
تَزَلَّ: پایین آمد (مضارع: يَنْزِلُ) 	دُخَان: دود 
	رِيَّاح: بادها «مفرد: رِيح» 

الضُّرُّ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ

وَقَعَتْ هَذِهِ الْحِكَايَةُ قَبْلَ سَنَوَاتٍ بَعِيدَةٍ فِي أَحَدِ الْبِلَادِ.

ذَهَبَ اثْنَا عَشَرَ طَالِباً مِنْ طُلَّابِ الْجَامِعَةِ مَعَ أَسْتَاذِهِمْ إِلَى سَفَرَةٍ عِلْمِيَّةٍ لِيَتَهَيَّئَةَ أَبْحَاثٍ عَنِ الْأَسْمَاكِ؛ كَانَتْ مِيَاهُ الْبَحْرِ هَادِئَةً؛ فَجَاءَ ظَهَرٌ سَحَابٍ فِي السَّمَاءِ؛ ثُمَّ عَصَفَتْ رِيَّاحٌ شَدِيدَةٌ وَصَارَ الْبَحْرُ مَوْجاً. فَأَصَابَتْ سَفِينَتَهُمْ صَخْرَةٌ؛ فَخَافُوا؛ السَّفِينَةُ انْكَسَرَتْ قَلِيلاً وَلَكِنَّهَا مَا غَرَقَتْ؛ عِنْدَمَا وَصَلُوا إِلَى جَزِيرَةٍ مَجْهُولَةٍ، فَرِحُوا كَثِيراً وَشَكَرُوا رَبَّهُمْ وَنَزَلُوا فِيهَا؛ مَضَى يَوْمَانِ؛ فَمَا وَجَدُوا أَحَداً فِي الْجَزِيرَةِ وَ مَا جَاءَ أَحَدٌ لِنَجَاتِهِمْ؛ قَالَ لَهُمُ الْأُسْتَاذُ:

«يَا شَبَابُ، عَلَيْكُمْ بِالْمُحَاوَلَةِ. اسْمَعُوا كَلَامِي وَاعْمَلُوا بِهِ كَأَنَّهُ مَا حَدَّثَ شَيْءٌ.

عَلَيْكُمْ بِمُوَاصَلَةِ أَبْحَاثِكُمْ».

ثُمَّ قَسَمَهُمْ إِلَى أَرْبَعَةِ أَفْرِقَةٍ وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الْأَوَّلِ:

يَا طُلَّابُ، ابْحَثُوا عَنْ صَيْدٍ وَاجْمَعُوا الْحَطَبَ.»

وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الثَّانِي:

«يَا طَالِبَانِ، اجْلِبَا بَعْضَ الْأَشْيَاءِ الضَّرُورِيَّةِ مِنَ السَّفِينَةِ.»

وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الثَّالِثِ:

«يَا طَالِبَاتُ، أُطْبِخْنَ طَعَاماً.»

وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الرَّابِعِ: «يَا طَالِبَتَانِ، ابْحَثَا عَنْ مَوَادِّ غِذَائِيَّةٍ.»

ثُمَّ قَالَ لِلْجَمِيعِ: «إِصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿١﴾» مَضَى أَسْبُوعٌ. فِي يَوْمٍ مِنَ
الْأَيَّامِ نَزَلَ **مَطَرٌ شَدِيدٌ** وَ أَصَابَتْ صَاعِقَةٌ سَفِينَتَهُمْ فَاحْتَرَقَتْ.

قَالَ الطُّلَّابُ: «**لَا رَجَاءَ لِنَجَاتِنَا**».

فَقَرَأَ الْأُسْتَاذُ هَذِهِ الْآيَةَ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا ﴿٢﴾﴾.

حَزَنَ الطُّلَّابُ وَ قَالُوا: «**فَقَدْنَا** سَفِينَتَنَا».

وَ بَعْدَ أَدَاءِ الصَّلَاةِ وَ الدُّعَاءِ **صَرَخَ** أَحَدُهُمْ **بَغْتَةً**:

«انْظُرُوا يَا زَمَلَائِي. انْظُرُنَا يَا زَمِيلَاتِي. تِلْكَ سَفِينَةٌ **حَرَبِيَّةٌ تَقْتَرِبُ مِنَّا**». السَّفِينَةُ

الْحَرَبِيَّةُ اقْتَرَبَتْ مِنْهُمْ وَ نَزَلَ مِنْهَا جُنُودٌ.

فَرِحَ الطُّلَّابُ وَ سَأَلُوا الْجُنُودَ:

«كَيْفَ وَجَدْتُمْ مَكَانَنَا؟»

أَجَابَ الْجُنُودُ: «رَأَيْنَا **دُخَانًا** مِنْ بَعِيدٍ. فَاتَّكَيْنَا وَ شَاهَدْنَاكُمْ».



ترجمه کلمه به کلمه درس

دَهَبٌ	إِثْنَا عَشَرَ	طَالِباً	مِنْ طُلَّابٍ	الْجَامِعَةِ	مَعَ	أُسْتَاذِهِمْ
رفتند		دانشجو	از دانشجویان		با	استادشان

إِلَى	سَفَرَةٍ	عِلْمِيَّةٍ	لِتَهْيِئَةٍ	أَبْحَاثٍ	عَنِ	الْأَسْمَاكِ؛
به	سفری	علمی			درباره	ماهی‌ها؛

كَانَتْ	مِائَهُ	الْبَحْرِ	هَادِئَةً؛	فَجْأَةً	ظَهَرَ سَحَابٌ	فِي السَّمَاءِ؛
بود		دریا	آرام؛		 آشکار شد	در آسمان؛

ثُمَّ	عَصَفَتْ	رِيَّاحٌ	شَدِيدَةً	وَ صَارَ	الْبَحْرُ	مَوَاجاً.
سپس			شدیدی	و شد	دریا	

فَأَصَابَتْ	سَفِينَتُهُمْ	صَخْرَةً؛	فَخَافُوا؛	الْسَّفِينَةُ	انْكَسَرَتْ	قَلِيلاً
پس.....	کشتی شان	به صخره ای؛	پس.....	کشتی		کمی

وَلَكِنِّهَا	مَا غَرِقَتْ؛	عِنْدَمَا	وَصَلُوا	إِلَى	جَزِيرَةٍ	مُجْهُولَةٍ
اما آن	غرق نشد؛	وقتی که		به	جزیره ای	

فَرَحُوا	كَثِيراً	وَ شَكَرُوا	رَبَّهُمْ	وَ نَزَلُوا	فِيهَا؛	
خوشحال شدند	بسیار	و.....	پروردگارشان را		در آن؛	

مَضَى	يَوْمَانِ؛	فَمَا وَجَدُوا	أَحَدًا	فِي	الْجَزِيرَةِ	
.....	دو روز؛	پس.....	کسی را	در	جزیره	

وَ مَا جَاءَ	أَحَدٌ	لِتَجَاتِبَهُمْ؛	قَالَ	لَهُمْ	الْأُسْتَاذُ؛	
و نیامد	کسی	برای.....	گفت	به آن‌ها	استاد:	
"يَا سَبَابُ،	عَلَيْكُمْ بِ	الْمُحَاوَلَةِ.	إِسْمَعُوا	كَلَامِي	وَ اعْمَلُوا	بِهِ
"ای،	شما باید			سخنم را	و.....	به آن

كَأَنَّهُ	مَا حَدَّثَ	شَيْءٌ.	عَلَيْكُمْ بِ	مُؤَاصَلَةٍ	أُبْحَانُكُمْ.	
گویا	اتفاق نیفتاد	چیزی.	شما باید		 هایتان.	

ثُمَّ	قَسَمَهُمْ	إِلَى أَرْبَعَةٍ	أَفْرِقَةٍ	وَ قَالَ	لِلْفَرِيقِ	الْأَوَّلِ:
سپس	 کرد آن ها را	به چهار		و گفت	به گروه	اول:

” يَا طُلَّابُ،	إِجْتَنُوا عَنْ	صَيْدٍ	وَ اجْمَعُوا	الْحَطَبَ.		
”ای دانشجویان،	به دنبال...بگردید	شکاری	و و	“		

وَ قَالَ	لِلْفَرِيقِ	الثَّانِي:	” يَا طَالِبَانِ،	إِجْلِبَا	بَعْضَ	الْأَشْيَاءِ
و گفت	به گروه	دوم:	”ای دانشجویان،		بعضی	

الضَّرُورِيَّةِ	مِنْ	السَّفِينَةِ				
ضروری	از	کشتی.				

وَ قَالَ	لِلْفَرِيقِ	الثَّالِثِ:	” يَا طَالِبَاتُ،	أُطْبِخْنَ	طَعَامًا.	
و گفت	به گروه	سوم:	”ای دانشجویان،		غذایی.	

وَ قَالَ	لِلْفَرِيقِ	الرَّابِعِ:	” يَا طَالِبَتَانِ،	إِجْتَنَا عَنْ	مَوَادِّ	غِذَائِيَّةٍ.
و گفت	به گروه	چهارم:	”ای دانشجویان،	به دنبال...بگردید	مواد	“

ثُمَّ	قَالَ	لِلْجَمِيعِ:	”إِصْبِرُوا	إِنَّ اللَّهَ	مَعَ	الصَّابِرِينَ
سپس	گفت	به همه:	”صبر کنید	قطعا خداوند	با	صبر کنندگان است“

مَضَى	أَسْبُوعٌ.	فِي	يَوْمٍ	مِنْ	الْأَيَّامِ	نَزَلَ
گذشت		در	روزی	از		

مَطَرٌ	شَدِيدٌ	وَ أَصَابَتْ	صَاعِقَةٌ	سَفِينَتَهُمْ	فَاحْتَرَقَتْ.	
.....	شدیدی	و برخورد کرد		با کشتی شان	پس {کشتی} سوخت.	

قَالَ	الطُّلَابُ:	«لَا رَجَاءَ	لِنَجَاتِنَا.»	فَقَرَأَ	الْأَسْتَاذُ	هَذِهِ الْأَيَّةَ
گفتند	دانشجویان:	«هیچ امیدی نیست	برای نجاتمان.»	پس	استاد	این آیه را

يَا أَيُّهَا	الَّذِينَ	آمَنُوا	اصْبِرُوا			
ای	کسانی که	ایمان آورده اید				

حَزَنَ	الطُّلَابُ	وَقَالُوا:	«فَقَدْ نَا	سَفِينَتَنَا.»		
ناراحت شدند	دانشجویان	و گفتند:		کشتی مان را.		

وَبَعْدَ	أَدَاءِ	الصَّلَاةِ	وَالدُّعَاءِ	صَرَخَ	أَحَدُهُمْ	بَعَثَهُ:
و بعد از		نماز	و دعا		یکی از آن ها	

«انْظُرُوا	يَا	زُمَلَائِي.	انْظُرْنَ	يَا	زَمِيلَاتِي.	
.....	ای	همکلاسی هایم. {پسر}		ای	همکلاسی هایم. {دختر}	

تِلْكَ	سَفِينَتُهُ	حَرِييَّةُ	تَقْتَرِبُ مِنَّا.			
آن	یک کشتی		نزدیک می شود به ما.			

السَّفِينَتُهُ	الْحَرِييَّةُ	اقْتَرَبَتْ مِنْهُمْ	وَنَزَلَ	مِنْهَا	الْجُنُودُ.	
کشتی	جنگلی	نزدیک شد به آن ها	و پیاده شدند	از آن		

فَرِحَ	الطُّلَابُ	وَسَالُوا	الْجُنُودَ:			
خوشحال شدند	دانشجویان	و پرسیدند از				

كَيْفَ	وَجَدْتُمْ	مَكَانَنَا؟	أَجَابَ	الْجُنُودُ:		
«چگونه		مکان ما را؟»	جواب دادند	سربازان:		

«رَأَيْنَا	دُخَانًا	مِنْ	بَعِيدٍ.	فَأَتَيْنَا	وَوَ شَاهَدْنَاكُمْ.»	
«دیدیم		از	دور.	پس آمدیم	و شما را.	

درست نادرست

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس متن درس بنویسید. ✓✗



۱. ذَهَبَ الطُّلُبُ إِلَى هَذِهِ السَّفَرَةِ لِتَهْيِئَةِ أَبْحَاثٍ عَنِ النَّبَاتِ.



۲. مَا وَجَدَ الطُّلُبُ إِنْسَانًا غَيْرَهُمْ فِي الْجَزِيرَةِ.



۳. عَشْرَةُ طُلَّابٍ كَانُوا فِي السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ.



۴. كَانَتْ مِيَاهُ الْبَحْرِ هَادِئَةً فِي الْبَدَايَةِ.



۵. وَقَعَتْ هَذِهِ الْحِكَايَةُ قَبْلَ سَنَةٍ.

فَعْلُ الْأَمْرِ (٢)

فَعْلُ الْأَمْرِ (٢) ← (يا أولادُ، اِفْعَلُوا)، (يا بناتُ، اِفْعَلْنَ)
(يا وِلدانِ، اِفْعَلِ)، (يا بَنَتانِ، اِفْعَلَا)



رَجاءٌ، اِنزِلْنَ مِنَ الْحافِلَةِ.



رَجاءٌ، اِنزِلُوا مِنَ الْحافِلَةِ.



اِبْحَثَا عَنِ الْجَوَابِ فِي الْكِتَابِ.



اِبْحَثَا عَنِ الْجَوَابِ فِي الْكِتَابِ.

در این درس با فعل امر آشنا می شوید.
به فرق میان فعل مضارع و امر توجه کنید و ترجمه آنها را بیاموزید.

شخص	فعل مضارع	فعل امر
	تَفْعَلُونَ (جمع مذکر مخاطب)	افْعَلُوا
	تَفْعَلْنَ (جمع مؤنث مخاطب)	افْعَلْنَ
 	تَفْعَلَانِ (مثنی مذکر مخاطب) (مثنی مؤنث مخاطب)	افْعَلَا

فرق «فعل مضارع» و «فعل امر» را بیابید.

فعل مضارع	فعل امر	فعل مضارع	فعل امر
تَرْحَمُونَ : رحم می کنید	ارْحَمُوا : رحم کنید	تَضَعْنَ : بالا می آید	اصْعَدْنَ : بالا بیاوید
تَنْزِلَانِ : پایین می آید	انْزِلَا : پایین بیاوید	تَقْبَلَانِ : می پذیرید	اقْبَلَا : بپذیرید
تَشْكُرُونَ : تشکر می کنید	اشْكُرُوا : تشکر کنید	تَرْسُمْنَ : نقاشی می کنید	ارْسُمْنَ : نقاشی کنید

ترجمه کنید.

.....	ارْسُمِي صَوْرَةَ الشَّهِيدِ.		اقْبَلِ الْكَلَامَ الْحَقَّ.
.....	أُسْجِدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.		اغْسِلَا أَيْدِيكُمَا قَبْلَ الْغَدَاءِ.
.....	أَهْرَبْنَ مِنْ جَلِيسَاتِ السَّوِّ.		﴿أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ﴾

التمارين

التمرين الأول:

توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

۱. بِلَادٌ كَبِيرٌ جَدًّا فِي شَرْقِ آسِيَا .
.....
۲. إِدَامَةُ الْعَمَلِ وَالْإِسْتِمْرَارُ عَلَيْهِ .
.....
۳. شَيْءٌ ضَرُورِيٌّ لِلْحَيَاةِ، نَشْرَبُهُ وَ لَا لَوْنَ لَهُ .
.....
۴. يُدْرَسُ فِيهَا الْأُسْتَاذُ وَيَخْرُجُ مِنْهَا الطُّلَّابُ .
.....
۵. الَّذِينَ وَصَلُوا إِلَى سِنِّ الْبُلُوغِ وَ لَيْسُوا أَطْفَالًا .
.....
۶. مَجْمُوعَةٌ مِنَ الرِّيَاضِيِّينَ أَوْ جَمَاعَةٌ مِنَ الزَّمَلَاءِ فِي الْعَمَلِ .
.....

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي:

جمله‌های زیر را با توجّه به تصویر ترجمه کنید.



يَا صَدِيقَاتِي، رَجَاءٌ، أَخْرُجْنَ مِنَ الْمَكْتَبَةِ.



يَا أَصْدِقَائِي، رَجَاءٌ، أَخْرُجُوا مِنَ الصَّفِّ.



يَا صَدِيقَتَانِ، أَكْتُبَا جَوَابَ السُّؤَالَيْنِ.



يَا صَدِيقَانِ، إِخْمِلَا هَذِهِ الْمِنْصَدَّةَ.

التَّامِرِينَ الثَّالِثُ:

آیات شریفه زیر را ترجمه سپس فعل‌های امر را معلوم کنید .

۱. ﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي﴾ القصص: ۶۱

۲. قَالَ اللَّهُ لِمُوسَىٰ وَ هَارُونَ: ﴿إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ﴾ طه: ۴۳

۳. ﴿رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ المؤمنون: ۱۱۸

۴. ﴿... إِعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ المؤمنون: ۱۵

۵. ﴿وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ﴾ البقرة: ۴۳

التَّامِرِينَ الرَّابِعُ:

جمله‌های عربی را به فارسی ترجمه کنید و بنویسید چرا ترجمه فارسی یکی است؟

جمله عربی	ترجمه فارسی	چرا ترجمه یکی است؟
يَا طَلَّابُ، انْظُرُوا إِلَىٰ نَزُولِ الْمَطَرِ.		
يَا طَالِبَاتُ، انْظُرْنَ إِلَىٰ نَزُولِ الْمَطَرِ.		
يَا طَالِبَانِ، اِبْسَا مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً.		
يَا طَالِبَتَانِ، اِبْسَا مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً.		

الْتَّمَرِينَ الْخَامِسُ:

هر کلمه را به وضیح مناسب آن وصل کنید. «دو کلمه اضافه است».

- | | | |
|--------------------|-----|---|
| الْقَاطِعُ ۱. | ● ● | الرَّحْمَ مَكَانٌ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِي بَعْدَ الْمَدْرَسَةِ. |
| الْمُؤَاَصَلَةُ ۲. | ● ● | هُوَ الَّذِي لَا يَذْهَبُ لَزِيَارَةِ أَقْرَبَائِهِ. |
| الْجَامَعَةُ ۳. | ● ● | الشَّيْءُ الَّذِي يَضَعُهُ مِنَ النَّارِ. |
| الْحَطْبُ ۴. | ● ● | أَخْشَابٌ مُنَاسِبَةٌ لِلِاحْتِرَاقِ. |
| الدُّخَانُ ۵. | ● ● | حَلُّ الصَّعَابِ وَ الْمَشْكَلَاتِ. |
| الذَّهَابُ ۶. | ● | |
| الْفَرْجُ ۷. | ● | |



کَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. لَا عَمَلَ كَالْتَّحْقِيقِ.

۲. اَلْعِلْمُ اَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ وَ النِّجَالُ اَصْلُ كُلِّ شَرٍّ.

۳. اَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ؛ ۱ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.

۴. خَيْرُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَ شَرُّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ ۲.

۵. لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ ۳.



۱- الصين؛ چین

۲- الحديث الثالث و الرابع من رسول الله ﷺ و باقي الأحاديث من الإمام علي عليه السلام.

۳- خير الشرين: بهترین از میان دو شر

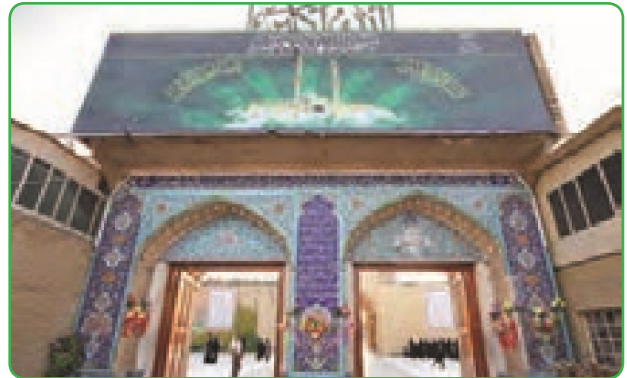
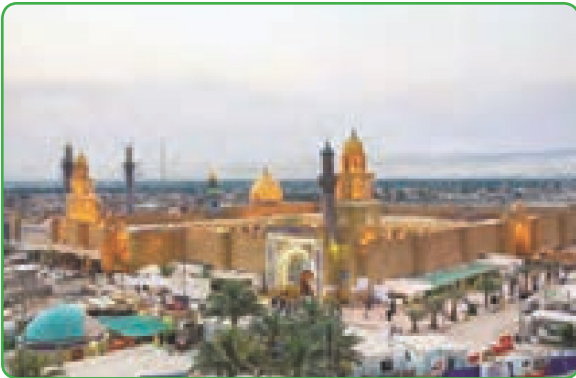
با استفاده از نرم‌افزار قرآن یا کتاب «الْمُعْجَمُ الْمُفَهَّرُ لِأَلْفَاظِ الْقُرْآنِ» سه آیه را که حروف اصلی فعل‌های آنها «س م ع»، «خ ر ج» و «ذ ه ب» است بیابید.



الأربعينيات

مَسْجِدُ الْكُوفَةِ وَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ

- مَنْ هُوَ مَسْؤُولُ الْمَوَكِبِ؟
- سَاعَدَكَ اللَّهُ!
- نَعَمْ، نَحْنُ مِنْ إِيْرَانِ.
- حَضَرْنَا لِلْمَرَّةِ الْأُولَى.
- كَيْفَ يُمَكِّنُ الذَّهَابُ إِلَى مَسْجِدِ الْكُوفَةِ؟
- كَمْ الْمَسَافَةُ بَيْنَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ مَسْجِدِ السَّهْلَةِ؟
- أَ تَوْجَدُ سَيَّارَاتٍ فِي الطَّرِيقِ حَتَّى نَرْكَبَ؟
- شُكْرًا، زَاخَمْتُكَ.
- أَتَعْرِفُ أَهَمِّيَّةَ زِيَارَةِ الْمَسْجِدَيْنِ؟
- قَالَ الْإِمَامُ السَّجَّادُ (ع):
مَنْ صَلَّى فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ رَكَعَتَيْنِ زَادَ اللَّهُ فِي عُمرِهِ سَنَتَيْنِ.^١
وَ قَالَ الْأَمَامُ الصَّادِقُ (ع):
صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ مِنَ الْمَسَاجِدِ.^٢
- أَبُو قَاسِمٍ.
- حَيَّاكَ اللَّهُ! أَ أَنْتُمْ مِنْ إِيْرَانِ؟
- كَمْ مَرَّةً حَضَرْتُمْ فِي مَسِيرَةِ الْأَرْبَعِينَ؟
- ارْكَبُوا تِلْكَ السَّيَّارَاتِ.
- قَرِيبٌ مِنْ كِيلُومِتْرَيْنِ.
- نَعَمْ، مَوْجُودَةٌ.
- لَا، لَيْسَتْ زَحْمَةً. بَلْ رَحْمَةً.
- نَعَمْ؛



١- مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ، ج ٣، ص ٧١٤، ج ٣٩٠٦

٢- وَسَائِلُ الشَّيْعَةِ، ج ٣، ص ٥٢٦

گفتگوی مربوط به راهپیمایی اربعین

مسجد کوفه و مسجد سهله

- مسئول هیأت کیست؟ أبوقاسم
- خدا قوت! زنده باشید! آیا شما ایرانی هستید؟
- بله ما ایرانی هستیم. چند بار در راهپیمایی اربعین حاضر شدید؟
- برای اولین بار است که حاضر شدیم
- چطور می‌توانیم به مسجد کوفه برویم؟ - آن ماشین‌ها را سوار شوید.
- مسافت بین مسجد کوفه و مسجد سهله چقدر است؟ - نزدیک دو کیلومتر
- آیا در (بین) راه ماشین‌هایی هست که سوار شویم؟ - بله؛ هست.
- متشکرم، به زحمت انداختمت - نه، زحمت نیست، بلکه رحمت است.
- آیا اهمیت زیارت (این) دو مسجد را می‌دانی؟ - بله؛

امام سجاد (ع) فرمودند:

هر کس در مسجد سهله دو رکعت نماز بخواند خداوند دو سال بر عمرش می‌افزاید.

و امام صادق (ع) فرمودند:

خواندن یک نماز در مسجد کوفه، برابر هزار نماز در مساجد دیگر است.



الدَّرْسُ الْخَامِسُ

حَيَواتُ الْغَابَةِ



الدَّرْسُ الْخَامِسُ

الْمُعْجَم: (۲۱ کلمه جدید)

کوبید = طَرَقَ (مضارع: يَقْرَعُ) 	قَرَعَ:	شیر 	أَسَد:
بزرگسالی 	كَبِرَ:	روباه 	ثُعْلَب:
سگ 	كَلَبَ:	کَمْ شنوا «ثَقِيل: سنگین + سَمْع: شنوایی» 	ثَقِيلُ السَّمْع:
سوگند نخور (ماضی: حَلَفَ)  سوگند نخور	لَا تَخْلِفُ:	کوشید (مضارع: يَجِدُّ)	جَدَّ:

پافشاری کرد (مضارع: يَلِجُ) 	لَجَّ:	زخمی کرد (مضارع: يُجْرِّخُ) 	جَرَّحَ:
مُرد (مضارع: يَمُوتُ) 	مَاتَ:	تلاش کرد (مضارع: يَحَاوِلُ) 	حَاوَلَ:
سرنوشت چیزی که سرنوشت انسان را می‌سازد "استعداد هایش" نیست، بلکه "انتخاب هایش" است... 	مَصِيرَ:	باغ وحش 	حَدِيقَةُ الْحَيَوَانَاتِ:
موفقیت 	نَجَّاحَ:	جلودار 	رَأَيْدَ:

کم شد (مضارع: يَنْقُصُ)



نَقَصَ:

ساکت شد (مضارع: يَسْكُتُ)



سَكَتَ:

تشویق کرد به (مضارع: يُشَجِّعُ)



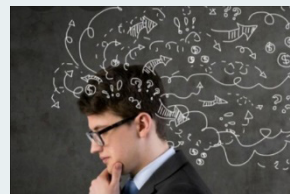
شَجَّعَ عَلِيَّ:

داخل شد = دَخَلَ



وَلَجَّ:

گمان کرد (مضارع: يَظُنُّ)



ظَنَّ:

الرَّجَاءُ

كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ فِي غَابَةِ: أَسَدٌ وَ ثَعْلَبٌ وَ ذَنْبٌ وَ غَزَالَةٌ وَ كَلْبٌ وَ ...



فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ جَاءَ سِتَّةُ صَيَّادِينَ وَ حَفَرُوا حُفْرَةً عَمِيقَةً؛ ثُمَّ سَتَرُوهَا لِصَيْدِ
الْحَيَوَانَاتِ وَ بَيَّعَهَا لِحَدِيقَةِ الْحَيَوَانَاتِ. وَقَعَ الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ فِي الْحُفْرَةِ بَعَثَةً؛ فَطَلَبَا
مُسَاعَدَةً؛ لَكِنَّ الْحَيَوَانَاتِ هَرَبْنَ؛ لِأَنَّهُنَّ سَمِعْنَ مِنْ بَعِيدٍ أَصَوَاتَ الصَّيَّادِينَ. **حَاوَلَ**
الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ لِلنَّجَاةِ.

بَعْدَ دَقَائِقٍ رَجَعَتْ حَمَامَةٌ وَ قَالَتْ لِلثَّعْلَبِ:

«لَا فَايِدَةً لِلْمُحَاوَلَةِ. لَا تَصْعَدْ. أَنْتَ لَا تَقْدِرُ. لَقَدْ جَرَحْتَ بَدَنَكَ.» وَ رَجَعَ الْكَلْبُ
وَ قَالَ لِلْغَزَالَةِ:

«لَا رَجَاءَ لِنَجَاتِكَ. لَا تَصْعَدِي. أَنْتِ لَا تَقْدِرِينَ. لَقَدْ جَرَحْتَ بَدَنَكَ.» **حَاوَلَ** الثَّعْلَبُ
وَ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى وَلَكِنْ بِدُونِ فَايِدَةٍ.
يَبِستِ الْغَزَالَةُ وَ بَقِيَتْ فِي مَكَانِهَا وَلَكِنَّ الثَّعْلَبَ **حَاوَلَ** كَثِيرًا.

قَالَتْ لَهُ الْحَمَامَةُ: «أَنْتَ لَا تَقْدِرُ، لَمْ تُحَاوِلْ! اقْبَلْ مَصِيرَكَ.»
 لَكِنَّ الثَّعْلَبَ خَرَجَ مِنَ الْحُفْرَةِ. فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ وَصَلَ هُدْهُدٌ وَقَالَ: «أَنَا أَعْرِفُ هَذَا
 الثَّعْلَبَ؛ هُوَ ثَقِيلُ السَّمْعِ؛ هُوَ ظَنٌّ أَنَّ الْحَمَامَةَ تُشَجِّعُهُ عَلَى الْخُرُوجِ.» قَالَتِ الْحَيَوَانَاتُ:
 «نَحْنُ ظَلَمْنَا الْغَزَالََةَ. عَلَيْنَا بِمُسَاعَدَتِهَا.»
 قَالَتِ الْحَمَامَةُ لِلْغَزَالََةِ: «اُخْرُجِي. أَنْتِ تَقْدِرِينَ عَلَى الْخُرُوجِ بِسُهُولَةٍ. لَا تَيْئَسِي.»
 حَاوَلَتِ الْغَزَالََةُ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى فَخَرَجَتْ وَفَرَحَتِ الْحَيَوَانَاتُ.



مَنْ طَلَبَ شَيْئاً وَجَدَ،
 وَمَنْ قَرَعَ بَاباً وَلَجَ وَلَجَ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



ترجمه کلمه به کلمه درس

كَانَتْ	مَجْمُوعَةٌ	مِنْ	الْحَيَوَانَاتِ	فِي	غَابَةٍ	
بودند		از	حیوانات	در	:.....	

أَسَدٌ	وَوَلَّعْتُ	وَوَلَّعْتُ	وَوَلَّعْتُ	وَوَلَّعْتُ	وَوَلَّعْتُ	
شیری		، گرگی	، آهوئی	و و	و ...	

فِي	يَوْمٍ	مِنْ	الْأَيَّامِ	جَاءَ	سِتَّةَ	صَيَّادِينَ
در		از	روزها	آمدند		

وَوَلَّعُوا	حُفْرَةً	عَمِيقَةً	نُحْمٌ	سَرَّوْهَا	لِصَيْدٍ	الْحَيَوَانَاتِ
و حفر کردند		عمیق؛	سپس	 آن را	برای شکار	حیوانات

وَوَلَّعُوا	لِحَدِيقَةِ الْحَيَوَانَاتِ.	وَوَلَّعُوا	وَوَلَّعُوا	وَوَلَّعُوا	وَوَلَّعُوا	فِي
و فروش آن	برای	افتادند	روبه	و آهوئی	در	

الْحِفْرَةَ	بَعَثْتُ	فَطَلَبَا	مُسَاعَدَةً	لَكُنْ	الْحَيَوَانَاتِ	هَرَبْنَ
چاله	ناگهان؛	پس خواستند	؛	اما	حیوانات	؛

لِأَنَّهُنَّ	سَمِعْنَ	مِنْ	بَعِيدٍ	أَصْوَاتِ	الصَّيَّادِينَ.	
.....	شنیدند	از	دور		شکارچیان را.	

حَاوَلْ	التَّعَلُّبِ	وَوَلَّعْتُ	لِلنَّجَاةِ.			
.....	روبه	و آهو	برای			

بَعْدَ	دَقَائِقٍ	رَجَعْتُ	حَمَامَةً	وَوَلَّعْتُ	لِلتَّعَلُّبِ	
بعد از	چند دقیقه؛	برگشت		و گفت	به روباه؛	

”لَا فَائِدَةَ	لِلْمُحَاوَلَةِ.	لَا تَصْعَدُ.	أَنْتَ	لَا تَقْدِرُ	لَقَدْ جَرَّجْتَ	بَدَنَكَ.”
”فایده ای ندارد	برای	بالا نیا.	تو	نمی توانی.	قطعاً	بدنت را.”

وَرَجَعَ	كَلْبٌ	وَقَالَ	لِلْغَزَالَةِ:	”لَا	رَجَاءَ	لِتَجَاتِكَ.
و	سگی	و گفت	به آهو:	”نیست		به نجات تو.

لَا تَضَعْدِي.	أَنْتِ	لَا تَقْدِرِينَ.		لَقَدْ	جَرَّخْتِ	بَدَنِّكَ.
.....	تو			قطعاً	زخمی کردی	بدنت را.

حَاوَلْ	التَّعَلَّبْ	وَالْغَزَالَةُ	الْخُرُوجَ	مَرَّةً أُخْرَى	وَلَكِنْ بِدُونِ	فَائِدَةٍ
تلاش کردند	روباه	و آهو	برای خارج شدند		اما بدون	فایده بود.

يُسَبِّتِ	الْغَزَالَةَ	وَبَقِيَّتِ	فِي مَكَانِهَا	وَلَكِنْ التَّعَلَّبَ	حَاوَلْ	كَثِيرًا.
ناامید شد	آهو	و ماند		اما روباه	تلاش کرد	

قَالَتْ	لِهِ	الْحَمَامَةُ:	”أَنْتِ	لَا تَقْدِرُ،	لِمَ تَحَاوِلِ؟	إِقْبِلْ	مَصِيرَكَ	لَكِنَّ	التَّعَلَّبَ	حَرَجَ مِنْ	الْخُفْرَةِ
گفت	به او	کبوتر:	”تو		برای.....	بپذیر		اما	روباه		

فِي	ذَلِكَ	الْوَقْتِ	وَصَلَ	هَذِهِ	وَقَالَ:	
در	آن	زمان	رسید.....	هدهدی	و گفت:	

”أَنَا	أَعْرِفُ	هَذَا	التَّعَلَّبَ:	هُوَ	ثَقِيلُ السَّمْعِ:	
من		این	؛	او		

هُوَ	ظَنَّ	أَنَّ	الْحَمَامَةَ	تُشَجِّعُهُ	عَلَى الْخُرُوجِ:	
او	گمان کرد	که	کبوتر	 او را	بر خارج شدن.	

قَالَتْ	الْحَيَوَانَاتُ:	”نَحْنُ	ظَلَمْنَا	الْغَزَالَةَ.	عَلَيْنَا بِ	مُسَاعَدَتِهَا.
گفتند	حیوانات:	”ما		به آهو.		کمک کنیم او را.

قَالَتِ الْحَمَامَةُ	لِلْغَزَالَةِ:	”أُخْرِجِي.	أَنْتِ تَقْدِرِينَ	عَلَى الْخُرُوجِ	بِسُهُولَةٍ	لَا تَيَأْسِي.
گفت کبوتر	به آهو:	”خارج شو.	تو می توانی	خارج شوی		ناامید نشو.

حَاوَلَتْ	الْغَزَالَةُ	الْخُرُوجَ	مَرَّةً أُخْرَى	فَحَرَجَتْ	وَفَرَحَتْ	الْحَيَوَانَاتُ.
تلاش کرد	آهو	برای خارج شدن		پس خارج شد	و خوشحال شدند	حیوانات.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص):	”مَنْ“	طَلَبَ	شَيْئاً	وَجَدَ،	وَجَدَ.
فرمود پیامبر خدا (ص):	”هرکس“	بخواهد	چیزی را	و،	می باید.

وَمَنْ	قَرَعَ	بَاباً	وَلَجَّ	وَلَجَّ.	
و هرکس	کوبید	دری را	و،	داخل می شود.	

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس متن درس بنویسید. ☒ ☐ درست نادرست

۱. حَاوَلَتِ الْعِزَالَةَ الْخُرُوجَ مِنَ الْحُفْرَةِ، فَخَرَجَتْ فِي النَّهْيَةِ. ● ●
۲. شَجَعَتِ الْحَيَوَانَاتُ الثَّعْلَبَ عَلَى الْخُرُوجِ مِنَ الْحُفْرَةِ. ● ●
۳. مَا سَتَرَ الصَّيَادُونَ الْحُفْرَةَ فِي الْعَابَةِ. ● ●
۴. كَانَتِ الْحُفْرَةُ قَلِيلَةَ الْعُمُقِ. ● ●
۵. أَرْبَعَةُ صَيَّادِينَ كَانُوا فِي الْغَابَةِ. ● ●

فِعْلُ النَّهْيِ (۱)

فِعْلُ النَّهْيِ (۱) ← (يَا وَلَدُ، لَا تَفْعَلْ)، (يَا بِنْتُ، لَا تَفْعَلِي)



لَا تَكْتُبِي شَيْئاً عَلَى الشَّجَرِ.



لَا تَكْتُبْ شَيْئاً عَلَى الشَّجَرِ.

در این درس با فعل نهی آشنا می‌شوید.
به فرق میان فعل‌های مضارع و نهی توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

شخص	فعل مضارع	فعل نهی
	تَفْعَلُ (مفرد مذکر مخاطب)	لا تَفْعَلْ
	تَفْعَلِينَ (مفرد مؤنث مخاطب)	لا تَفْعَلِي

فرق فعل مضارع منفی و فعل نهی را بیابید.

فعل مضارع منفی	فعل نهی	فعل مضارع منفی	فعل نهی
لا تَحْزَنُ: غمگین نمی‌شوی	لا تَحْزَنْ: غمگین نشو	لا تَكْذِبَنَّ: دروغ نمی‌گویی	لا تَكْذِبي: دروغ نگو

ترجمه کنید.

.....	لا تَيَأْسُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ.
.....	لا تَشْرَبِي شَايَاً حَارًّا.

التمارين

التمرين الاول:

توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید درس است؟

۱. مَكَانٌ يَذْهَبُ إِلَيْهِ النَّاسُ وَ يَشْهَدُونَ فِيهِ حَيَوَانَاتٍ مُخْتَلِفَةً.

۲. الَّذِي يَمْشِي أَمَامَ قَوْمِهِ لِهَدَايَتِهِمْ.

۳. حَيَوَانٌ يَحْرُسُ أَمْوَالَ النَّاسِ.

۴. عَاقِبَةُ الْإِنْسَانِ فِي حَيَاتِهِ.

۵. الَّذِي لَا يَسْمَعُ جَيِّدًا.

التمرين الثاني:

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



يا حَبِيبَتِي،

لَا تَجْعَلِي حَقِيبَتَكَ هُنَا.



يا حَبِيبِي،

لَا تَجْعَلْ حَقِيبَتَكَ هُنَا.

الْتَّمَرِينَ الثَّالِثُ:

آیات و احادیث زیر را ترجمه، سپس فعلهای امر، نهی، ماضی و مضارع را معلوم کنید.

۱. اَعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا، وَ اَعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۲. ﴿ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴾ الأعراف: ۴۷

۳. لَا تَعْمَلْ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ رِيَاءً وَ لَا تَتْرُكْهُ حَيَاءً. الْإِمَامُ عَلِيٌّ ﷺ

۴. لَا تَخْلِفْ بِاللَّهِ كَاذِبًا وَ لَا صَادِقًا مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۵. أُطْلُبِ الْعَافِيَةَ لِغَيْرِكَ تَرْزُقَهَا فِي نَفْسِكَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۶. إِنَّ الرَّائِدَ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۷. ﴿ لَا تَحْزَنْ إِنْ اللَّهُ مَعَنَا ﴾ التوبة: ۴۰

۸. إِذَا عَضِبْتَ فَاسْكُتْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



۱- أَبَدًا

در جمله مثبت:	تا ابد، همیشه	كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا: گویی تا ابد زندگی می‌کنی.
در جمله منفی:	هرگز	لَا تَيَاسُ أَبَدًا: هرگز ناامید نشو.



الْتَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

ترجمه کنید.

۱. إِزْرَعُ صَدَاقَةً وَ لَا تَزْرَعُ عَدَاوَةً.

۲. أُسْكُتِي يَا طِفْلَةً وَ لَا تَصْرُخِي.

۳. أُصَدِّقْ فِي حَيَاتِكَ وَ لَا تَكْذِبْ أَبَدًا.

۴. الْبَسْ قَمِيصًا أَبْيَضَ فِي اللَّيْلِ لِعُبُورِ الشَّارِعِ وَ لَا تَلْبَسْ أَسْوَدَ.

الْتَّمَرِينُ الْخَامِسُ:

کدام گزینه از نظر معنا با سایر گزینه‌ها «**ناهماهنگ**» است؟

- | | | | |
|---------------|-----------|--------------|------------|
| ● حَدَاد | ● مصباح | ● حَلْوَانِي | ● شُرْطِي |
| ● ۲. حَطَبَ | ● نار | ● دُخَان | ● نَجَاح |
| ● ۳. شُهور | ● غَابَة | ● أَيَّام | ● لِيَالِي |
| ● ۴. رِيح | ● مَطَر | ● سحاب | ● أَخَذَ |
| ● ۵. رَمَان | ● عِنَب | ● تَفَّاح | ● جَدَّ |
| ● ۶. كِبَر | ● تَحْتَ | ● فَوْق | ● أَمَام |
| ● ۷. أَزْرَقَ | ● أَحْمَر | ● افْتَحَ | ● أَخْضَرَ |
| ● ۸. سَدَّ | ● صَلَّى | ● سَجَدَ | ● عَبَدَ |

التَّامِرِينَ السَّادِسُ:

زیر هر تصویر نام آن را به عربی بنویسید. «دو کلمه اضافه است».

الْحَمَامَةُ - الْكَلْبُ - الذَّنْبُ - الزَّرَافَةُ - الْعُصْفُورُ - الْغَزَالَةُ - السَّمَكَةُ - الْفِيلُ - الْفَرَسُ -
الْأَسَدُ - الثَّعْلَبُ



حَيَوَانٌ مَكَارٌ.



حَيَوَانٌ طَوِيلٌ.



فِي النِّهْرِ.



سُلْطَانُ الْغَابَةِ.



حَيَوَانٌ كَبِيرٌ.



هَذِهِ جَمِيلَةٌ.



حَيَوَانٌ نَجِيبٌ.



حَيَوَانٌ حَرِيصٌ.



طَائِرٌ صَغِيرٌ.

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

الَّتَمَرِينُ الثَّالِثُ:

بخوانید و ترجمه کنید.



قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عليه السلام فِي الْعِلْمِ:

۱. قَوْلُ لَا أَعْلَمُ^۱ نِصْفُ الْعِلْمِ.

۲. مَنْ سَأَلَ فِي صَغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ.

۳. كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ عَلَى الْإِنْفَاقِ، إِلَّا الْعِلْمُ.

۴. جَمَالَ الْعِلْمُ نَشْرُهُ وَ ثَمَرَتُهُ الْعَمَلُ بِهِ.

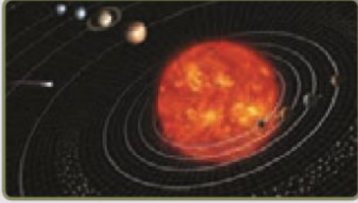
۵. أَيُّهَا النَّاسُ، اْعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَ الْعَمَلُ بِهِ.

تحقیق کنید

دو نمونه کتاب معروف در ادبیات ایران یا جهان از زبان حیوانات مثال بزنید.



القرآنیات



١. ما اسم الآیة التي إذا قرأتها من الآخر إلى الأول لا يتغير؟

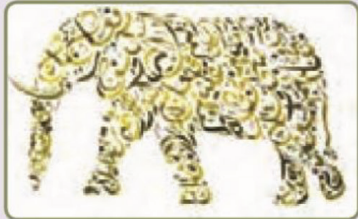
- ﴿... كل في فلك﴾ يس: ٤٠



٢. أي ليلة خير من ألف شهر؟
- ليلة القدر في شهر رمضان.



٣. ما معنى كلمة «القرآن»؟
- القرآن بمعنى «القراءة».



٤. ما اسم أكبر حيوان جاء ذكره في القرآن؟
- الفيل.



٥. اذكر سورة باسم أحد أيام الأسبوع؟
- الجمعة.

عبارات مربوط به قرآن

۱. اسم آیه‌ای که هر گاه آن را از آخر به اول بخوانی تغییر نمی‌کند، چیست؟

– كُلُّ فِي فَلَكٍ (هر یک در مداری) آیه ۴۰ سوره یس

۲. کدام شب بهتر از هزار ماه است؟

– شب قدر در ماه رمضان.

۳. معنی کلمه قرآن چیست؟

– قرآن به معنی خواندن است.

۴. نام بزرگ‌ترین حیوانی که در قرآن یاد شده چیست؟

– فیل.

۵. سوره‌ای را به یادآور، که به اسم یکی از روزهای هفته است؟

– جمعه



الدَّرْسُ السَّادِسُ



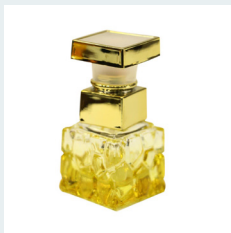
مَدْرَسَةُ الْقَرْيَةِ



الدَّرْسُ السَّادِسُ

الْمُعْجَم: (۲۱ کلمه جدید)

شیشهٔ عطر



زُجَاجَةٌ
عِطْر:

دریافت کرد (مضارع: يَسْتَلِمُ)



اسْتَلَمَ:

روزه



صَوْم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمَلَه

قره‌شنگ: قافیه: عجب:

۱. بسم الله الرحمن الرحيم ۲.
گفتن: «بسم الله الرحمن الرحيم».

lamtakam.com

بَسَمَلَةً:

عطر زد (مضارع: يَعْطُرُ)



عَطَّرَ:

یاد گرفت (مضارع: يَتَعَلَّمُ)



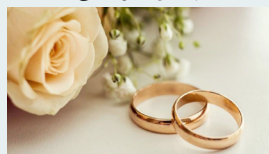
تَعَلَّمَ:

تغییر داد (مضارع: یَغْیِّرُ)



غَیَّرَ:

جشن عروسی

حَفْلَةُ
زَواج:

«حَفْلَةُ میلاد: جشن تولد»



ملامت کرد (مضارع: یَلْمُزُ)



لَمَّ:

نمونه



مِثَالِي:

دور کرد، دفع کرد، پرداخت (مضارع: يَدْفَعُ /
مصدر: دَفْعٌ)

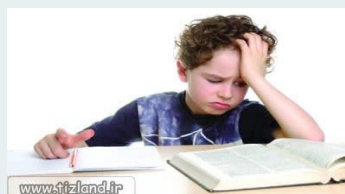
دَفَعَ:

شلوغ

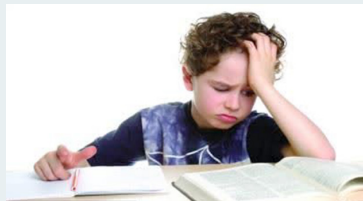


مُزْدَجِم:

مردود



رَاسِب:

پرونده 	مِلَفّ:	بستری 	راقِد:
خوابید (مضارع: يَنَامُ / مترادف: رَقَدَ) 	نَام:	بو 	رائِحَة:
فَعَال، بانشاط 	نَشِيط:	مردود شد (مضارع: يَرْسُبُ) 	رَسَب:
و عبارت است از 	وَهَي:	رحمت 	رَوْح:

تَغْيِيرُ الْحَيَاةِ

ابْتَدَأَ الْعَامُ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدُ وَ ذَهَبَ تَلَامِيذُ الْقَرْيَةِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. كَانَتِ الْقَرْيَةُ صَغِيرَةً وَ جَمِيلَةً. دَخَلَتِ الْمُدْرَسَةُ فِي الصَّفِّ الرَّابِعِ. كَانَ الصَّفُّ مُزْدَحِمًا. قَالَتِ الْمُدْرَسَةُ لِلْبَنِينَ: «اجْلِسُوا عَلَى الْيَمِينِ.» وَ قَالَتْ لِلْبَنَاتِ: «اجْلِسْنَ عَلَى الْيَسَارِ.» هِيَ شَاهَدَتْ تَلَمِيذَةً رَاسِبَةً بِاسْمِ «سَارَةَ.» رَسَبَتْ «سَارَةُ» عِنْدَهَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ؛ فَحَزِنَتْ وَ ذَهَبَتْ لِمُشَاهَدَةِ مِلَفِّهَا لِإِلَاطَاعٍ عَلَى مَاضِيهَا. فِي مِلَفِّ السَّنَةِ الْأُولَى: هِيَ تَلَمِيذَةٌ جَيِّدَةٌ جِدًّا. تَكْتُبُ وَاجِبَاتِهَا جَيِّدًا. هِيَ نَشِيطَةٌ وَ ذَكِيَّةٌ.

وَ فِي مِلَفِّ السَّنَةِ الثَّانِيَةِ: هِيَ تَلَمِيذَةٌ جَيِّدَةٌ جِدًّا. لَكِنَّهَا حَزِينَةٌ. أُمُّهَا رَاقِدَةٌ فِي الْمُسْتَشْفَى.

وَ فِي مِلَفِّ السَّنَةِ الثَّالِثَةِ: هِيَ فَقَدَتْ وَالِدَتَهَا فِي هَذِهِ السَّنَةِ. هِيَ حَزِينَةٌ جِدًّا. وَ فِي مِلَفِّ السَّنَةِ الرَّابِعَةِ: هِيَ تَرَكَّتِ الدِّرَاسَةَ وَ لَا تَحِبُّ الْمَدْرَسَةَ وَ تَتَأَمُّ فِي الصَّفِّ. الْمُدْرَسَةُ لَامَتْ نَفْسَهَا وَ غَيَّرَتْ طَرِيقَةَ تَدْرِيسِهَا.



بَعْدَ مُدَّةٍ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِ الْمُدْرَسَةِ جَلَبَ التَّلَامِيذُ هَدَايَا لَهَا وَ جَلَبَتْ سَارَةُ لِمُدْرَسَتِهَا هَدِيَّةً فِي وَرَقَةٍ صَحِيفَةٍ. كَانَتِ الْهَدِيَّةُ زُجَاجَةً عِطْرٍ أُمِّهَا، فِيهَا قَلِيلٌ مِنَ الْعِطْرِ، فَضَحِكَ التَّلَامِيذُ؛

فَقَالَتِ الْمُدْرَسَةُ لِلْبَنِينَ: «لَا تَضَحَكُوا» وَ قَالَتْ لِلْبَنَاتِ: «لَا تَضَحَكُنَّ».

الْمُدْرَسَةُ عَطَّرَتْ نَفْسَهَا بِذَلِكَ الْعِطْرِ.

جَاءَتْ سَارَةُ عِنْدَ مُدْرَسَتِهَا وَ قَالَتْ:

«رَائِحَتُكَ مِثْلَ رَائِحَةِ أُمِّي».

شَجَعَتِ الْمُدْرَسَةُ سَارَةَ؛ فَصَارَتْ تَلِمِيذَةً مِثَالِيَّةً وَ بَعْدَ سَنَوَاتٍ؛ اسْتَلَمَتِ الْمُدْرَسَةُ

رِسَالَةً مِنْ سَارَةَ مَكْتُوباً فِيهَا:

«أَنْتِ أَفْضَلُ مُعَلِّمَةٍ شَاهَدْتُهَا فِي حَيَاتِي. أَنْتِ غَيَّرْتِ مَصِيرِي. أَنَا الْآنَ طَبِيبَةٌ.» وَ بَعْدَ

مُدَّةٍ، اسْتَلَمَتِ الْمُدْرَسَةُ رِسَالَةً أُخْرَى مِنْ الطَّبِيبَةِ سَارَةَ؛ طَلَبَتْ مِنْهَا الْحُضُورَ فِي

حَفْلَةِ زَوَاجِهَا وَ الْجُلُوسَ فِي مَكَانِ أُمِّ الْعَرُوسِ.

عِنْدَمَا حَضَرَتْ مُدْرَسَتُهَا فِي حَفْلَةِ زَوَاجِهَا؛ قَالَتْ لَهَا سَارَةُ:

«شُكراً جَزِيلاً يَا سَيِّدَتِي؛ أَنْتِ غَيَّرْتِ حَيَاتِي».

فَقَالَتْ لَهَا الْمُدْرَسَةُ:

«لَا؛ يَا بِنْتِي، أَنْتِ غَيَّرْتِ حَيَاتِي؛ فَعَرَفْتُ كَيْفَ أَدْرُسُ».

ترجمه کلمه به کلمه درس

اِبْتَدَأَ	الْعَامَ	الدَّرَاسِيَّ	الْجَدِيدُ	وَدَهَبَ	تَلَامِيذُ	الْقَرْيَةِ
شروع شد	سال	تحصیلی	جدید	و رفتند	دانش آموزان	روستا

إِلَى	الْمَدْرَسَةِ	كَانَتْ	الْقَرْيَةُ	صَغِيرَةً	وَجَمِيلَةً	
به	مدرسه.	بود	روستا	کوچک	و زیبا	

دَخَلَتْ	الْمُدْرِسَةُ	فِي	الصَّفِّ	الرَّابِعِ		
وارد شد	خانم معلم	در {به}	کلاس	چهارم.		

كَانَ	الصَّفِّ	مُزْدَجِمًا.	قَالَتْ	الْمُدْرِسَةُ	لِلْبَنَيْنِ:	
بود	کلاس	شلوغ.	گفت	خانم معلم	یه پسران:	

”إِجْلِسُوا“	”عَلَى الْيَمِينِ.“	وَقَالَتْ	لِلبَنَاتِ:	”إِجْلِسْنَ“	عَلَى الْيَسَارِ.	
.....	سمت راست.	و گفت	:	”بنشینید	“	

هِيَ	شَاهِدَتْ	تَلْمِيذَةً	رَاسِبَةً	بِاسْمِ	”سَارَةَ“.	
او	مشاهده کرد	یک دانش آموز		به نام	”ساره“.	

رَسَبَتْ	”سَارَةَ“	عِنْدَهَا	فِي	السَّنَةِ	الْمَاضِيَةِ:	
.....	”ساره“	نزدش	در	سال	:	

فَحَزَنْتُ	وَدَهَبْتُ	لِمَشَاهِدَةٍ	مَلَفُهَا	لِلإِطْلَاعِ	عَلَى مَاضِيهَا.	
پس	و رفت	برای	 اش	جهت آگاه شدن	بر {از} گذشته اش.	

فِي	مِلَفِّ	السَّنَةِ	الأُولَى:	هِيَ	تَلْمِيذَةً	جَيِّدَةً جِدًّا.
در		سال	اَوَّل:	او		 خوب است.

تَكْتُبُ	واجباتها	جَيِّدًا.	هِيَ	نَشِيطَةٌ	وَ ذَكِيَّةٌ	
می نویسد	تکالیفش را	خوب.	او		 است.	
وَ فِي	مِلَفٍّ	السَّنَةِ	الثَّانِيَةِ:	هِيَ	تَلْمِيذَةٌ	جَيِّدَةٌ جِدًّا.
و در	پرونده	سال	دوم:	او	دانش آموزی	بسیار خوب است.

لِكِنِّهَا	حَزِينَةٌ.	أُمُّهَا	رَاقِدَةٌ	فِي	الْمُسْتَشْفَى.	
اما او	ناراحت است.	مادرش	 است	در		

وَ فِي	مِلَفٍّ	السَّنَةِ	الثَّالِثَةِ:	هِيَ	فَقَدْتُ	وَالِدَتَهَا
و در	پرونده	سال	سوم:	او	از دست داد	مادرش را.

فِي هَذِهِ السَّنَةِ.	هِيَ	حَزِينَةٌ	جِدًّا.			
در این سال	او	 است	بسیار.			

وَ فِي	مِلَفٍّ	السَّنَةِ	الرَّابِعَةِ:	هِيَ	تَرَكْتُ	الدراسة
و در	پرونده		چهارم:	او	ترک کرد	درس خواندن

وَ لَا تُحِبُّ	الْمُدْرِسَةَ	وَ تَنَامُ	فِي	الصَّفِّ.		
و دوست ندارد	مدرسه را	و می خوابد	در	کلاس.		

الْمُدْرِسَةُ	لَامَتْ	نَفْسَهَا	وَ غَيَّرَتْ	طَرِيقَةَ	تَدْرِيسِهَا.	
خانم معلم		خودش را	و و		درس دادنش را.	

بَعْدَ	مُدَّةٍ	فِي	حَفْلَةٍ	مِيلَادٍ	الْمُدْرِسَةِ	جَلَبَ
بعد از	مدتی	در		تولد	خانم معلم	

التَّلَامِيذُ	هَدَايَا	لَهَا	وَ جَلَبْتُ	“سَارَةَ”	مُدْرَسَتِهَا	هَدِيَّةٌ
دانش آموزان		برای او	و آورد	ساره	برای معلمش	هدیه ای

فی	وَرَقَةٍ	صَحِيفَةٍ.			
در	برگه				

كَانَتْ	الْهَدِيَّةُ	زُجَاجُهُ	عِطْرُ	أُمُّهَا،	فِيهَا	قَلِيلُ
بود	هدیه		عطر	مادرش،	در آن {بود}	اندکی
مِنْ	الْعِطْرِ،	فَضَحِكَ	الْتَّلَامِيذُ؛	فَقَالَتْ	الْمُدْرَسَةُ	لِلْبَنَيْنِ
از	عطر،	پس	دانش آموزان؛	پس گفت	خانم معلم	به پسران

“لَا تَضْحَكُوا”	و قَالَتْ	لِلْبَنَاتِ:	“لَا تَضْحَكْنَ.”		
“.....”	و گفت	به دختران:	“نخندید”		

الْمُدْرَسَةُ	عَطَرْتُ	نَفْسَهَا	بَذَلِكِ	الْعِطْرِ.	
خانم معلم		خودش را	با آن	عطر.	

جَاءَتْ “سَارَةُ”	عِنْدَ مُدْرَسَتِهَا	و قَالَتْ:	رَائِحَتُكَ	مِثْلَ	رَائِحَةِ	أُمِّي.
آمد ساره	نزد معلمش	و گفت:	“..... تو	مانند	بوی	مادرم است.”

شَجَعَتْ	الْمُدْرَسَةُ	“سَارَةُ”؛	فَصَارَتْ	تَلْمِيذُهُ	مِثَالِيَّةُ	
.....	خانم معلم	ساره را؛	پس شد	دانش آموزی		

و بَعْدَ سَنَوَاتٍ؛	اِسْتَلَمَتْ	الْمُدْرَسَةُ	رِسَالَةً	مِنْ “سَارَةَ”	مَكْتُوبًا	فِيهَا:
و بعد از؛	دریافت کرد	خانم معلم		از ساره	نوشته شده بود	در آن:

“أَنْتِ	أَفْضَلُ	مُعَلِّمَةٍ	شَاهِدْتُهَا	فِي	حَيَاتِي.	
”تو	بهترین	معلمی هستی	که آن را	در	 ام.	

أَنْتِ	غَيَّرْتَ	مَصِيرِي.	أَنَا	الْآنَ	طَبِيبَةً.”	و بَعْدَ مُدَّةٍ،
تو	تغییر دادی	 را.	من	اکنون	 هستم.”	و بعد از مدتی،

اسْتَلَمْتُ	الْمُدْرَسَةُ	رِسَالَةً	أُخْرَى	مِنْ	الطَّبِيبَةِ	«ساره»؛
.....	خانم معلم		دیگر	از	خانم دکتر	ساره؛

ظَلَبْتُ	مِنْهَا	الْحُضُورَ	فِي	حَفْلَةٍ	زَوَاجِهَا	وَالْجُلُوسَ
خواست	از او		در	جشن		و بنشیند

فِي	مَكَانٍ	أُمِّ	الْعَرُوسِ.			
در	جایگاه		عروس.			
عِنْدَمَا	حَضَرَتْ	مُدْرَسَتُهَا	فِي	حَفْلَةٍ	زَوَاجِهَا؛	
.....	حاضر شد	معلمش	در	جشن	ازدواجش؛	

قَالَتْ	لَهَا	ساره:	شُكْرًا جَزِيلًا	يَا	سَيِّدَتِي؛	
گفت		ساره:	بسیار متشکرم	ای	خانم من؛	

أَنْتِ	غَيَّرْتِ	حَيَاتِي.	فَقَالَتْ	لَهَا	الْمُدْرَسَةُ:	
تو		زندگی ام را.	پس گفت	به او	خانم معلم:	

لا؛	يَا بِنْتِي،	أَنْتِ غَيَّرْتِ	حَيَاتِي؛	فَعَرَفْتُ	كَيْفَ	أُدْرَسُ.
نه:	ای دخترم،	تو..... دادی	زندگی ام را؛	پس	چگونه	درس بدهم.

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس متن درس بنویسید.

۱. جَلَسَتِ الْبَنَاتُ؟ ● عَلَى الْيَمِينِ ● عَلَى الْيَسَارِ ●
۲. لِمَنْ كَانَتْ زُجَاجَةُ الْعِطْرِ؟ ● لِيَوَالِدِ سَارَةَ ● لِيَوَالِدَةِ سَارَةَ ●
۳. فِي أَيِّ صَفٍّ كَانَتْ سَارَةُ رَاسِبَةً؟ ● فِي الرَّابِعِ ● فِي السَّادِسِ ●
۴. مَاذَا كَانَتْ هَدِيَّةُ سَارَةَ لِمُدْرَسَتِهَا؟ ● صَحِيفَةً جِدَارِيَّةً ● زُجَاجَةَ عِطْرِ ●
۵. أَلَا كَانَتْ الْهَدَايَا بِمُنَاسَبَةِ حَفْلَةِ الْمِيلَادِ؟ ● نَعَمْ ● لَا ●

فِعْلُ النَّهْيِ (۲)

فِعْلُ النَّهْيِ (۲) ← (یا اَوْلَادُ، لَا تَفْعَلُوا)، (یا بَنَاتُ، لَا تَفْعَلْنَ)
(یا وَلَدَانِ، لَا تَفْعَلَا)، (یا بَنَتَانِ، لَا تَفْعَلَا)



یا زَمِيلَاتِي، رَجَاءٌ، لَا تَنْزِلْنَ؛ اِصْعَدْنَ.



یا زُمَلَائِي، رَجَاءٌ، لَا تَنْزِلُوا؛ اِصْعَدُوا.



یا زَمِيلَتَانِ، رَجَاءٌ، لَا تَنْزِلَا؛ اِصْعَدَا.



یا زَمِيلَانِ، رَجَاءٌ، لَا تَنْزِلَا؛ اِصْعَدَا.

در این درس با فعل نهی آشنا می‌شوید.
به فرق میان فعل‌های مضارع و نهی توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

فعل نهی	فعل مضارع	شخص
انجام ندهید.	انجام می‌دهید.	تَفْعَلُونَ (جمع مذکر مخاطب)
		تَفْعَلْنَ (جمع مؤنث مخاطب)
		تَفْعَلَانِ (مثنی مذکر مخاطب) (مثنی مؤنث مخاطب)

فرق میان فعل مضارع منفی و فعل نهی را بیابید.

لا تَجْلِسُ: نشینی	← لا تَجْلِسُ: ننشین
لا تَذْهَبُونَ: نمی‌روید	← لا تَذْهَبُونَ: نروید
لا تَرْجِعِينَ: بر نمی‌گردی	← لا تَرْجِعِينَ: بر نگرد
لا تَتْرُكُنَ: رها نمی‌کنید	← لا تَتْرُكُنَ: رها نکنید ^۱
لا تَنْزِلَانِ: پایین نمی‌آید	← لا تَنْزِلَانِ: پایین نیابید

ترجمه کنید.

.....	لا تَرْقُدُوا تَحْتَ الشَّجَرِ فِي اللَّيْلِ.
.....	يَا أَخَوَاتِي، لَا تَغْضَبْنَ عَلَى أَحَدٍ.
.....	يَا وَلَدَانِ، لَا تَضْحَكَا بِصَوْتٍ مُرْتَفِعٍ

۱- تشخیص معنای فعل‌هایی مانند لا تَفْعَلْنَ فقط در جمله امکان دارد؛ مثال:
(رَجَاءٌ: لا تَفْعَلْنَ: لطفاً انجام ندهید.) / (لِمَاذَا لا تَفْعَلْنَ شَيْئاً: چرا کاری انجام نمی‌دهید؟)

التمارين

التمرين الاول:

توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید درس است؟

۱. الْإِمْتِنَاعُ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ لِفَرِيضَةٍ دِينِيَّةٍ .
.....
۲. الشَّخْصِ الَّذِي يُحِبُّ الْعَمَلَ وَ يُحَاوِلُ كَثِيرًا .
.....
۳. صَفَةً لِلْمَكَانِ الْمَمْلُوءِ بِالْأَشْخَاصِ وَ الْأَشْيَاءِ
.....
۴. الطَّالِبُ الَّذِي لَا يَنْجَحُ فِي الْأَمْتِحَانَاتِ .
.....
۵. اجتماعُ جَمْعٍ مِنَ النَّاسِ لَفَرَحٍ عَظِيمٍ .
.....

التمرين الثاني:

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



لا تَشْرَبِي مِنْ هَذَا الْمَاءِ.



لا تَذْهَبْ مِنْ هُنَا.



لَا تَجْلِسْنَ هُنَاكَ؛ اجْلِسْنَ هُنَا.



لَا تَكْشِفُوا عُيُوبَ أَصْدِقَائِكُمْ.

الْتَّمَرِينَ الثَّالِثُ:

آیات زیر را ترجمه، سپس فعل‌های ماضی، مضارع، امر و نهی را معلوم کنید.

۱. اِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ ﷻ اِنْتَظَارُ الْفَرَجِ. الإمام عليّ (ع)

۲. ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ الأعراف: ۴۷

۳. قَالَ اللَّهُ لِأَدَمَ وَ حَوَاءَ : ﴿لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ﴾ الأعراف: ۱۹

۴. ﴿لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ يس: ۶۰

۵. ﴿وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ ...﴾ الْمُرْمَل: ۱۰

۶. ﴿وَ اشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ ...﴾ النحل: ۱۱۴

كَنْزُ الْحِكْمَةِ



بخوانید و ترجمه کنید^۱.

۱. لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ
وَكَثْرَةِ الْحَجِّ
... وَلَكِنْ انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ
الْأَمَانَةِ.

۲. عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ؛ فَإِنَّ^۲ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ^۳.

۳. انْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.

۴. لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَ لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ.

۵. مَنْ دَفَعَ غَضَبَهُ، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ.

۱- الْحَدِيثُ الْأَوَّلُ وَ الْخَامِسُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ الْحَدِيثُ الثَّانِي وَ الثَّلَاثُ وَ الرَّابِعُ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

۲- در اینجا «فَإِنَّ» یعنی «زیرا»

۳- الْجَسَدُ: بدن

دو نمونه کتاب معروف در ادبیات ایران یا جهان از زبان حیوانات مثال بزنید.



القرآنیات



۱. هل تعلم أن السورة بمعنى الجدار الذي حول المدينة؟



۲. هل تعلم أن كَلَّ السور تبدأ بالبسملة إلا سورة التوبة؛ و سورة النمل فيها بسملتان؟



۳. هل تعلم أن ست سور باسم ستة أنبياء؟
و هي سور يونس و هود و يوسف و إبراهيم و محمد و نوح.



۴. هل تعلم أن خمس سور تبدأ بفعل «قل»؟
و هي الجن و الكافرون و التوحيد و الفلق و الناس.

عبارات مربوط به قرآن

۱. آیا می‌دانی سوره به معنی دیواری است که اطراف شهر است؟
۲. آیا می‌دانی که همه سوره‌ها با بسم الله الرحمن الرحيم شروع می‌شود جز سوره توبه؛ و سوره نمل که در آن، دو «بسم الله الرحمن الرحيم» است؟
۳. آیا می‌دانی که شش سوره به اسم شش پیامبر است؟ و آن عبارتند از سوره یونس، هود، یوسف، ابراهیم، محمد و نوح.
۴. آیا می‌دانی که پنج سوره با فعل «قُل» شروع می‌شود؟ و آن عبارتند از جن، کافرون، توحید، فلق و ناس



الدَّرْسُ السَّابِعُ



مُخْتَبَرُ إِدِيسُون



الدَّرْسُ السَّابِعُ

المُعْجَم: (۲۵ کلمه جدید)

چاپ کرد (مضارع: يَطْبَعُ)



طَبَعَ:

دستگاه «جمع: آلات»
آلةٌ طباعة: دستگاه چاپ



آلة:

با تندی راند (مضارع: يَطْرُدُ)



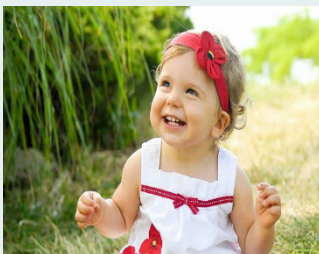
طَرَدَ:

کاری را نیکو انجام داد



أَحْسَنَ عَمَلًا:

کودکی



طُفُولَةٌ:

ابزارها «مفرد: أداة»



أَدَوَات:

واگن، گاری



عَرَبَة:

تباه کرد (مضارع: يَضِيْعُ)



أَصَاع:

زیاد شد (مضارع: يَكْتَثُرُ)



كَثُرَ:

کامل کرد



كَمَّلَ:

نجات داد (مضارع: يُنْقِذُ)



أَنْقَذَ:

شیمیایی



کیمیایي:

کالاها «مفرد: بِضَاعَة»



بَضَائِع:

دستگاه ضبط

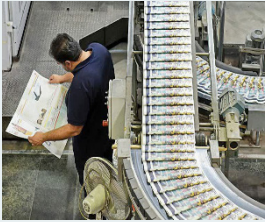
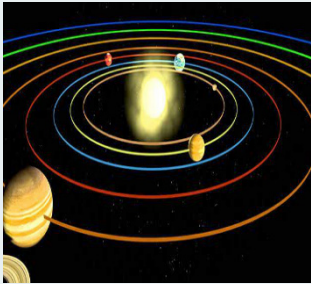


مُسَجِّل:

باتری



بَطَارِيَّة:

چاپخانه «جمع: مَطَابِع»		تندیس «جمع: تَمَائِل»	
	مَطْبَعَة:		تَمَثَال:
هزینه‌ها «مفرد: نَفَقَة»		اصلی	
	نَفَقَات:	۱۰ علت اصلی کار نکردن پمپ کولر آبی	رَئِیْسِی:
			
خواب		شرکت	
	نَوْم:		شَرِکَة:
گذاشت «مترادف: جَعَلَ»		صنعت «صِنَاعِیَّة: صَنَعَتِ»	
	وَضَعَ:		صِنَاعَة:
می‌چرخد دور ...		نیروی برق	
	یَدُورُ عَلَی:	کَهْرَبَاء: برق	طَاقَة
			کَهْرَبَائِیَّة:

ثَمَرَةُ الْجِدِّ

كَانَ إِدِيسُونُ فِي السَّابِعَةِ مِنْ عُمْرِهِ، عِنْدَمَا عَجَزَتْ أَسْرَتُهُ عَنْ دَفْعِ نَفَقَاتِ دِرَاسَتِهِ؛ فَطَرَدَهُ مُدِيرُ مَدْرَسَتِهِ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَقَالَ عَنْهُ:

«إِنَّهُ تَلْمِيزٌ أَحْمَقٌ.»



فَصَارَ بَائِعَ الْفَوَاكِهِ؛ وَلَكِنَّهُ مَا تَرَكَ الدِّرَاسَةَ؛ بَلْ دَرَسَ بِمُسَاعَدَةِ أُمِّهِ؛ هِيَ سَاعَدَتْهُ كَثِيرًا. كَانَ إِدِيسُونُ ثَقِيلَ السَّمْعِ بِسَبَبِ حَادِثَةٍ أَوْ مَرَضٍ أَصَابَهُ أَيَّامَ الطُّفُولَةِ.



إِدِيسُونُ أَحَبَّ الْكِيمِيَاءَ. فَصَنَعَ مُخْتَبَرًا صَغِيرًا فِي مَنْزِلِهِ وَ بَعْدَ مُدَّةٍ قَدَرٍ عَلَى شِرَاءِ بَعْضِ الْمَوَادِّ الْكِيمِائِيَّةِ وَالْأَدَوَاتِ الْعِلْمِيَّةِ وَ بَعْدَ مُحَاوَلَاتٍ كَثِيرَةٍ صَارَ مَسْئُولًا فِي أَحَدِ الْقِطَارَاتِ وَقَدَّرَ عَلَى شِرَاءِ آلَةٍ طَبَاعَةٍ وَ وَضَعَهَا فِي عَرَبَةِ الْبَضَائِعِ وَ فِي السَّنَةِ الْخَامِسَةِ عَشَرَ مِنْ عُمْرِهِ كَتَبَ صَحِيفَةً أُسْبُوعِيَّةً وَ طَبَعَهَا فِي الْقِطَارِ.

فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ انْكَسَرَتْ إِحْدَى زُجَاجَاتِ الْمَوَادِّ الْكِيمِائِيَّةِ فِي الْمَطْبَعَةِ؛ فَحَدَّثَ حَرِيقٌ؛ فَطَرَدَهُ رَئِيسُ الْقِطَارِ، وَ عِنْدَمَا أَنْقَذَ طِفْلًا مِنْ تَحْتِ الْقِطَارِ، جَعَلَهُ وَالِدُ الطِّفْلِ رَئِيسًا فِي شَرَكَتِهِ.

كَانَ إِدِيسُونُ مَشْغُولًا فِي مُخْتَبَرِهِ لَيْلًا وَ نَهَارًا. هُوَ أَوَّلُ مَنْ صَنَعَ مُخْتَبَرًا لِلْأَبْحَاثِ الصَّنَاعِيَّةِ.

اخْتَرَعَ وَ كَمَّلَ إِدِيسُونُ أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ اخْتِرَاعٍ مُهِمٍّ؛ مِنْهَا الْمِصْبَاحُ الْكَهْرَبَائِيُّ وَ الْمُسْجَلُ وَ الصُّورُ الْمُتَحَرِّكَةُ وَ آلَةُ السَّيْنِمَا وَ بَطَّارِيَةُ السَّيَّارَةِ. إِنَّهُ قَدَرَ عَلَى تَأْسِيسِ أَوَّلِ شَرِكَةٍ لِتَوْزِيعِ الطَّاقَةِ الْكَهْرَبَائِيَّةِ. وَ الطَّاقَةُ الْكَهْرَبَائِيَّةُ فِي هَذَا الْعَصْرِ سَبَبٌ رَئِيسِيٌّ لِمُتَقَدِّمِ الصَّنَاعَاتِ الْجَدِيدَةِ.



﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴾

لَكَهْف: ۳۰

ترجمه کلمه به کلمه درس

كَانَ	إِدِيسُون	فِي السَّابِعَةِ	مِنْ عُمُرِهِ.	عِنْدَمَا	عَجَزَتْ	أُسْرَتُهُ
بود	ادیسون	در سال هفتم		هنگامی که	ناتوان شدند	

عَنْ دَفْعٍ	تَفَقَّاتٍ	دِرَاسَتِهِ؛	فَطَرَدَهُ	مُدِيرُ مَدْرَسَتِهِ	مِنَ الْمَدْرَسَةِ	وَ قَالَ عَنْهُ:
از پرداخت		درسی اش		مدیر مدرسه		و گفت درباره او

«إِنَّهُ تَلْمِيزٌ أَحْمَقُ»	فَصَّارَ	بَائِعِ الْفَوَاكِهِ؛	وَلَكِنَّهُ	مَا تَرَكَ الدِّرَاسَةَ؛	بَلْ	دَرَسَ
.....	پس شد	 میوه ها		ترک نکرد....		درس خواند

بِمُسَاعَدَةِ أُمِّهِ؛	هِيَ سَاعَدَتْهُ	كَثِيرًا.	كَانَ إِدِيسُون ثَقِيلَ السَّمْعِ	بِسَبَبِ حَادِثَةٍ	أَوْ مَرَضٍ	أَصَابَهُ
به مادرش	اورا ...	بسیار	ادیسون بود	 حادثه	یا...	

أَيَّامَ الطُّفُولَةِ	إِدِيسُون أَحَبَّ الْكِيمِيَاءَ.	فَصَنَعَ	مُخْتَبَرًا صَغِيرًا فِي مَنْزِلِهِ	وَ بَعْدَ مُدَّةٍ	قَدَّرَ عَلَى شِرَاءِ	بَعْضَ
دوران		پس...	آزمایشگاهی.....	و بعد از...	توانست...	

الْمَوَادَّ الْكِيمِيَاوِيَّةَ	وَ الْأَدَوَاتِ الْعِلْمِيَّةَ	وَ بَعْدَ مُحَاوَلَاتٍ كَثِيرَةٍ	صَارَ مَسْؤُولًا	فِي أَحَدِ الْقِطَارَاتِ	وَ قَدَّرَ	
.....		و بعد.....	شد...		وتوانست	

عَلَى شِرَاءِ	آلَةٍ طِبَاعَةٍ	وَ وَضَعَهَا	فِي عَرَبِيَّةِ الْبَضَائِعِ	وَ فِي	السَّنَةِ الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ	عُمُرِهِ مِنْ
بر خریدن	دستگاه.....	و	در.....	و در	سال پانزدهم	از....

كَتَبَ	صَحِيفَةً أُسْبُوعِيَّةً	وَ طَبَعَهَا فِي الْقِطَارِ.	فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ	انْكَسَرَتْ	إِحْدَى زُجَاجَاتِ	الْمَوَادَّ الْكِيمِيَاوِيَّةِ
نوشت	 هفتگی	و آن رادر قطار.....		شکست	یکی.....	

فِي الْمَطْبَعَةِ؛	فَحَدَّثَ حَرِيقٌ؛	فَطَرَدَهُ	رَئِيسُ الْقِطَارِ،	وَ عِنْدَمَا	أَنْقَذَ	طِفْلًا مِنْ تَحْتِ الْقِطَارِ،
.....	پس	اورا....	رییس قطار	و زمانی که	نجات داد	کودکی را از.....

جَعَلَهُ وَالِدِ الطُّفْلِ	رَئِيساً فِي شَرِكَتِهِ.	كَانَ إِدِيسُون	مَشْغُولاً فِي مُخْتَبَرِهِ	لَيْلاً	وَ نَهَاراً.	هُوَ أَوَّلُ مَنْ
.....	در شرکتش		در آزمایشگاه		وروز	او اولین کسی که
صَنَعَ مُخْتَبِراً	لِلأُبْحَاثِ	الصَّنَاعِيَّةِ.	اخْتَرَعَ	وَ	كَمَّلَ	إِدِيسُون
ساخت....	برای....		اختراع کرد	و	کامل کرد	

أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ اخْتِرَاعٍ مُهِمٍّ؛	مِنْهَا	المِصْبَاحُ الكَهْرَبَائِيُّ وَ المِسْجَلُ	و الصُّورُ الْمُتَحَرِّكَةُ	وَ آلَةُ السِّينِمَا	وَ بَطَّارِيَةُ السَّيَّارَةِ.	
بیش از هزار.....	من جمله					وباطری ماشین

إِنَّهُ قَدَرٌ	عَلَى تَأْسِيسِ أَوَّلِ شَرِكَةٍ	لِتَوَظُّعِ	الطَّاقَةِ الكَهْرَبَائِيَّةِ.	وَ الطَّاقَةِ الكَهْرَبَائِيَّةُ	فِي	هَذَا العَصْرِ
.....توانست	بر.....		نیروی برقی		در	این دوران

سَبَبٌ	رَئِيسِيٌّ	لِتَقَدُّمِ	الصَّنَاعَاتِ الجَدِيدَةِ.			
	اصلی		صنعت های جدید.			

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس متن درس بنویسید.

۱. عَدَدُ اخْتِرَاعَاتِ إِدِيسُون سَبْعُونَ. ● ●
۲. إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ. ● ●
۳. أَحَبَّ إِدِيسُون عِلْمَ الكِيمِيَاءِ فِي صِغَرِهِ. ● ●
۴. سَاعَدَتْ أُمُّ إِدِيسُون وَلَدَهَا فِي الدِّرَاسَةِ. ● ●
۵. وَضَعَ إِدِيسُون آلَةَ الطَّبَّاعَةِ الَّتِي اشْتَرَاهَا فِي بَيْتِهِ. ● ●

ترکیب وصفی و ترکیب اضافی

ترکیب وصفی — (موصوف و صفت)



آثار تخت جمشید فی محافظة فارس

هذا أثر تاريخي في محافظة كيرة.



قلعة فلك الأفلاك في محافظة لرستان

هذه قلعة تاريخية في محافظة جميلة.

ترکیب اضافی — (مضاف و مضاف اليه)



تمثال المتنبي،^٢ في مدينة بغداد.



تمثال العلماء في مقر منظمة الأمم المتحدة.^١

١- تندیس دانشمندان ایرانی در جایگاه سازمان ملل متحد در شهر وین کشور اتریش

٢- شاعر نامدار سده چهارم هجری قمری در روزگار خلافت بنی عباس، متولد کوفه

در بیان

موصوف، اسمی است که برایش یک یا چند ویژگی می‌آوریم که صفت نامیده می‌شود.

مضاف، اسمی است که به اسم بعد از خودش (یعنی مضاف‌الیه) نسبت داده می‌شود؛ مثال:

موصوف و صفت		مضاف و مضاف‌الیه	
مختبر صغیر	آزمایشگاهی کوچک	مختبر المدرسة	آزمایشگاه مدرسه
الصناعة الجديدة	صنعت جدید	صناعة الورق	صنعت کاغذ
طلاب مجتهدون	دانشجویانی کوشا	طلاب الجامعة	دانشجویان دانشگاه
حقیبة المعلم	کیف معلم	حقیبة ^۱	کیفش

در ترجمه

ترکیب مخلوط «اضافی – وصفی»

به ترجمه ترکیب‌های زیر در جمله دقت کنید^۲:

۱. ساعدت أختي الكبيرة جدتنا.

خواهر بزرگم به مادر بزرگمان کمک کرد.

۲. نادیت أخي الأصغر لكتابة واجباته.

برادر کوچک‌ترم را برای نوشتن تکلیف‌هایش صدا زدم.

۱- ضمیر در دستور زبان عربی، اسم به شمار می‌آید.

۲- در ارزشیابی از این قاعده، فقط باید از مثال‌هایی مانند کتاب استفاده کرد.

توجّه: در زبان عربی - برخلاف فارسی - بین مضاف و مضاف‌الیه، صفت قرار نمی‌گیرد؛ مثال:

عُرِفْتِي: اتاقم (مضاف + مضاف‌الیه)

عُرِفْتِي الصَّغِيرَ (مضاف + مضاف‌الیه + صفت)

اتاق کوچکم (مضاف + صفت + مضاف‌الیه)

(الف) جمله‌های زیر را ترجمه کنید .

۱. لَبِسْتُ أُمِّي خَاتَمَهَا الذَّهَبِيَّ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِ أَخِي الْأَكْبَرِ.

۲. شَجَّعْنَا فَرِيقَنَا الْفَائِزِ فِي نِهَايَةِ الْمُسَابَقَةِ.

۳. قَسَمْتُ مَزْرَعَتَنَا الْكَبِيرَةَ إِلَى نَصْفَيْنِ .

۴. هُوَ يَعْمَلُ بِوَاجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةِ.

۵. كَانَتْ سَفَرَتُنَا الْعِلْمِيَّةُ مَفِيدَةً.

۶. أَشْكُرُكَ عَلَى عَمَلِكَ الصَّالِحِ.

(ب) مضاف‌الیه و صفت را در کلماتی که زیرشان خط کشیده شده است، معلوم کنید .

التمارين

التمرين الاول:

درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس حقیقت بنویسید.

۱. «الشَّرَكَةُ» مُؤَسَّسَةٌ تِجَارِيَّةٌ أَوْ اقْتِصَادِيَّةٌ يَعْمَلُ فِيهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ.
۲. «الْقِطَارُ» مَكَانٌ بَيْعِ البَضَائِعِ مِثْلُ الْمَلَابِسِ وَ الْفَوَاكِهِ.
۳. «الْمَطْبَعَةُ» مَخْزَنٌ لِحِفْظِ الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ كَالْخُبْزِ.
۴. «الطُّفُولَةُ» هِيَ السَّنَوَاتُ الْأُولَى مِنْ حَيَاةِ الْإِنْسَانِ.
۵. «الصَّاعِقَةُ» كَهْرَبَاءٌ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَعَ الرَّعْدِ.

التمرين الثاني:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس مضاف‌الیه و صفت را در کلماتی که زیرشان خط کشیده شده است، معلوم کنید.



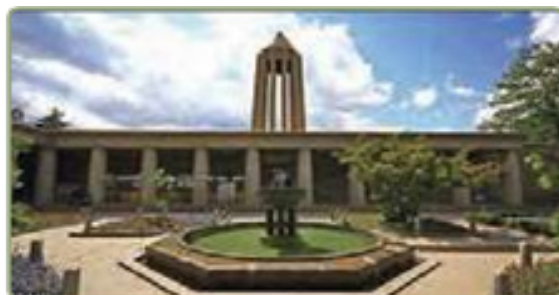
جُنُودُنَا الْأَقْوِيَاءُ، جُنُودٌ مُؤْمِنُونَ.



مَسْجِدُ الْإِمَامِ، أَثَرٌ قَدِيمٌ فِي مُحَافَظَةِ
إِصْفَهَانَ.



الْجِسْرُ الْأَبْيَضُ، عَلَى
نَهْرِ كَارُون.



مَرْقَدُ الْعَالِمِ الْإِيرَانِيِّ ابْنِ سِينَا فِي
مَدِينَةِ هَمْدَان.

الْتَّمَرِينُ الثَّالِثُ:



کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید

عَاقِل		مَجْنُون	رَاقِد		نَام	نَاجِح		رَاسِب
جُلُوس		قِيَام	فَتَح		سَدَّ	قَصِير		طَوِيل
جَاء		أَتَى	سَهْل		صَعْب	جَعَلَ		وَضَعَ
قَرَعَ		طَرَقَ	جَمِيل		قَبِيح	أَصْدِقَاء		أَعْدَاء

الْتَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است».

أَنْقَذَ - رَئِيسِي - احْتَرَقَ - طَبَعَ - نَفَقَاتُ - الصَّحِيفَةُ - بَضَائِعُ

۱. كَانَتْ الْجَامِعَةُ غَالِيَةً وَ مَا كُنْتُ قَادِرًا عَلَى دَفْعِهَا وَحْدِي.

۲. انْكَسَرَتْ إِحْدَى الزُّجَاجَاتِ فِي الْمُخْتَبَرِ؛ فَ..... كُلُّ الْأَشْيَاءِ.

۳. يَجْلِبُ التَّاجِرُ جَدِيدَةً إِلَى دُكَانِهِ لِلْبَيْعِ.

۴. يَبْدَأُ وَالدي يَوْمَهُ بِقِرَاءَةٍ دَائِمًا.

۵. إديسون طفلًا مِنْ تَحْتِ الْقِطَارِ.

الْتَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

فعل‌های زیر را مانند مثال ترجمه کنید

ماضی منفی	مضارع منفی	مستقبل (آینده)	امر	نهی
ما دَهَبَ: نرفت	لا يَذْهَبُ:	سَيَذْهَبُ:	اَذْهَبْ:	لا تَذْهَبْ:
ما شَرَبوا: ننوشیدند	لا يَشْرَبُونَ:	سَيَشْرَبُونَ:	اشْرَبوا:	لا تَشْرَبوا:
ما غَسَلَ: نشست	لا يَغْسِلُ:	سَوْفَ يَغْسِلُ:	اغْسِلْ:	لا تَغْسِلْ:

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

ترجمه کنید^۱.

۱. عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ؛ فَإِنَّهُ نَوْرُ الْقَلْبِ.

۲. جَلِيسُ السَّوِّ شَيْطَانٌ.

۳. الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ.



۴. الْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ.

۵. النَّوْمُ أَخُو الْمَوْتِ.

تحقیق کنید و یک فرد را که با تلاش بسیار در زندگی موفق شده و به بشریت خدمت کرده است، در کلاس معرفی کنید.

تحقیق کنید

۱- الحديث الأول إلى الرابع من أمير المؤمنين علي عليه السلام و الحديث الخامس من رسول الله صلى الله عليه وآله

الْقُرْآنِيَّات

مَا الْفَرْقُ بَيْنَ السُّورِ الْمَكِّيَّةِ وَ السُّورِ الْمَدَنِيَّةِ؟
 السُّورُ الْمَكِّيَّةُ نَزَلَتْ قَبْلَ الْهَجْرَةِ إِلَى الْمَدِينَةِ،
 وَأَغْلَبُهَا **يَدُورُ عَلَى** بَيَانِ الْعَقِيدَةِ،
 أَمَّا السُّورُ الْمَدَنِيَّةُ نَزَلَتْ بَعْدَ الْهَجْرَةِ،
 وَ **يَكْثُرُ** فِيهَا بَيَانُ الْأَحْكَامِ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ.



عبارات مربوط به قرآن

فرق بین سوره های مکی و سوره های مدنی چیست؟

سوره های مکی قبل از هجرت به مدینه، نازل شد، و اغلب آن (سوره های مکی) دور بیان عقیده می چرخد، (درباره بیان عقیده است)

اما سوره های مدنی بعد از هجرت نازل شد،

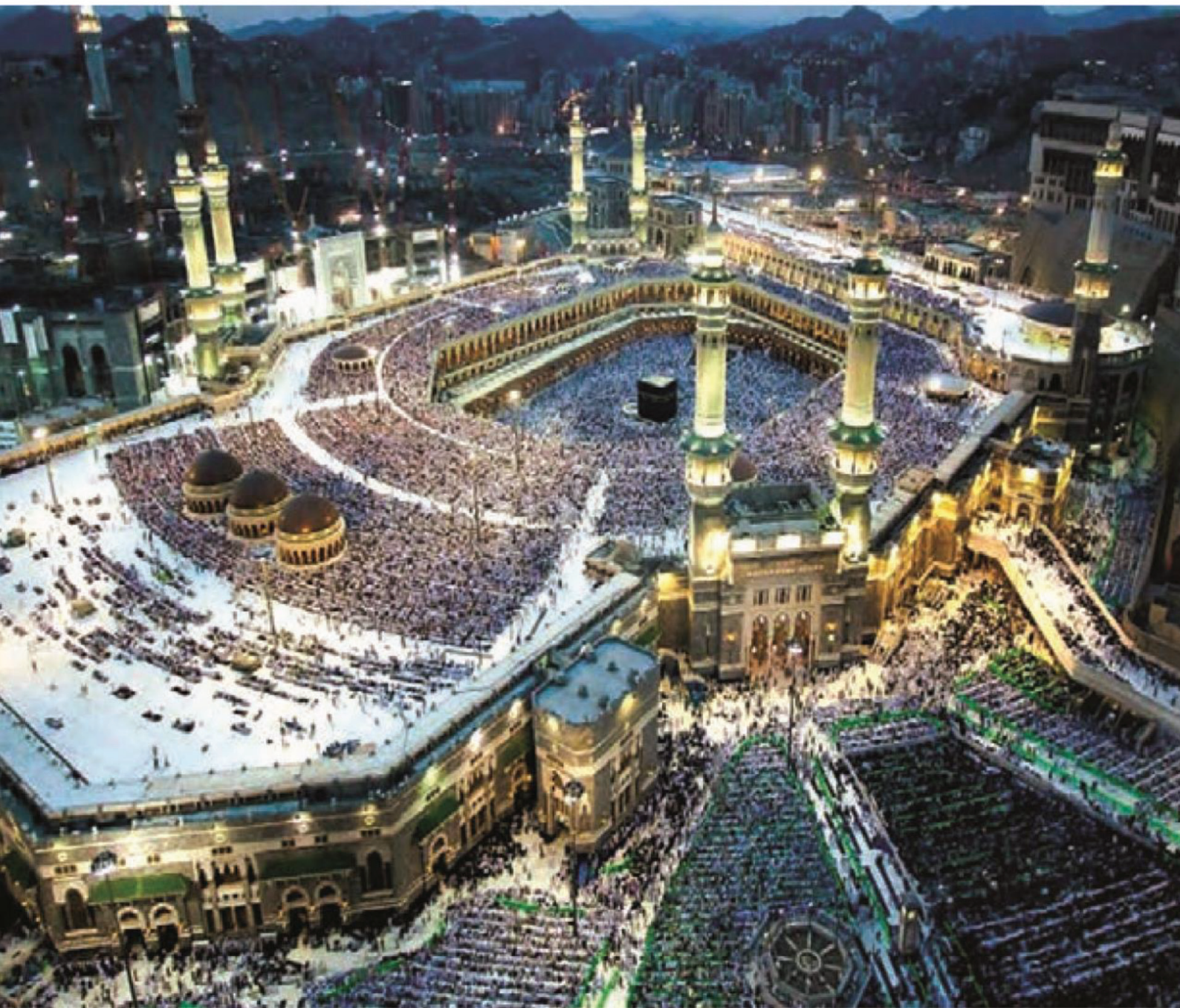
و در آن، احکام حلال و حرام بیشتر توضیح داده شده است.



الدَّرْسُ الثَّامِنُ



مَكَّةُ الْمُكْرَمَةِ



الدَّرْسُ الثَّامِنُ

المُعْجَم: (۱۵ کلمه جدید)

کارگران «مفرد: عامل»



عَمَال:

بیرون آورد

(مضارع: يَسْتَخْرِجُ)

إِسْتَخْرَجَ:



کار می‌کردم



كُنْتُ أَشْتَغِلُ:

اشکالی ندارد



لَا بَأْسَ:

کار کرد

(مضارع: يَشْتَغِلُ)

اشْتَغَلَ:



وظیفه بود؛ تشکر لازم نیست 	لا شُكْرَ عَلَيَّ الْوَجِبُ:	چاه 	بُئْر:
نداشتم 	مَا كَانَ عِنْدِي:	بِيا 	تَعَالَ:
موزه 	مُتَحَف:	سی 	ثَلَاثُونَ، ثَلَاثِينَ:
گرامی داشته شده 	مُكْرَم:	راهنما راهنمای موزه داری 	دَلِيل:
پول، پول‌ها 	نُقُود:	تاکسی 	سَيَّارَةُ الْأَجْرَةِ:

حوارُ بین الزائرِ وَ سائقِ سِیَّارَةِ الأَجْرَةِ

- السَّلَامُ عَلَیْكُمْ .
 - نَذْهَبُ إِلَى مُتَحَفِ مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ .
 - كَمْ رِیَالًا تَأْخُذُ مِنَّا؟
 - أَجْرُهُ غَالِيَةٌ. نَحْنُ ثَلَاثَةُ أَشْخَاصٍ.
 - هَلْ تَقْبَلُ النُّقُودَ الْإِیرَانِيَّةَ ؟
 - نَعَمْ وَ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
 - أَرَأَيْتَ الْمُتَحَفَ حَتَّى الْآنَ؟
 - لِمَاذَا مَا ذَهَبْتَ إِلَى هُنَاكَ؟
 - عَفْوًا؛ كَمْ السَّاعَةِ؟
 - تَعَالَ مَعَنَا؛ ثُمَّ نَرْجِعْ مَعًا؛ هَلْ تَقْبَلُ؟
- عَلَیْكُمْ السَّلَامُ؛ أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟
 - أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. تَفَضَّلُوا. إِرْكَبُوا.
 - أَرْبَعِينَ رِیَالًا .
 - عَفْوًا؛ ثَلَاثُونَ رِیَالًا. لِكُلِّ زَائِرٍ عَشْرَةَ رِیَالًا.
 - نَعَمْ. لَا بَأْسَ. يَا شَبَابُ، هَلْ أَنْتُمْ إِیرَانِيُونَ؟
 - أَنَا بَاكِسْتَانِيٌّ وَ أَشْغَلُ هُنَا. فِي وَطَنِي
 كُنْتُ أَشْغَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ.
 - لَا؛ مَا رَأَيْتُهُ. مَا كَانَتْ عِنْدِي فُرْصَةٌ
 - لِأَنِّي أَشْغَلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الْمَسَاءِ
 - الْعَاشِرَةَ تَمَامًا
 - لَا؛ لَا أَقْدِرُ. شُكْرًا جَزِيلًا.



حوارُ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ دَلِيلِ الْمُتَحَفِّ

- ماذا في هَذَا الْمُتَحَفِّ؟
 - ما ذَلِكَ الْعَمُودُ؟
 - وَ ما هَذِهِ الْأَثَارُ؟
- الْآثَارُ التَّارِيخِيَّةُ لِلْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ.
 - الْعَمُودُ الْخَشَبِيُّ لِلْكَعْبَةِ.
 - بَابُ الْمَنْبَرِ الْقَدِيمُ لِلْمَسْجِدِ النَّبَوِيِّ
 آثَارُ بَيْتِ زَمَـمٍ؛ صُورُ الْحَرَمَيْنِ وَ مَقْبَرَةُ
 الْبَقِيعِ؛ وَ آثَارُ جَمِيلَةٍ أُخْرَى.
 - أَشْكُرُكَ عَلَى تَوْضِيحَاتِكَ الْمُفِيدَةِ.
 - لَا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِبِ.

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با توجه به متن درس معلوم کنید.  

درست نادرست

۱. الزُّوَارُ يَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ. ☐ ☐
۲. الزُّوَارُ الْإِيرَانِيِّونَ رَكَبُوا حَافِلَةَ الْفُنْدُقِ. ☐ ☐
۳. السَّائِقُ يَشْتَغِلُ مِنَ الصُّبْحِ حَتَّى الظُّهْرِ. ☐ ☐
۴. أَخَذَ سَائِقُ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ ثَلَاثِينَ رِيَالًا مِنَ الزُّوَارِ. ☐ ☐
۵. فِي الْمُتَحَفِّ آثَارُ تَارِيخِيَّةٍ لِلْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ. ☐ ☐



ترجمه کلمه به کلمه درس

جَوَارُ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأُجْرَةِ

گفت و گویی میان زائر و راننده تاکسی

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ	عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ	أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟
سلام بر شما درود بر شما	درود و رحمت و برکات خدا بر شما باد	 می روید؟

نَذْهَبُ إِلَى مُتَحَفِ مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ	أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. تَفَضَّلُوا. إِرْكَبُوا
به مکه مکرمه می رویم	خوش آمدید. بفرمایید.

كَمْ رِيالًا تَأْخُذُ مِنَّا؟	أَرْبَعِينَ رِيالًا.
..... ریال از ما می گیری؟	 ریال

الْأُجْرَةُ غَالِيَةٌ. نَحْنُ ثَلَاثَةُ أَشْخَاصٍ	عَفْوًا؛ ثَلَاثُونَ رِيالًا. لِكُلِّ زَائِرٍ عَشْرَةُ رِيَالَاتٍ
کرایه است. ما سه نفریم	بخشید؛ سی ریال. برای هر زائری ده ریال

هَلْ تَقْبَلُ النُّقُودَ الْإِيرَانِيَّةَ؟	نَعَمْ. لَا بَأْسَ. يَا شَبَابُ، هَلْ أَنْتُمْ إِيرَانِيُونَ؟
آیا پول ایرانی؟	بله؛ اشکالی ندارد. ای آیا شما ایرانی هستید؟

نَعَمْ وَ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ ؟	أَنَا بَاكِسْتَانِيٌّ وَ أَشْتَغَلُ هُنَا	فِي وَطَنِي كُنْتُ أَشْتَغَلُ فِي الْمَرْزَعَةِ
بله و شما؟	من پاکستانی هستم و اینجا	در میهنم در مزرعه

أَرَأَيْتَ الْمُتَحَفَ حَتَّى الْآنَ؟	لَا؛ مَا رَأَيْتُهُ. مَا كَانَتْ عِنْدِي فُرْصَةٌ	لِمَاذَا مَا ذَهَبْتَ إِلَى هُنَاكَ؟
آیا تا حالا را دیده ای؟	نه؛ ندیده ام. فرصت	؟

لَأَنِّي أَشْتَغِلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الْمَسَاءِ	عَفْوًا. كَمْ السَّاعَةُ؟	الْعَاشِرَةُ هَمَامًا
زیرا من از تا کار می کنم	بخشید. ساعت چند است؟	ده تمام

تَعَالَ مَعَنَا. ثُمَّ نَرْجِعْ مَعًا؛	هَلْ تَقْبَلُ؟	لا؛ لَا أَقْدِرُ. شُكْرًا جَزِيلًا	
همراه ما بیا.....		نه؛ بسیار سپاسگزارم	

جَوَارُ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ دَلِيلِ الْمُتَحَفِّ	
گفت و گویی میان زائر و	

ماذا في هَذَا الْمُتَحَفِّ؟	الأثارُ التاريخيَّةُ لِلْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ	ما ذَلِكَ الْعَمُودُ؟
در این چه چیزی هست؟	آثار تاریخی حرمین شریفین	؟

الْعَمُودُ الْخَشَبِيُّ لِلْكَعْبَةِ	وَمَا هَذِهِ الْأُثَارُ؟	بَابُ الْمِنْبَرِ الْقَدِيمِ لِلْمَسْجِدِ النَّبَوِيِّ؛	
..... ..	و این آثار چیست؟	در قدیمی مسجد نبوی؛	

آثارُ بَنِي زَمَـمَ؛ صُورُ الْحَرَمَيْنِ وَ مَقَبَرَةُ الْبُقِيعِ؛ وَ آثارُ جَمِيلَةٍ أُخْرَى	
آثار زمزم؛ عکس های دو حرم و مقبره بقیع و آثار زیبای دیگری	

أَشْكُرُكَ عَلَى تَوْضِيحَاتِكَ الْمُفِيدَةِ	لَا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِبِ
به خاطر توضیحات سودمندتان سپاسگزارم	وظیفه بود، تشکر لازم نیست

ماضی استمراری

معادل فعل ماضی استمراری در زبان عربی (كانوا يَفْعَلُونَ = انجام می‌دادند)

ماضی استمراری: نشان‌دهنده کاری است که در گذشته چند بار تکرار شده است؛ مثال:
می‌نوشتند: كانوا يَكْتُبُونَ

كانَ + فعل مضارع ← معادل ماضی استمراری در فارسی



الْبَيْنَتَانِ كَانَتَا تَكْتُبَانِ وَاجِبَاتِهِمَا.



الطَّلَابُ كَانُوا يَدْرُسُونَ بِدِقَّةٍ.

فعل «كَانَ» هرگاه پیش از فعل مضارع بیاید، معادل «ماضی استمراری»

در فارسی ترجمه می‌شود؛ مثال:

﴿وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾³³ التَّحِل:

و خدا به آنها ستم نکرد، ولی خود به خویشتن ستم می‌کردند.

با توجه به آنچه خواندید جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

۱. ﴿... كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ الأَنْعَام: ۱۲۷

.....

۲. ﴿... كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ ...﴾ الْمَائِدَة: ۷۵

.....

۳. ﴿... وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ﴾ الْمَائِدَة: ۶۱

.....

۴. ﴿... كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ...﴾ الْبَقَرَة: ۷۵

.....

۵. كَانَ طُلَّابُ الْجَامِعَةِ يَدْرُسُونَ فِي الْمَكْتَبَةِ.

.....

التمارين

التمرين الأول:

درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس واقعیت بنویسید.

۱. دَلِيلُ الْمُتَحَفِ يَسْتَعِْلُ فِي مَصْنَعِ الْأَبْوَابِ وَ النَّوَافِذِ.

۲. الْبَيْتُ حُفْرَةٌ عَمِيقَةٌ فِي الْأَرْضِ فِيهَا مَاءٌ أَوْ غَيْرُهُ.

۳. فِي الْمُتَحَفِ آثَارُ تَارِيخِيَّةٍ لِلْبَيْعِ وَ الشُّرَاءِ.

۴. الْبَطَّارِيَّةُ مَخْزَنُ الْكَهْرَبَاءِ فِي السَّيَّارَةِ.

۵. بَيْتُ اللَّهِ فِي مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ.

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي:

بخوانید و ترجمه کنید:



كَانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ؛
فَأَخَذَهُ النَّوْمُ.



كَانَ الْعُمَالُ يَصْنَعُونَ بَيْتًا وَ هُمْ الْآنَ
وَاقِفُونَ.

الْتَّمَرِينُ الثَّالِث:

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

يَرْكَبُونَ - يَشْتَغِلُ - نُقُودٌ - تَعَالَ - الْبَيْرُ - تَقْضُّ - دَلِيلٌ

۱. أَيْنَ أَخُوكَ الْأَكْبَرُ؟ - هُوَ يَعْمَلُ فِي مُنْظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.
۲. أَلَدَّرَهُمْ وَ الدِّينَارُ وَ الرِّيَالُ وَ اللَّيْرَةُ أَسْمَاءُ
۳. حُجَّاجُ الْقَافِلَةِ بِحَاجَةٍ إِلَى السَّفَرِ.
۴. اِسْتَخْرَجَ الْفَلَّاحُونَ مَاءً مِنْ لِلزَّرْعَةِ.
۵. كَانَ التَّلَامِيذُ حَافِلَةَ الْمَدْرَسَةِ.

الْتَّمَرِينَ الرَّابِعُ:

جدول زیر را کامل کنید.

سَمِعَ	شنید	يَسْمَعُ	می‌شنود	كَانَ يَسْمَعُ	می‌شنید
أَنْقَذَ	نجات داد	يُنْقِذُ		كَانَ يُنْقِذُ	
اشْتَغَلَ	کار کردند	يَشْتَغِلَانِ		كَانَا يَشْتَغِلَانِ	
حَاوَلُوا	تلاش کردند	يُحَاوِلُونَ		كَانُوا يُحَاوِلُونَ	
حَضَرَتَا	حاضر شدند	هُمَا تَحْضُرَانِ		كَانَتَا تَحْضُرَانِ	
سَاعَدُوا	کمک کردند	يُسَاعِدُونَ		كَانُوا يُسَاعِدُونَ	

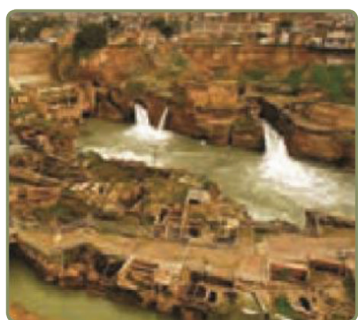
الْتَّمَرِينَ الْخَامِسُ:

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «دو کلمه اضافه است.»

- | | |
|-------------------|---|
| ۱. الْكَهْرَبَاءُ | ○ طاقَةٌ تَشْتَغِلُ بِهَا الْأَلَاتُ وَ الْأَدَوَاتُ الصَّنَاعِيَّةُ. |
| ۲. الْمَطَرُ | ○ هُوَ الَّذِي لَا يَطْلُبُ لَكَ الْخَيْرَ بَلْ يَطْلُبُ الشَّرَّ. |
| ۳. الْبِنَايَةُ | ○ قَطَرَاتُ الْمَاءِ الَّتِي تَنْزِلُ مِنَ السَّحَابِ. |
| ۴. الرَّئِيسِيُّ | ○ نَتِيجَةُ اخْتِرَاقِ الْخَشَبِ وَ غَيْرِهِ. |
| ۵. الْعَدُوُّ | ○ مَنْ يَعْمَلُ فِي زِرَاعَةِ الْأَرْضِ. |
| ۶. الْفَلَّاحُ | |
| ۷. النَّارُ | |

التَّمَرِينُ السَّادِسُ:

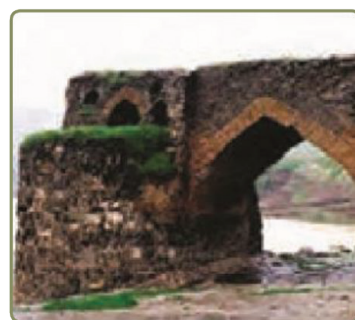
زیر هر تصویر^۱ نام آن را به عربی بنویسید.
 شَلَالَاتُ شَوْشْتَر - مَرَقْدُ بایزید - جِسْرُ جاومیشان - سوْقُ کرمان - غَابَةُ اَرَسَبَاران -
 عَيْنُ بیستون



..... -3



..... -2



..... -1



..... -6



..... -5



..... -4

۱ - تصویرهای بالا به ترتیب از استان های: ۱. ایلام و لرستان ۲. کرمان ۳. خوزستان ۴. کرمانشاه ۵. گلستان ۶. سمنان است.

الْتَّمَرِينُ السَّابِعُ:

با استفاده از کلمات زیر، جدول را حل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.

کیمیایی - اَدَوَات - مُسَلِّم - نُقُود - مُجَالَسَات - مُحَاوَلَات - مِلَّافَا - أَزْهَار - اسْتَخْرَجَ -
اَتَمَّتْ - لِبَاسَ - مَمَرُ مَشَاة - تَعَال - مُنْظَمَات - اَعْدَاء - زِرَاعَة - تَفَضَّل - تَلْمِیْذَات - ثَلَاثُونَ
- یالِیْت - دِرَاسِی

رمز
↓

					۱			
							۲	
					۳			
						۴		
							۵	
					۶			
							۷	
						۸		
							۹	
					۱۰			
						۱۱		
							۱۲	
						۱۳		
							۱۴	
						۱۵		
							۱۶	
						۱۷		
							۱۸	
							۱۹	
					۲۰			
					۲۱			

۱. مسلمان
۲. شیمیایی
۳. ابزارها
۴. بیا
۵. همنشینی‌ها
۶. پول
۷. تلاش‌ها
۸. آرزو می‌کنم
۹. بیرون آورد
۱۰. اشکالی ندارد
۱۱. دشمنان
۱۲. سازمان‌ها
۱۳. شکوفه‌ها
۱۴. گذرگاه پیاده
۱۵. پرونده‌ها
۱۶. دانش‌آموزان (دختر)
۱۷. سی
۱۸. ای کاش
۱۹. تحصیلی
۲۰. بفرما
۲۱. کشاورزی

رمز: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

أَلْأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ (محبوب‌ترین نزد خداوند) مِنْ غَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

۱. «أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَى اللَّهِ مَا كَثُرَتْ عَلَيْهِ الْأَيْدِي.»

۲. «أَحَبُّ بُيُوتِكُمْ إِلَى اللَّهِ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ مُكْرَمٌ.»

۳. «أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.»

۴. «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ حِفْظُ اللِّسَانِ.»



یک گفت‌وگو در سفری زیارتی بیابید و آن را با هم‌کلاسی‌هایتان اجرا کنید. از اجرای کارتان فیلم بگیرید و به دبیرتان ارائه دهید.

تحقیق کنید

چند نمونه از تجلی قرآن و حدیث در سروده‌های بزرگان

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین (سعدی)

﴿الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾^۲ الرَّحْمَنُ: ۱۰ الی ۴

آسمان بارِ امانت نتوانست کشید قرعه کار به نام من دیوانه زدند (حافظ)

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾^۳ الْأَنْحَاز: ۷۲

آدمی مخفی است در زیر زبان این زبان پرده است بر درگاه جان (مولوی)

الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ.^۴ حضرت علی علیه السلام

قیمتِ هر کس به قدر علمِ اوست این چنین گفتا امیر المؤمنین (ناصر خسرو)

قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يَعْلَمُ.^۵ حضرت علی علیه السلام

چو نومید گردد ز یزدان کسی ازو نیک‌بختی نیاید بسی (فردوسی)

﴿وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾^۶ یوسف: ۸۷

۱- در آزمون‌ها و مسابقات، از این بخش سؤال طرح نمی‌شود.

۲- خدای بخشاینده، قرآن را یاد داد؛ انسان را آفرید و به او سخن گفتن آموزش داد.

۳- ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم و از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند؛ ولی انسان آن را برداشت. بی‌گمان او ستمگری نادان بود.

۴- آدمی زیر زبانش پنهان است.

۵- ارزش هر انسانی به چیزهایی است که می‌داند.

۶- از مهربانی خدا نومید نشوید؛ زیرا جز قوم کافر کسی از مهربانی خدا نومید نمی‌شود.



الدَّرْسُ التَّاسِعُ



تَأْثِيرُ الْأَلْوَانِ



الدَّرْسُ التَّاسِعُ

الْمُعْجَم: (۲۵ کلمه جدید)

بخشنندگی



سَخَاء (سَخَاوَة):

بهتر، بهترین



أَحْسَن:

آسمانی



سَمَآوِي:

اعتقاد داشت (مضارع: يَعْتَقِدُ)



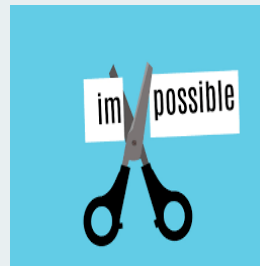
إِعْتَقَدَ:

تازه



طَازِج:

امکان داشت (مضارع: يُمَكِّنُ)



أَمَكَّنَ:

خلبان

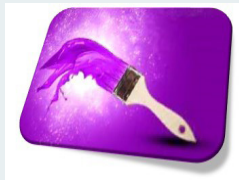
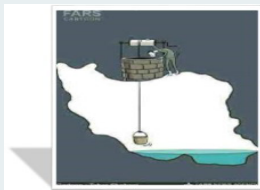


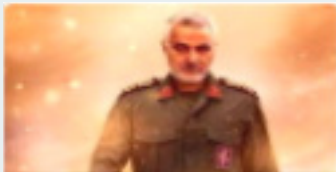
طَيَّار:

توجّه



إِنْتَبَاه:

آبمیوه 	عَصِيرُ الْفَاكِهَةِ:	بنفش 	بَنَفَسَجَى:
حمله « غارات لَیْلِيَّة: حملات شبانه» 	غَارَة:	خستگی 	تَعَب:
			
پوست 	قَشَر:	جبران کردن 	تَعْوِيض:
کم شد (مضارع: يَقِلُّ) 	قَلَّ:	رنگ آمیزی 	تَلْوِين:

لیمو 	لیمون:	خورد (مضارع: يَتَنَاوَلُ/مصدر: تَنَاوُل) 	تَنَاوَل:
خشک، خشک شده 	مُجَفَّف:	هویج 	جَزَر:
زردآلو 	مِشْمِش:	تحریک کرد (مضارع: يُحَرِّكُ) 	حَرَّكَ:
آرام بخش 	مُهْدِئ:	شیر 	خَلِيب:
پار سایى 	وَرَع:	خطا «جمع: أخطاء/ خَطُوءُ: خطایش» 	خَطَأ:

نُصُوصُ حَوَالِ الصَّحَّةِ

أَفْضَلُ الْأَلْوَانِ: بَعْضُ النَّاسِ يَظُنُّونَ بِأَنَّ الْأَلْوَانَ لِلتَّلْوِينِ أَوْ لِلرَّسْمِ أَوْ لِلتَّزْيِينِ فَقَطَّ. وَلَكِنْ هَلْ سَأَلْنَا أَنْفُسَنَا يَوْمًا:

«هَلْ يُمَكِّنُ مُعَالَجَةَ الْأَمْرَاضِ بِالْأَلْوَانِ؟ مَا هُوَ تَأْثِيرُ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ؟»

يَعْتَقِدُ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ أَنَّ لِلْأَلْوَانِ تَأْثِيرًا عَلَيْنَا. إِنَّ أَحَبَّ الْأَلْوَانِ إِلَى الْعَيْنِ، الْأَلْوَانُ الطَّبِيعِيَّةُ الَّتِي نَشَاهِدُهَا حَوْلَنَا فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ هِيَ اللَّوْنُ الْأَخْضَرُ وَ اللَّوْنُ الْأَزْرَقُ السَّمَاوِيُّ ثُمَّ اللَّوْنُ الْأَصْفَرُ مِثْلَ لَوْنِ بَعْضِ أَوْرَاقِ الْخَرِيفِ.

أَمَّا النُّورُ الْأَحْمَرُ، فَتَنْشَعُرُ بِالتَّعَبِ عِنْدَمَا نَنْظُرُ إِلَيْهِ؛ لِأَنَّهُ يُحَرِّكُ الْأَعْصَابَ. فَقَانُونُ الْمُرُورِ يَسْتَخْدِمُهُ فِي الْأَمَاكِنِ الَّتِي بِحَاجَةٍ إِلَى الْإِتْبَاهِ كإشارات المرور؛ أَمَّا غُرَفُ النَّوْمِ، فَالْأَفْضَلُ

فِيهَا اسْتِخْدَامُ الْأَلْوَانِ الْمُهْدِئَةِ لِلْأَعْصَابِ كَاللَّوْنِ الْبَنَفْسَجِيِّ.



(A) فیتامین

زیادَهُ وَزَنَ الْأَطْفَالِ وَ هُوَ مُفِيدٌ لِلْعَيْنِ وَ كَانَ الطِّيَّارُونَ فِي الْحَرْبِ A مِنْ فَوَائِدِ فِيتَامِينِ الْعَالَمِيَّةِ الثَّانِيَةِ يَتَنَاوَلُونَهُ قَبْلَ ابْتِدَاءِ الْغَارَاتِ اللَّيْلِيَّةِ وَ هَذَا الْفِيتَامِينُ مَوْجُودٌ فِي النَّبَاتَاتِ وَ الْفُؤَاكِهِ بِاللَّوْنِ الْأَصْفَرِ كَالْمِشْمِشِ وَ الْجَزَرِ وَ قِشْرِ الْبُرْتُقَالِ.

(C) فیتامین

يُوجَدُ هَذَا الْفِيتَامِينُ فِي الْحَلِيبِ الطَّازِجِ، وَلَكِنَّهُ لَا يُوْجَدُ فِي الْحَلِيبِ الْمُجَفَّفِ وَ الْأَطْفَالُ الَّذِينَ يَتَنَاوَلُونَهُ وَحْدَهُ، فِي أَكْثَرِ الْأَوْقَاتِ يَحْدُثُ لَهُمْ ضَعْفٌ فِي السَّاقَيْنِ. وَ يُمَكِّنُ تَعْوِيضُ هَذَا النَّقْصِ فِي التَّغْذِيَةِ بِتَنَاوُلِ عَصِيرِ اللَّيْمُونِ أَوْ عَصِيرِ الْبُرْتُقَالِ.



با توجه به متن درس، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را معلوم کنید. درست نادرست

۱. كَانَ الطِّيَّارُونَ فِي الْحَرْبِ الْعَالَمِيَّةِ الثَّانِيَةِ يَتَنَاوَلُونَ فِيتَامِين «A» قَبْلَ ابْتِدَاءِ الْغَارَاتِ اللَّيْلِيَّةِ. ☐ ☐
۲. يُمَكِّنُ تَعْوِيضُ الضَّعْفِ فِي السَّاقَيْنِ فِي الْأَطْفَالِ بِتَنَاوُلِ الرُّزِّ. ☐ ☐
۳. الْأَسْوَدُ أَفْضَلُ لَوْنٍ مُهْدِيٍّ لِلْأَعْصَابِ فِي غُرْفِ النَّوْمِ. ☐ ☐
۴. لَا يَعْتَقِدُ الْعُلَمَاءُ أَنَّ لِلْأَلْوَانِ تَأْثِيرًا عَلَيْنَا. ☐ ☐
۵. يُوْجَدُ فِيتَامِين C فِي الْحَلِيبِ الطَّازِجِ. ☐ ☐

ترجمه کلمه به کلمه درس

متن هایی درباره بهداشت

أَوْ لِلرَّسْمِ	لِلتَّلْوِينِ	يَاَنَّ الْأَلْوَانَ	يَظُنُّونَ	بَعْضُ النَّاسِ	أَفْضَلُ الْأَلْوَانِ
یا نقاشی کردن		که رنگ ها	گمان می کنند	برخی از مردم	

هَلْ يُكُنُّ مُعَالَجَةُ الْأَمْرَاضِ بِالْأَلْوَانِ؟	هَلْ سَأَلْنَا أَنْفُسَنَا يَوْمًا	وَلَكِنْ	فَقَطْ.	أَوْ لِلتَّزْيِينِ
آیا درمان بیماری ها با رنگ ها ممکن است؟	آیا روزی از خودمان پرسیده ایم	ولی	فقط تنها.	یا تزیین

يَعْتَقِدُ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ أَنَّ لِلْأَلْوَانِ تَأْثِيرًا عَلَيْنَا.		«ما هو تأثير الألوان المختلفة؟»
برخی معتقدند (بر این باورند) که بر ما تأثیر دارند.		تأثیر چیست؟

الْأَلْوَانُ الطَّبِيعِيَّةُ الَّتِي نَشَاهِدُهَا حَوْلَنَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ		إِنَّ أَحَبَّ الْأَلْوَانِ إِلَى الْعَيْنِ،
قطعا، ای است که شب و روز در پیرامون خودمان می بینیم		 رنگ ها برای چشم

ثُمَّ اللَّوْنُ الْأَصْفَرُ مِثْلُ لَوْنِ بَعْضِ أَوْرَاقِ الْخَرِيفِ		و هِيَ اللَّوْنُ الْأَخْضَرُ وَاللَّوْنُ الْأَزْرَقُ السَّمَائِيُّ
سپس رنگ زرد، مانند رنگ بعضی برگ های پاییز		که عبارت اند از: رنگ سبز و رنگ آبی آسمانی

عِنْدَمَا نَنْظُرُ إِلَيْهِ لِأَنَّهُ يُحَرِّكُ الْأَعْصَابَ		فَتَشْعُرُ بِالتَّعَبِ	أَمَّا النَّوْرُ الْأَحْمَرُ
وقتی به آن نگاه می کنیم زیرا آن اعصاب را تحریک می کند		احساس خستگی می کنیم	اما رنگ سرخ،

إِلَى الْإِنْتِبَاهِ كِإِشَارَاتِ الْمُرُورِ؛	يَسْتَخْدِمُهُ فِي الْأَمَاكِنِ الَّتِي بِحَاجَةٍ	فَقَانُونُ الْمُرُورِ
که نیاز به توجه دارد، مانند علامت های راهنمایی و رانندگی	در جاهایی که نیاز به توجه دارد به کار می گیرد آن را	در نتیجه قانون راهنمایی و رانندگی

فِيهَا اسْتِخْدَامُ الْأَلْوَانِ الْمُهْدَّئَةِ لِلْأَعْصَابِ كَاللَّوْنِ الْبَنَفْسَجِيِّ		أَمَّا عُرْفُ النَّوْمِ فَلْأَفْضَلُ
که در آن رنگ های آرام بخش اعصاب مثل رنگ بنفش به کار گرفته شود		اما اتاق های خواب بهتر است

و هُوَ مُفِيدٌ لِلْعَيْنِ	مِنْ فَوَائِدِ فَيْتَامِينِ «إ» زِيَادَةُ وَزَنِ الْأَطْفَالِ A «فَيْتَامِينِ»
این ویتامین برای چشم است	ویتامین آ: از فایده های ویتامین آ افزایش وزن کودکان است

و كَانَ الطَّيَّارُونَ فِي الْحَرْبِ الْعَالَمِيَّةِ الثَّانِيَةِ		يَتَنَاوَلُونَهُ قَبْلَ ابْتِدَاءِ الْغَارَاتِ اللَّيْلِيَّةِ
ودر جنگ جهانی دوم		پیش از آغاز می خوردند(آن را)
و هَذَا الْفَيْتَامِينُ مَوْجُودٌ		فِي النَّبَاتَاتِ وَالْفَوَاكِهِ بِاللَّوْنِ الْأَصْفَرِ كَالْمِشْمِشِ وَالْجَزَرِ وَ قَشْرِ الْبُرْتُقَالِ
واین ویتامین موجود است		در وبه رنگ زرد مانند زردآلو، و پوست پرتقال
يُوجَدُ هَذَا الْفَيْتَامِينُ فِي الْحَلِيبِ الطَّازِجِ (فَيْتَامِينُ سِي)		وَلَكِنَّهُ لَا يُوْجَدُ فِي الْحَلِيبِ الْمُجَفَّفِ
ویتامین ث: این ویتامین در وجود دارد		یافت می شود، ولی در وجود ندارد یافت نمی شود
و الْأَطْفَالُ الَّذِينَ يَتَنَاوَلُونَهُ وَحْدَهُ		فِي أَكْثَرِ الْأَوْقَاتِ يَحْدُثُ لَهُمْ ضَعْفٌ فِي السَّاقَيْنِ
و کودکانی که تنها آن را		بیشتر اوقات برایشان ناتوانی می آید
و يُمَكِّنُ تَعْوِضُ هَذَا النِّقْصِ فِي التَّغْذِيَةِ بِتَنَاوُلِ عَصِيرِ اللَّيْمُونِ أَوْ عَصِيرِ الْبُرْتُقَالِ		
و این کمبود در خوراک با خوردن یا آب پرتقال می شود.		



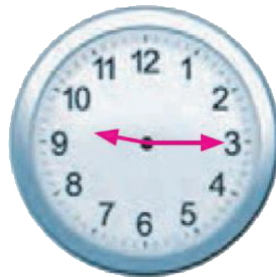
ساعت خوانی

ساعت خوانی ← (الْخَامِسَةُ ٥ - الْخَامِسَةُ وَالرُّبْعُ ٥:١٥ - الْخَامِسَةُ إِلَّا رُبْعاً ٤:٤٥)

كَمِ السَّاعَةُ الْآنَ؟



الْتَّاسِعَةُ إِلَّا رُبْعاً.



الْتَّاسِعَةُ وَالرُّبْعُ.



الْتَّاسِعَةُ تَمَاماً.

زیر هر تصویر زمان آن را بنویسید. (از نوشته‌های زیر استفاده کنید.)

الْخَامِسَةُ تَمَاماً / الْوَاحِدَةُ وَالرُّبْعُ / الثَّامِنَةُ وَالنِّصْفُ
الْعَاشِرَةُ وَالرُّبْعُ / الثَّالِثَةُ إِلَّا رُبْعاً / السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعاً
الرَّابِعَةُ وَالنِّصْفُ / الثَّامِنَةُ إِلَّا رُبْعاً / الْعَاشِرَةُ تَمَاماً



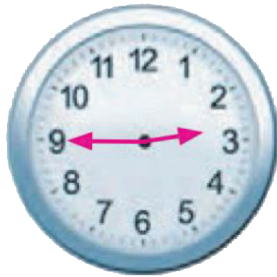
.....



.....



.....













ساعت خوانی:

١. ساعت کامل:

مثال: الْوَاحِدَةُ تَمَامًا / الثَّانِيَةُ تَمَامًا / ...

٢. ساعت کامل به اضافه نیم و ربع:

مثال: الرَّابِعَةُ وَ النِّصْفُ / الْخَامِسَةُ وَ الرَّبْعُ / ...

٣. یک ربع مانده به ساعت کامل:

مثال: السَّابِعَةُ إِلَّا رُبْعًا / الثَّامِنَةُ إِلَّا رُبْعًا / ...

ترجمه کنید

.....	الْعَاشِرَةُ وَالرُّبْعُ:		الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ تَمَامًا:
.....	الْوَحْدَةَ وَالنِّصْفَ:		الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ تَمَامًا:

توجه

در زبان ادبی عربی، هنگام بیانِ ساعت، عددهای ترتیبی مؤنث به کار می‌رود؛ جز در ساعتِ «یک» که «الْوَحْدَةُ» گفته می‌شود.

التمارين

التَّمرينُ الاول:

توضیحات زیر، مربوط به کدام واژه‌ها از متن درس است؟

۱. فَاكِهَةٌ شَبِيهَةٌ بِالْبُرْتُقَالِ؛ وَلَكِنَّهَا أَصْغَرُ مِنْهُ .
.....
۲. عَلَامَاتٌ لِلسَّائِقِ وَالْعَابِرِ فِي الطَّرِيقِ :
.....
۳. الْهَجُومُ بِالطَّائِرَةِ عَلَى الْعَدُوِّ فِي اللَّيْلِ :
.....
۴. أَحْسَنُ صَفَةٍ لِلْحَلِيبِ :
.....
۵. اسْمُ سَائِقِ الطَّائِرَةِ :
.....
۶. ماءُ الثَّمَرِ :
.....

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي:

در جای خالی، رنگ مناسب بنویسید؛ سپس هر جمله را ترجمه کنید.

أَخْضَر - أَحْمَر - أَزْرَق - أَبْيَض - أَصْفَر - أَسْوَد



الْفَرَسُ الْ..... جَنَّبَ سَاحِلِ الْبَحْرِ.



هَذَا الْبُسْتَانُ الْ..... جَمِيلٌ.



الرُّمَّانُ الْ..... فَاكِهَةُ الْجَنَّةِ.



الطَّائِرُ الْ..... عَلَى خَشَبَةٍ.



الَّلَوْنُ ال.....، عَلامَةُ النِّظَافَةِ وَ الصِّفَاءِ.



فِي الْعِنَبِ ال..... فِيتَامِينَاتٌ كَثِيرَةٌ.

التَّمرينُ الثَّالثُ:

باتوجّه به تصویر پاسخ دهید.

فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ مَسَاءً / فِي السَّاعَةِ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ

فِي السَّاعَةِ الثَّامِنَةِ لَيْلًا / فِي السَّاعَةِ التَّاسِعَةِ صَبَاحًا



مَتَى مَوْعِدُ أَذَانِ الظُّهْرِ؟



مَتَى تَذْهَبُونَ إِلَى سَاحَةِ الْحَرْبِ؟



مَتَى تَذْهَبْنَ إِلَى الْمُتَحَفِ؟



مَتَى تَتَنَاوَلُ عَشَاءَكَ؟

الْتَّمَرِينَ الرَّابِعُ:

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است».

إِشْرَبَ - الْجَزَرَ - تَعَبَ - مُهَدِّئَةً - الْمِشْمِشَ - تَعْوِضُ - الْإِنْتِبَاهُ

۱. كَتَبَ الطَّبِيبُ لِلْمَرِيضِ حُبُوبًا لِمُعَالَجَةِ صُدَاعِهِ.

۲. عَصِيرَ اللَّيْمُونِ وَ الْبُرْتُقَالِ لَصَحَّتِكَ.

۳. عِنْدَمَا نَنْظُرُ إِلَى النُّورِ الْأَحْمَرِ؛ نَشْعُرُ بِالْ..... .

۴. إِنَّ مُفِيدٌ لَتَقْوِيَةِ الْعُيُونِ.

۵. تَمَرٌ فِي بَدَايَةِ الصَّيْفِ.

الْتَّمَرِينُ الْخَامِسُ:

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «دو کلمه اضافه است».

- | | |
|-------------------|--|
| ○ ۱. النَّهَارُ | ○ قُدْرَةُ عَرَضٍ ^۱ الْأَشْيَاءِ بِالْخُطُوطِ وَالْأَلْوَانِ. |
| ○ ۲. الْمُتَحَفُّ | ○ مَكَانٌ لِحِفْظِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ. |
| ○ ۳. التَّلْوِينُ | ○ لَوْنٌ يَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ الصَّافِيَةِ. |
| ○ ۴. الْعَامِلُ | ○ صِفَةُ حَسَنَةٍ لِلْحَلِيبِ وَالْفَاكِهَةِ. |
| ○ ۵. الطَّازِجُ | ○ مَا بَيْنَ الصَّبَاحِ وَاللَّيْلِ. |
| ○ ۶. الشَّاحِنَةُ | ○ إعطاءُ الألوانِ لِشَيْءٍ. |
| ○ ۷. الرَّسْمُ | |
| ○ ۸. الْأَزْرَقُ | |

الْتَّمَرِينُ السَّادِسُ:

کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید. = ، ≠

إِسْتَلَمَ دَفَعَ	تَعَالَ إِذْهَبَ	حَرْبٌ صَلَحَ	أَحْسَنَ أَفْضَلَ
إِشَارَاتٌ عَلَامَاتٌ	بَغْتَةً فَجْأَةً	مَوْتٌ حَيَاةٌ	قَلَّ كَثُرَ
تَنَاوَلَ أَكَلَ	قُبْحٌ حُسْنٌ	سَتَرَ كَتَمَ	وَرَعَ تَقَوَّى
رَسَبَ نَجَحَ	إِعْطَاءٌ أَخَذَ	فَرَحٌ سُرُورٌ	أَبْيَضٌ أَسْوَدٌ
دُكَّانٌ مَحَلٌّ	يَنْقُصُ يَزِيدُ	رَكِبَ نَزَلَ	صَغَرَ كَبَرَ

۱- عَرَضٌ: عرضه کردن

کَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.^۱



۱. الْعَدْلُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْأُمَرَاءِ أَحْسَنُ، وَ
السَّخَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْأَغْنِيَاءِ أَحْسَنُ، الْوَرَعُ
حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْعُلَمَاءِ أَحْسَنُ، الصَّبْرُ حَسَنٌ
وَلَكِنْ فِي الْفُقَرَاءِ أَحْسَنُ، التَّوْبَةُ حَسَنٌ
وَلَكِنْ فِي الشَّبَابِ أَحْسَنُ، الْحَيَاءُ حَسَنٌ
وَلَكِنْ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ.



۲. مَنْ كَثَرَ كَلَامُهُ كَثَرَ خَطْوُهُ^۲، وَمَنْ كَثَرَ خَطْوُهُ
قَلَّ حَيَاؤُهُ^۳، وَمَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ، وَمَنْ قَلَّ
وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ، وَمَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ.

۱- النَّصُّ الْأَوَّلُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ النَّصُّ الثَّانِي مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ

۲- خَطْوُهُ : خطایش (خطا + ه)

۳- حَيَاؤُهُ : شرم او (حیا + ه)

– در اینترنت جست‌وجو کنید و متنی کوتاه به زبان عربی دربارهٔ خواصّ یکی از میوه‌ها بیابید.

– نام چه میوه‌هایی در سه کتاب عربی، زبان قرآن آمده است؟ نام کدام یک از آنها در قرآن آمده است؟

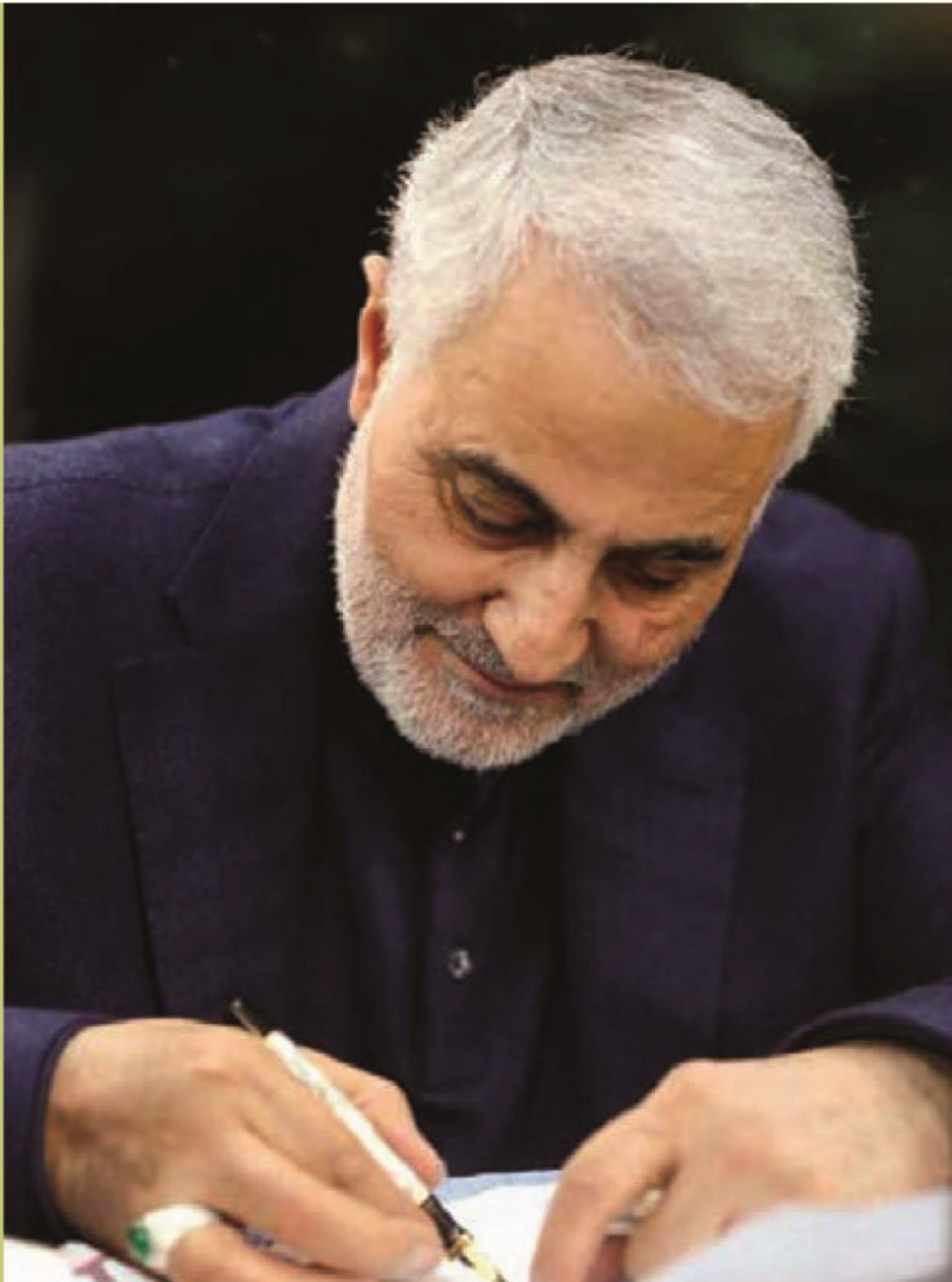




الدَّرْسُ العَاشِرُ



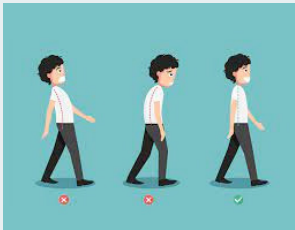
رِسَالَةُ الشَّهِيدِ سُلَيْمَانِي



الدَّرْسُ العَاشِرُ

المُعْجَم: (۲۲ کلمه جدید)

رایانه	حاسوب:	تماس گرفتن	اتصال:
			
پانزدهم	الخَامِسَةُ عَشْرَةَ:	خواهش می‌کنم	أَرْجُو:
			
بدون اجازه شما	دونَ إِذْنِكُمْ	استخاره کردیم	إِسْتَحَرْنَا:
			
خانواده = أُسْرَة	عائلة:	به کار گرفت	إِسْتَحْدَمَ:
			

برای هر چیزی 	لَا يَشَيْءُ:	زیان ها مفرد: ضَرَر 	أَضْرَارُ:
به خانه شما رسیده است 	لَحَقَ بِبَيْتِكُمْ:	پایبندی 	إِلْتِزَامُ:
آماده 	مُسْتَعِدَّ:	هدیه کردم 	أَهْدَيْتُ:
(حرکت می کنیم) سار: حرکت کرد 	نَسِيرُ:	ژرف اندیشی (ماضی: تَدَبَّرَ) 	تَدَبَّرُ:

به جانشینی از شما 	نِیَابَةٌ عَنْکُمْ:	آزادسازی 	تَحْرِیر:
می شود گفت 	يُمْكِنُ الْقَوْلُ:	مرا می شناسید 	تَعْرِفُونَنِي:
(برمی خیزد) ماضی: نَهَضَ 	يُنْهَضُ:	بها = سَعَرٌ، قِيَمَةٌ 	كَمَنْ:

رِسَالَةُ الشَّهِيدِ سُلَيْمَانِي

كَتَبَ الشَّهِيدُ الْحَاجُّ قَاسِمٌ سُلَيْمَانِي رِسَالَةً لِصَاحِبِ الْمَنْزِلِ الَّذِي اسْتَعْدَمَهُ كَمَقَرٍّ لَهُ خِلَالَ عَمَلِيَّاتِ تَحْرِيرِ «الْبُوْكَمَال» فِي سُوْرِيَّةٍ، يَظْهَرُ فِيهَا تَوَاضُّعُهُ وَالتَّزَامُهُ بِالْحَقِّ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مِنْ قَاسِمِ سُلَيْمَانِي إِلَى الْعَائِلَةِ الْعَزِيزَةِ وَ الْمُحْتَرَمَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.
إِنَّكُمْ تَعْرِفُونَنِي حَقًّا. نَحْنُ الْمُجَاهِدِينَ سَاعِدْنَا الْمُسْلِمِينَ مِنْ أَهْلِ السَّنَةِ فِي جَمِيعِ الْعَالَمِ.
نَحْنُ شِيعَةٌ وَ يُمْكِنُ الْقَوْلُ بِأَنَّنا مِنْ أَهْلِ السَّنَةِ؛ لِأَنَّنا نَسِيرُ عَلَى سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَ نَعْمَلُ بِهَا.

و أَنْتُمْ شِيعَةٌ لِأَنَّكُمْ تَحِبُّونَ أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

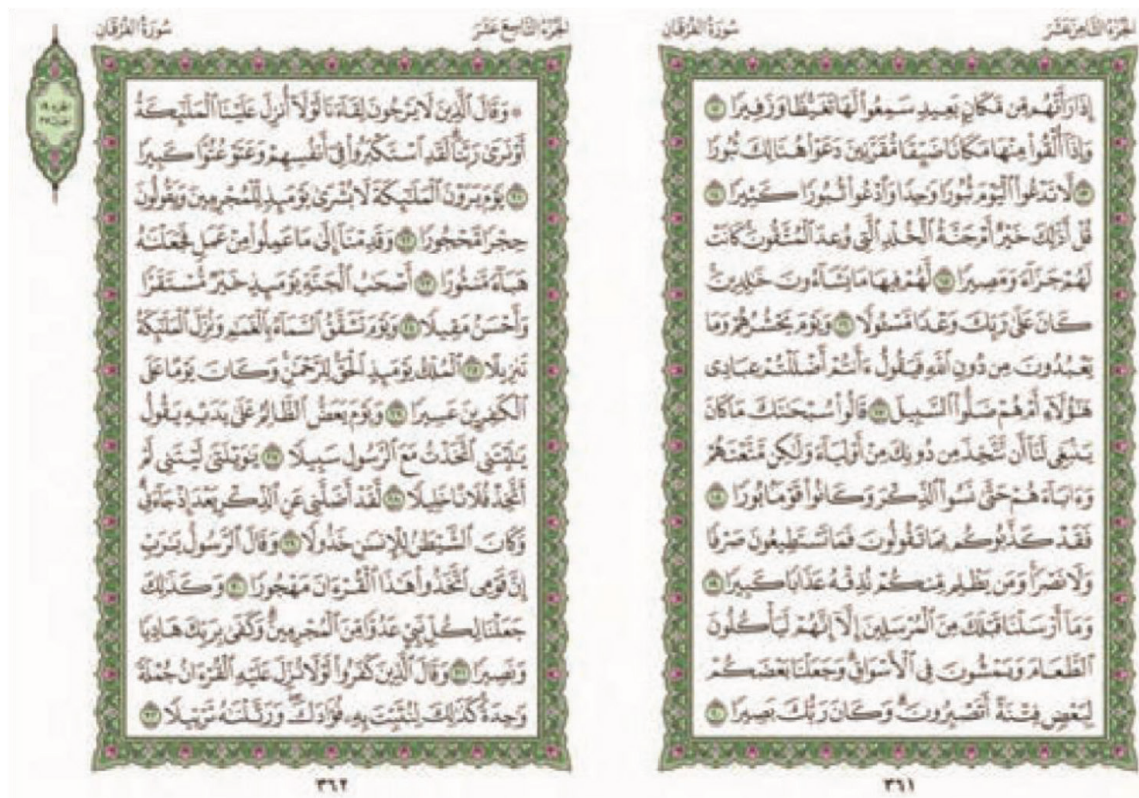
لَقَدْ عَرَفْتُ مِنْ خِلَالِ وَجُودِ كِتَابِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ وَ صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَ الْكُتُبِ الْآخَرَى فِي بَيْتِكُمْ أَنَّكُمْ مُتَدِينُونَ؛ لِهَذَا أَطْلُبُ مِنْكُمْ شَيْئَيْنِ:

الْأَوَّلُ: أَرْجُو مِنْكُمْ الْمَعْذَرَةَ؛ لِأَنَّنا جَعَلْنَا بَيْتَكُمْ مَقَرًّا لَنَا دُونَ إِذْنِكُمْ.

الثَّانِي: أَرْجُو مِنْكُمْ طَلْبَ الضَّرَرِ الَّذِي لِحَقِّ بَيْتِكُمْ. فَنَحْنُ مُسْتَعِدُونَ لِدَفْعِ الثَّمَنِ.

لَقَدْ اسْتَخَرْنَا بِالْقُرْآنِ الْكَرِيمِ نِيَابَةَ عَنْكُمْ.

فَفَتَحْنَاهُ وَ ظَهَرَتْ آيَاتُ مَبَارَكَةٍ مِنْ سُورَةِ الْفُرْقَانِ. أَرْجُو مِنْكُمْ التَّدَبُّرَ فِيهَا، كَمَا نَحْنُ تَدَبِّرُنَا فِيهَا.



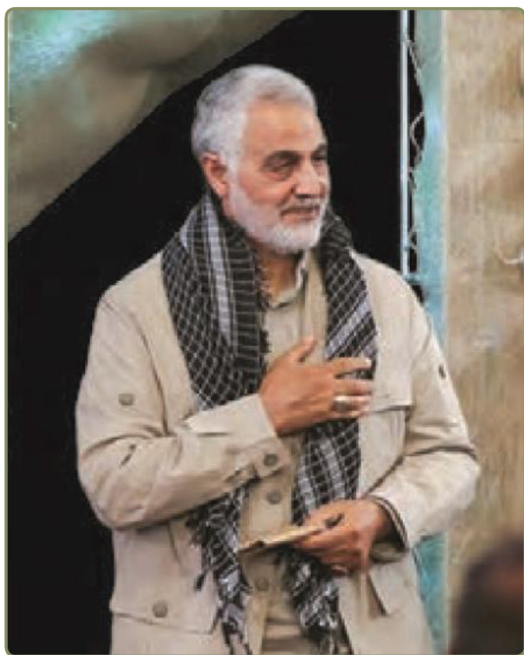
نَحْنُ صَلَّيْنَا فِي بَيْتِكُمْ، وَ صَلَّيْتُ رَكَعَتَيْنِ وَ أَهْدَيْتُ ثَوَابَهَا لَكُمْ وَ طَلَبْتُ مِنْ اللَّهِ حُسْنَ الْعَاقِبَةِ لَكُمْ.

نَحْنُ مُحْتَاجُونَ إِلَى دُعَائِكُمْ.

رَجَاءً، اَطْلُبُوا مِنِّي ثَمَنَ الْأَضْرَارِ، فَهَذَا رَقْمٌ

هَاتِفِي فِي إِيرَانَ، أَرْجُو مِنْكُمْ الْإِتِّصَالَ بِي، وَ

أَنَا مُسْتَعِدٌّ لِأَيِّ شَيْءٍ تَرِيدُونَهُ.



رَقْمُ الْهَاتِفِ: 0098913-----

إِنْكُمْ، أَوْ أَخَوُكُمْ: سَلِيمَانِي.

ترجمه کلمه به کلمه درس

كُتِبَ	الشَّهِيدُ الْحَاجُّ	قَاسِمٌ سُلَيْمَانِي	رِسَالَةٌ	لِصَاحِبٍ	الْمَنْزِلِ الَّذِي	اسْتَخْدَمَهُ
نوشت	شهید حاج	قاسم سلیمانی	نامه ای	به صاحب	خانه ای که	به کار گرفت آن را

كَمَقَرٍّ	لَهُ	خِلَالَ	عَمَلِيَّاتٍ	تَحْرِيرٍ	"الْبُوكْمَالِ"	فِي سُوْرِيَّةٍ،
مانند (به عنوان) قرارگاهی	برای خودش	میان	عملیات	آزادسازی	"بوکمال"	در سوریه،

يُظْهَرُ	فِيهَا	تَوَاضَعُهُ	وَ التِّزَامُهُ	بِالْحَقِّ.	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	
آشکار می شود	در آن	فروتنی اش	و وابستگی اش	به حق.	به نام خداوند بخشنده مهربان	

مِنْ	قَاسِمٌ سُلَيْمَانِي	إِلَى	الْعَائِلَةِ الْعَزِيزَةِ	وَ الْمُحْتَرَمَةِ.	الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ.	
از	قاسم سلیمانی	به	خانواده عزیز	و محترم.	درود بر شما.	

إِنَّكُمْ	تَعْرِفُونَنِي	حَقًّا.	نَحْنُ	الْمُجَاهِدِينَ	سَاعِدَنَا	الْمُسْلِمِينَ
همانا شما	می شناسید من را	به درستی.	ما	رزمندگان	کمک کردیم	مسلمانان را

مِنْ	أَهْلِ السُّنَّةِ	فِي	جَمِيعِ	الْعَالَمِ.	نَحْنُ	شِيعَةُ
از	اهل سنت	در	همه	جهان.	ما	شیعه هستیم

و يُمَكِّنُ الْقَوْلُ	بِأَنَّا	مِنْ	أَهْلِ السُّنَّةِ؛	لِأَنَّا	نَسِيرُ	عَلَى سُنَّةِ
و ممکن است گفته شود	به این که ما	از	اهل سنت هستیم؛	زیرا ما	حرکت می کنیم	بر سنت

رَسُولِ اللَّهِ	و نَعْمَلُ	بِهَا.				
پیامبر خدا	و عمل می کنیم	به آن.				

و أَنْتُمْ	شِيعَةُ	لِأَنَّكُمْ	تُحِبُّونَ	أَهْلَ الْبَيْتِ.		
و شما	شیعه هستید	زیرا شما	دوست دارید	اهل بیت را.		

لَقَدْ عَرَفْتُ	مِنْ خِلَالِ	وُجُودِ كِتَابِ	الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ	وَ صَاحِبِ الْبُخَارَى	وَ الْكُتُبِ	الْأُخْرَى
قطعاً شناختم	از میان	وجود کتاب	قرآن کریم	و صحیح بخاری	و کتاب های	دیگر
فِي بَيْتِكُمْ	أَنْتُمْ	مُتَدَبِّرُونَ؛	لِهَذَا	أَطْلُبُ	مِنْكُمْ	شَيْئَيْنِ:
در خانه شما	که شما	دین دار هستید؛	به خاطر این	می خواهم	از شما	دو چیز را:

الْأَوَّلُ:	أَرْجُو،	مِنْكُمْ	الْمَعْدَرَةُ؛	لِأَنَّا	جَعَلْنَا	بَيْنَكُمْ
اول:	خواهش می کنم،	از شما	پوزش می خواهم؛	زیرا ما	قرار دادیم	خانه شما را

مَقَرًّا	لَنَا	دُونَ	إِذْنِكُمْ.			
پایگاهی	برای خودمان	بدون	اجازه شما.			

الثَّانِي:	أَرْجُو	مِنْكُمْ	طَلَبِ	الضَّرَرِ،	الَّذِي	لَحِقَ
دوم:	خواهش می کنم	از شما	خواستن (بخواهید)	ضرر را،	که	رسیده است

بَيْنَكُمْ.	فَتَحْنُ	مُسْتَعِدُونَ	لِدَفْعِ	الْثَّمَنِ.		
به خانه شما.	پس ما	آماده هستیم	برای پرداختن	بها.		

لَقَدْ	اسْتَحَرْنَا	بِالْقُرْآنِ	الْكَرِيمِ	نِيَابَةً	عَنْكُمْ.	
قطعاً	استخاره کردیم	به قرآن	کریم	به جانشینی	از شما.	

فَفَتَحْنَاهُ	وَ ظَهَرَتْ	آيَاتُ مُبَارَكَةٍ	مِنْ سُورَةِ	الْفُرْقَانِ.		
پس باز کردیم آن را	و آشکار شد	آیات مبارکی	از سوره	فرقان.		

أَرْجُو	مِنْكُمْ	التَّدَبُّرُ	فِيهَا،	كَمَا نَحْنُ	تَدَبَّرْنَا	فِيهَا.
خواهش می کنم	از شما	ژرف اندیشی را (بیاندیشید)	در آن،	همان طور که ما	دقیق اندیشیدیم	در آن.

نَحْنُ	صَلَّيْنَا	فِي بَيْتِكُمْ،	وَ صَلَّيْتُ	رُكْعَتَيْنِ	وَ أَهْدَيْتُ	ثَوَابَهَا
ما	نماز خواندیم	در خانه تان،	و نماز خواندم	دو رکعت	و هدیه کردم	ثواب آن را

لَکُمْ	وَ طَلَبْتُ	مِنَ اللَّهِ	حُسْنَ الْعَاقِبَةِ	لَکُمْ.	
برایتان	و خواستم	از خداوند	سرانجام خوبی	برای شما.	

نَحْنُ	مُحْتَاجُونَ	إِلَى دُعَائِكُمْ.	رَجَاءً،	أَطْلُبُوا مِنِّي	مَنْ	الْأَصْرَارِ،
ما	نیازمندیم	به دعایتان.	لطفاً،	بخواهید از من	بهای	ضررها را،
فَهَذَا	رَقْمٌ	هَاتِفِي	فِي إِيرَانَ،	أَرْجُو	مِنْكُمْ	الْإِتِّصَالَ
پس این	شماره	تلفنم	در ایران است،	خواهش می‌کنم	از شما	تماس بگیرید

بِی،	وَ أَنَا	مُسْتَعِدٌّ	لِأَيِّ	شَيْءٍ	تَرِيدُونَهُ.
با من،	و من	آماده هستم	برای هر	چیزی که	می‌خواهید (بخواهید) آن را.

رَقْمٌ	الْهَاتِفِ	۰۰۹۸۹۱۳----	إِنُّكُمْ،	أَوْ أَخَوُكُمْ:	سُلَيْمَانِي.
شماره	تلفن	۰۰۹۸۹۱۳----	پسر شما	یا برادر شما:	سلیمانی.

با توجه به متن درس، به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱. مَا الْعَمَلِيَّاتُ الَّتِي اسْتَخْدَمَ الشَّهِيدُ مَنَزِلًا مِنْ مَنَازِلِ النَّاسِ فِيهَا؟

۲. مِنْ أَيْنَ عَرَفَ الشَّهِيدُ سُلَيْمَانِي بِأَنَّ صَاحِبَ الْمَنْزِلِ مُتَدِينٌ؟

۳. هَلْ كَتَبَ الشَّهِيدُ سُلَيْمَانِي رَقْمَ هَاتِفِهِ لِصَاحِبِ الْمَنْزِلِ؟

۴. لِمَاذَا اسْتَخْدَمَ الشَّهِيدُ سُلَيْمَانِي مَنَزِلًا فِي الْبُؤْكَالِ؟

۵. مَاذَا يَظْهَرُ مِنْ خِلَالِ قِرَاءَةِ رِسَالَةِ الشَّهِيدِ سُلَيْمَانِي؟

۶. أَيُّ سُورَةٍ ظَهَرَتْ عِنْدَ الْإِسْتِخَارَةِ بِالْقُرْآنِ؟

۷. مَنْ كَتَبَ رِسَالَةَ لِصَاحِبِ الْمَنْزِلِ؟

التمارين

التمرين الاول:

سخنان حکیمانه هماهنگ فارسی و عربی را به هم وصل کنید.

عاقبت، جوینده یابنده بود عداوة العاقل خيرٌ من صداقة الجاهل.
 نو که آمد به بازار کهنه شود دل آزار العالم بلا عملٍ كالشجر بلا ثمر.
 چاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی استر ذهابك و ذهابك و مذهبك.
 عالم بی عمل به چه ماند؟ به زنبور بی عسل من حفر بئراً لأخيه وقع فيها.
 تا توانی می‌گریز از یار بد یار بد بدتر بود از مار بد الوحدة خيرٌ من جليس السوء.
 دشمن دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان من طلب شيئاً و جد، وجد.
 در بیان این سه، کم جنبان لب از ذهاب و از ذهب وز مذهب بود لكّل جديد لذّة.

التمرين الثاني:

ضرب المثل‌های زیر را ترجمه کنید.

۱. عُصْفُورٌ فِي الْيَدِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرَةٍ عَلَى الشَّجَرَةِ .
.....
۲. مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ .
.....
۳. مَنْ طَلَبَ أَخًا^۱ بِلَا عَيْبٍ بَقِيَ بِلَا أَخٍ .
.....
۴. هَذَا الْفَرَسَ وَ هَذَا التَّمِيدَانُ .
.....
۵. يَوْمٌ لَنَا وَ يَوْمٌ عَلَيْنَا .
.....

الْتَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

کدام گزینه از نظر معنایی با کلمه مشخص شده هماهنگ است؟

۱. السَّحَاب	الْمَطَر	الصَّحِيفَة	الصُّورَة	الْعَرَبَة
۲. حَفْلَةُ الزَّوْاج	الرَّاقِد	الأبحاث	العروس	الصَّوْم
۳. عَصَفَتْ	الأسد	الرَّاسِب	الجُور	الرَّيَّاح
۴. الكَهْرَبَاء	النبات	البطارية	الغضبان	الزُّجاجة
۵. الدُّخان	الطَّرِيق	العميق	الحريق	الفريق
۶. أَلْبَاب	قَرَعَ	لَجَّ	وَلَجَّ	حَلَفَ

الْتَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است».

اجْعَلْ - التَّقَاعُدُ - فَرِيضَةٌ - تَمَوْتُ - امَّهَاتٍ - الْمَمَرُ - شَقَاوَةٌ - أَنْفَعُهُمْ

۱. اَعْمَلْ لِدُنْيَاكَ؛ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اَعْمَلْ لِآخِرَتِكَ؛ كَأَنَّكَ غَدًا.
۲. مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ مِنْ ابْنِ آدَمَ سُوءُ الْخُلُقِ.
۳. إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَ..... الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.
۴. اَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ؛ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ
۵. أَفْضَلُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.
۶. الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ

الْتَّمَرِينُ الْخَامِسُ:

در جای خالی عدد اصلی و ترتیبی مناسب بنویسید.

عددهای اصلی			
..... 4.	 3.	2. اِثْنَانِ	1. واحد
..... 8. ثَمَانِيَة	 7. سَبْعَة	 6.	 5.
..... 12.	 11. أَحَدَ عَشَرَ	 10.	9. تِسْعَة
عددهای ترتیبی			
..... 4. اَلْ	3. اَلثَّالِثُ	2. اَلْ	1. اَلْأَوَّلُ
..... 8. اَلثَّامِنُ	 7. اَلْ	6. اَلسَّادِسُ	5. اَلْ
..... 12. اَلْ	11. اَلْحَادِي عَشَرَ	10. اَلْعَاشِرُ	9. اَلْ

الْتَّمَرِينُ السَّادِسُ:

هر جمله درباره چه توضیح می‌دهد؟

- جَرَيَانُ قَطْرَاتِ الدَّمْعِ مِنَ الْحُزَنِ أَوْ الْوَجَعِ .
 ● اَلْبُكَاءُ ● اَلنِّيَابَة
- مَرْكَزٌ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِي يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الطُّلَابُ .
 ● اَلْمُسْتَشْفَى ● اَلْجَامِعَة
- شَبَابٌ يَدْرُسُونَ فِي الْجَامِعَاتِ .
 ● اَلشُّرْطِيُّ ● اَلطُّلَّابُ
- طَعَامٌ مَحْبُوبٌ فِي شِمَالِ إِيرَانَ .
 ● اَلرَّزُّ مَعَ السَّمَكِ ● اَلشَّايُّ الْخَارُّ
- فَصَلُّ يَأْتِي بَعْدَ الصَّيْفِ .
 ● اَلرَّبِيعُ ● اَلْخَرِيفُ

الْتَّمَرِينُ السَّابِعُ:

هر کلمه را در جای مناسب بنویسید.

حَدَّادُونَ - شُرَطِيَّانَ - نَافِذَتَيْنِ - سَيِّدَاتٌ - أَضْرَارٌ - نِيَابَةٌ - تَحْرِيرٌ

	مفرد مذکر
	مفرد مؤنث
	مثنای مذکر
	مثنای مؤنث
	جمع مذکر سالم
	جمع مؤنث سالم
	جمع مکسر

الْتَّمَرِينُ الثَّامِنُ:

ترجمه کنید و نوع فعل‌های مشخص شده را بنویسید.

۱. يَا وَلَدِي، لَا تَيَاسُ فِي حَيَاتِكَ. أَنْتَ تَقْدُرُ. أَطْلُبُ وَاجْتَهِدْ.

۲. يَا بِنْتِي، اضْحَكِي لِلْحَيَاةِ. لَا تَحْزَنِي. أَنْتِ فَائِزَةٌ. سَتَنْجَحِينَ غَدًا.

۳. اَنْصُرُوا اَصْدِقَاءَكُمْ وَ لَا تَتْرُكُوهُمْ فِي الْمَشَاكِلِ. فَهُمْ سَوْفَ يَسَاعِدُونَكُمْ اَيْضًا.

الْتَّمَرِينُ التَّاسِعُ:

با توجه به متن زیر، جمله های درست و نادرست را معلوم کنید.

حامدٌ وَلَدٌ ذَكِيٌّ وَ هُوَ فِي الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمُرِ. هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةَ مَسَاءً.
يَنْهَضُ صَبَاحاً فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ إِلَّا رُبْعاً، وَ بَعْدَ الصَّلَاةِ يَتَنَاوَلُ فُطُورَهُ فِي السَّاعَةِ
السَّادِسَةِ وَ النِّصْفِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ، اشْتَرَى وَالِدُهُ حَاسُوباً لَهُ وَ سَمَحَ لَهُ بِالدُّخُولِ فِي
الْإِنْتَرْنِتِ فِي أَوْقَاتِ الْفَرَاغِ. فَرِحَ حَامِدٌ بِهَذِهِ الْهَدِيَّةِ. بَعْدَ مُدَّةٍ سَافَرَ وَالِدُهُ وَ وَالِدَتُهُ لِمِهْمَةٍ
إِدَارِيَّةٍ لِمُدَّةٍ يَوْمَيْنِ. قَالَ حَامِدٌ لِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ:
«سَأَبْحَثُ بَحْثاً عِلْمِيّاً فِي الْإِنْتَرْنِتِ».

جَلَسَ حَامِدٌ خَلْفَ الْحَاسُوبِ وَ لَعِبَ سَاعَاتٍ كَثِيرَةً وَ فِي الْيَوْمِ التَّالِيِ نَهَضَ فِي السَّاعَةِ
السَّابِعَةِ إِلَّا رُبْعاً. مَا أَكَلَ الْفُطُورَ وَ مَا غَسَلَ وَجْهَهُ وَ خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ وَ رَكِبَ حَافِلَةً
الْمَدْرَسَةِ.



كَانَ حَامِدٌ يَشْعُرُ بِالنُّومِ فِي الصَّفِّ. فَجَاءَ سَمِعَ صَوْتَ الْمُعَلِّمِ:

«أُرِيدُ مُشَاهَدَةَ وَاجِبَاتِكُمْ».

فَتَحَّ حَامِدٌ حَقِيبَتَهُ وَ فَهِمَ بِأَنَّ الدَّفْتَرَ لَيْسَ لَهُ بَلْ لِأُخْتِهِ. نَدِمَ حَامِدٌ وَقَالَ فِي نَفْسِهِ:

«يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مُنَظَّمًا!»

درست نادرست



۱. اشترى والد حامد حاسوباً له.



۲. حامد في الثانية عشرة من العمر.



۳. هو يكتب واجباته المدرسية ظهراً.



۴. بحث حامد عن موضوع رياضي في الإنترنت.



۵. سافر والده والدته لِمُهَمَّةٍ إدارية لِمُدَّةٍ شهرين.

إِلَى اللِّقَاءِ
فِي الصَّفِّ الْعَاشِرِ؛
فِي أَمَانِ اللَّهِ ؛
مَعَ السَّلَامَةِ.

